

زایش مان ، انسانیت مان و نه اصل و نسب مان !
On est être humain par sa NAISSANCE et non par ses ORIGINES !

در عظیم خلوت من !
به سراغ من اگر می آئید / فرم و آهسته بیایید / امبادا که ترک بردارد / چینی نازک تنهائی من . (سهراب سپهری)
(فریدون ایل بیگی)

نشر دیگران

(گاه روزانه های دیروز ... و امروز)



فهرست موضوعی : ادب و هنر / تاریخی / دینی / سیاسی / مارکسیستی / ویژه نامه ها / فهرست الفبائی آمده ها

دیگر نشر : 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17

782

ایرج هاشمی زاده :

حزب توده ایران به روایت حزب توده ایران



حزب توده ایران

به روایت

حزب توده ایران

«در مسیر انقلاب»

یا به پای روزنامه «نامه مردم»

ارگان حزب توده ایران



حزب توده ایران به روایت حزب توده ایران

(در مسیر انقلاب / یا به پای روزنامه «نامه مردم» ، ارگان حزب توده ایران)

گردآورده و ناشر : ایرج هاشمی زاده

قیمت : 7 یورو (بابت مخارج فتوکپی و صحافی)

شمارگان : 100 نسخه

چندکلمه حرف حساب

بخش اول: اندریاب دموکراسی و برخورد با ساینیروها!

بخش دوم: اندریاب امپریالیسم جهانخوار آمریکا!

بخش سوم: اندریاب ساواک و اردوگاه های کار اجباری!

بخش چهارم: اندریاب پند و راهنمائی و راه گشائی! 27

بخش پنجم : اندریاب واقع نگری، از جمله سینما رکس

بخش ششم : اندریاب حقیقت و انسانیت !

بخش هفتم : اندریاب هنرکرنش!

بخش هشتم : اندریاب خبرچینی !

بخش نهم : اندریاب ادبیات توده ای !

بخش دهم: اندریاب شوخی با تاریخ !

بخش یازدهم : اندریاب پایان خواب و خیال « پدرکیا»

بخش دوازدهم: آخر خط !

چند کلمه حرف حساب !

گفتند که حرف تو حساب است

افسوس که ضد انقلاب است

هادی خرسندی

در جوامع دموکراتیک اگر سیاستمداری - در قدرت و در اپوزیسیون - خلاف عرف اجتماع سخنی بگوید، یا در زندگی خصوصی دست به عملی خلاف اخلاق حاکم بر جامعه بزند، با طوفانی از اعتراض احزاب، مطبوعات و یاران خود روبرومی شود و بیش از یک هفته ای طول نمی کشد که خواسته و ناخواسته به خطایش پی میبرد، اعتراف می کند، عذر می خواهد، خداحافظی می کند و برای همیشه صحنه سیاست را ترک می کند .

این بازی دموکراسی است . و این بازی چقدر زیبا و سالم برای رشد دموکراسی است !

در جوامع استبدادی، سیاستمداران و رهبران اپوزیسیون هیچگاه اشتباه نمی کنند، در فرهنگ این جوامع - با عرض معذرت - اشتباه کار خراست !!

کارنامه سیاستمداران نشسته بر صندلی قدرت روشن است. از قلدرو مستبد که نمیتوان انتظار عذر خواهی و استعفا داشت!

مشکل این جوامع نیروهای « اپوزیسیون » اند.

در انقلاب 1357 شمسی همه سازمان های سیاسی از فدائیان خلق - اکثریت و اقلیت - مائوتیست ها، کنفدراسیون چی ها گرفته تا حزب توده ایران، جبهه ملی ، سوسیالیست ها، مجاهدین خلق، نهضت آزادی و همه بدون چون و چرا، بدون یک کلمه کم یا زیاد ، گردن به رهبری «امام خمینی» نهادند، همه فریاد «مرگ بر شاه»، «بختیار نوکربی اختیار» سردادند و رژیم «سفاک و حیره خوار امپریالیسم» و شاه «سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا» را در زباله دان تاریخ انداختند.

« دیو» را برند و « فرشته» را آوردند.

و مردم، زن و مرد، دانشجو و کارمند دولت، تاریک فکرو شبه روشنفکر، مذهبی و لامذهبی سرازیر خیابان ها شدند. دختران و زنان مینی پوش بدو بدو، چارقد بسرتوی صف متینگ ملاها جاز باز کردند، توده ای های مسجد رفتند، جبهه ای ها تسبیح بدست گرفتند، سوسیالیست ها یواشکی عکس خلیل ملکی را از طاقچه اطاق در صندوقچه خانه قايم کردند. 30/20 نماینده مجلس شورای ملی و سنا که از غربال ساواک بر صندلی های مجلس و سنا خزیده بودند؛ چون عروسک های کوکی پشت تریبون مجلس و سنا از ظلم و ستم شاهی داد سخن سردادند.

« شهرستانی» شهردار تهران از مقامش استعفا داد و حاضر نشد بیش از این ظلم و ستم شاهی را تحمل کند.

کارمندان دولت، روزنامه نگاران، رادیو و تلویزیون تمرین اعتصاب کردند، طبقه مرفه و غرق در ناز و نعمت همگی بدون استثنا، یکی پس از دیگری به نیس و لندن فرار کردند و دیوهای زیبا و پرشکوه خود در انتظار نشستند تا پس از کودتای «ارتش غیور» به وطن بازگردند و دوباره آقائی کنند.

همافران و نظامیان جوان با یکی دو ستاره فسقل برپاگون ، از دانشکده افسری راهی حوزه قم شدند.

بوی خون و کفن، بوی تزویر و ترقیه، بوی نعلین و تسبیح در هوا، تهران، اصفهان و شیراز و و پخش بود.

رفیقم (!) توده ای؛ بساز و بفروش و جمال جهل و نادانی، چون سایر رفقای به پیروی از « رفیق کیا» بی صبرانه انتظار « گاندی ایران » را از پاریس می کشید.

« گاندی» که بر کرسی قدرت نشست و خوش رقصی های « پدرکیا» تعطیل شد، سه سالی را در زندان « گاندی» آب خنک نوشید!

هشدار بختیار از دیکتاتوری نعلین درامواج طوفانی که سرتاسر ایران را فرا گرفته بود، نه تنها انعکاسی نیافت، حسین مکی در مقاله ای در «آبندگان» اورا بر طبق «اسناد موجود، جاسوس انگلیس » خواند، چپی ها دشنامش دادند، جبهه ملی از خانه بیرونش کرد، دست راستی ها متهمش کردند که نقش بازی می کند و باعث خروج شاه از کشور شده و درخفا با روحانیون مشغول لاس زدن است

(تنها یک زن - وه چه زن شجاعی ! - مهشید امیرشاهی در آن جو ترور فریاد سرداد «چرا کسی به کمک بختیار نمی آید؟» .

با شروع امامت امام خمینی و پیاده شدن «اسلام» نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر « و آغاز اعدام ها و تعطیل روزنامه ها و پرشدن زندان ها، کم کم واقعیت ها جانشین هیستری ، شعارهای تو خالی، ارزیابی های غلط و خانمانسوز شد .

اما چه سود؟

3/2 میلیون ایرانی با قبول خطر و هزینه سنگین کشور را ترک کردند ، گروهی از « رهبران !» احزاب سیاسی از زیر تیغ شمشیر لاجوردی و خلخالی نجات یافتند و عازم خارج شدند و بتدریج دوباره جوی ماه های قبل از بهمن ماه 57 در غرب میان ایرانیان جاباز کرد، باین تفاوت که اگر آن زمان شاه رژیم پهلوی مورد غضب بود، حال جمهوری اسلامی

مورد غضب قرار گرفت و همه ، آری همه (بجز تعدادی کمتر از انگشتان دست) از گذشته سیاسی خود و نقش خویش در بهمن ماه 57 سخنی بر زبان نیاوردند. گوئی آن زمان این توده 3/2 میلیونی مقیم خارج از کشور راهی خیابان هانشد، چارقد بسر نکرد، ریش بلند نکرد، فریاد «بختیاری اختیار» سر نداد .

و حال همه آن « رهبران و روشنفکران !» ی که نقش رهبری را برعهده داشتند و مردم را بخوابان ها کشیدند و جاده انقلاب را آب و جارو کردند . حال همان « رهبران و روشنفکران » شکست خورده، بدون اعتراف به اشتباهات خویش ، بدون بررسی نقش فاجعه آور خویش در انقلاب، دوباره پرچم رهبری را بردوش گرفته اند و قصد فاجعه دیگری را در سردارند.

چرا چنین شد ؟

پاسخ به این پرسش ساده است . کافی است بکارتشریات سازمان های سیاسی ، مقالات نویسندگان و روزنامه نگاران را در آن زمان مرور کنید، کافی است به 28 سال پیش برگردید و گفته ها، بحث ها، داد و جدل ها، راه پیمائی های خودتان را بیاد بیاورید تا قبول کنید که همه ، منجمله شخص شما آنروزها هیزم بیار انقلاب اسلامی بودید و اگر اشتباه نکنم گویا چهره روحانی امام را هم در ماه دیده بودید!

ماملت فراموشکاری هستیم . مسئله فقط این نیست، مسئله این است که ما ناتوان از اعتراف به خطا هستیم، شهادت بر زبان آوردن اشتباهات خود را نداریم و نمیدانیم که قبول اشتباه و اعتراف به اشتباه ، سنگ اول بنای جامعه دموکراتیک است!

شاید این بلای خانمانسوز ریشه در مذهب شیعه ما دارد: تقیه ، دروغ مصلحت آمیز، تا در هر شرایطی گلیم خود را نجات دهیم.

در این تراژدی همه مقصربودند، توده ساده و « رهبران مادام العمر» احزاب سیاسی ، باین اختلاف کوچک ! که توده ساده چشم به دهان « رهبر» دارد و چشم بسته دنبالش راه می افتد.

میدانم الان خواهید گفت : « بخدا قسم من از روز اول مخالف بودم» !

پس ضروری می دانم واقعیت های آن زمان را لخت و عور، همانگونه که بود و اتفاق افتاد بر گوشتهای با صدای بلند تکرار کنم (چون می ترسم گوشتهای با گذشت زمان کمی سنگین شده باشد!) تا شاید نقش خود را در آنروزها بیاد بیاورید. و با این جمله استاندارد ساخته کشور گل و بلبل را تکرار نکنید که « کار، کار انگلیسی ها و امریکائی ها بود. »

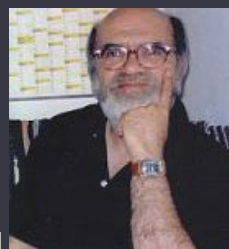
از حزب توده و نشریه « نامه مردم» شروع می کنم، فرقی نمی کند از کدام حزب شروع کنم، سگ زرد برادرشغاله !

سراغ سایر نشریات و احزاب دیگر هم باید رفت؛ باید سراغ آقایان نویسندگان و شعرا ی خارج از خط حزب توده هم رفت که به وجود «دادگاه» های شرعی اعتراض می کردند و معتقد بودند که سران رژیم پهلوی احتیاج به محاکمه ندارند و همه بدون استثنا باید تیرباران شوند و سالها بعد در فرنگ در «نشریه حقوق بشر» از بشرو حقوقش قلم فرسائی می کردند.

باید در کنار «سیاوش کسرانی و جلال سرفراز» ها، سراغ بسیاری از شعرا ی غیر توده ای هم رفت و در صفحات آیندگان و کیهان و اطلاعات دوران « بهار آزادی» سرکشید و دم خروس را بیرون کشید!

تذکر این نکته ضروری است که با انتشار گوشه هائی از روزنامه های « مردم» (و نه همه شماره های آن پس از انقلاب، که متأسفانه در دسترس من نیست). به هیچوجه قصد کشیدن « حزب توده ایران » را به پای میز محاکمه ندارم، قیای «مدعی العموم» ی برتن من بزرگ و گشاد است !، انگیزه من از انتشار این دفترچه فقط فقط زدودن گردفراموشی از ذهن شما و روشن کردن این نکته که « کار، کار انگلیس و امریکا » نبود! آشنی بود که خودمان پختیم و بقول بانوی فرزانه، هما ناطق «..... در انقلاب هم مدرس بودم و هم محقق! بداکه شورچنان ورم داشت که اندوخته ها و دانسته ها رابه زباله دانی ریختم و در هم رنگی با جهل جماعت به خیابانها سرازیر شدم. ادیبانه تریگویم : که زدم و به قول صادق هدایت اکنون آن را « فاشق فاشق» می خورم و پشیمان از خیانت به ایران. گوشه ای خزیده ام تا چه پیش آید. . . .» *

از مهدی خرازی که با آرشو « نامه مردم» اش، آرشومرا غنی ساخت و بیاری برخاست، صمیمانه تشکر می کنم!



ایرج هاشمی زاده، اطریش زمستان 1385

دونگته ضروری:

(1) نوشته های درون گیومه [] از من است

(2) آنچه به نقل از نامه « مردم » مابین حروف با حروف سیاه آمده ، عیناً از نامه « مردم » اقتباس شده است.

*هما ناطق در نامه ای به کیهان (شماره 944، 26 فوریه 2003) .



« پدرکیا» !

نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، نوه شیخ فضل الله نوری

بخش اول : اندر باب دموکراسی و برخورد با ساینرپروها!

دانشجویان پیروخط امام دیشب طی انتشار سند بسیار مهمی فاش ساختند :

مقدم مراغه ای برای امریکا جاسوسی میکرد

(مردم شماره 112، شنبه 18 آذر ماه 1358)

ارتباط حسن نرزه با توطئه ضد انقلابی اخیر دیرتری

مقدم مراغه ای جاسوس امریکا که زیر پرچم « آزادی » پنهان شده بود!

سرکوب ضد انقلاب در تبریز پیروزی بزرگ انقلاب است

حزب جمهوری خلق مسلمان در کدام جبهه قرار دارد؟

آیات عظام خواستار انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان شدند

(مردم ، شماره 113 ، دوشنبه 19 آذر ماه 1358)

بازار شهر تبریز برای تاکید برخواست انحلال حزب خلق مسلمان، دوروز تعطیل است

باهمکاری آشکار حزب ایران با حزب جمهوری خلق مسلمان دروقایع تبریز موقع آن رسیده است که بدین سئوال نیز پاسخ داده شود که : حزب ایران در کدام جبهه قرار دارد ؟

حزب ایران مبلغ ومروج افکار شاپور بختیار

هرکه در مبارزه با امریکا تفرقه بیافکند، جاسوس امریکاست / سخنان حجت الاسلام موسوی خوئینی

(مردم شماره 118، یکشنبه 25 آذر ماه 1358)

بر اساس اسنادی که در سفارت سابق امریکا در تهران بدست آمد:

عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بود

سخنگوی دولت بازرگان وسفیر سابق ایران در سوئد دستگیر شد

(مردم شماره 122، پنج شنبه 29 آذر 1358)

چرا جاسوس امریکا معاون نخست وزیر شد ؟

کشف اسنادی در جاسوس خانه امریکا توسط « دانشجویان مسلمان پیرو خط امام » فاش ساخت و اثبات کرد که عباس امیرانتظام جاسوس امریکا بوده است ولی این آقای امیرانتظام یک « منبع » گمنام برای « سیا » نبوده ، بلکه مقام منعی در دولت داشته ، معاون نخست وزیر ونیز سخنگوی دولت موقت انقلاب وسپس سفیر ایران در کشورهای اسکانیدیناوی بوده .. (مردم شماره 123، شنبه 1 دی ماه 1358)

نظامی که امیرانتظام از آن دفاع میکند.

عباس امیرانتظام ، سخنگو ومعاون دولت موقت ؛ هم اکنون بعنوان خیانت به انقلاب ایران دربنداست، انتظام که در خدمت سازمان جهنمی «سیا» قرار داشت ، تنها این وظیفه را پعهده نداشت که اخبار واطلاعات را در اختیار جاسوس خانه امریکا بگذارد. او وظیفه مهمتری را هم برعهده داشت ، باتمام نیرومیکوشیدان نظامی را جانشین نظام فروریخته آریامهری کند، که منافع امپریالیسم امریکا رادرایان تامین کند. ما بی آنکه اظهار نظری کرده باشیم ، برخی از نظریات انتظام را بعنوان نمونه از سخنان او که در مصاحبه های رسمی بعنوان سخنگوی دولت موقت بیان کرده است استخراج کرده ایم . . . تا خواننده به آسانی دریابد که انتظام از کدام مواضع دفاع میکند

امیرانتظام در مقام سخنگوی دولت موقت گفت :

1) 900 عضو سفارت امریکا و چهل مشاور نظامی در ایران هستند که ما خودمان خواستیم که بمانند

2) ما امیدواریم که در آینده نزدیک سوتفاهم ها از بین برود و دولت امریکا هم سفیرش را انتخاب ومعرفی کند

3) امیدواریم آنچه را فعال بروابط ایران وامریکا تاثیر گذارده ، از بین برود وروابط دوکشوره حال عادی بازگردد

4) تاوقتی دستگاه اطلاعاتی ما بکار نیفتد، نمی توانیم عکس العمل فوری در قبال وقایع نشان بدهیم

5) متاسفانه اکثر وسای شرکتها از ایران فرار کرده اند و دولت برای آنکه بتواند کارها مجددا به راه بیفتد، خواسته است ک این افراد به کشور برگردند

6) قوانین گذشته در مورد حزب توده ایران، تاوقتی لغو نشده؛ به قوت خود باقی است

(مردم ، شماره 124 ، یک شنبه 2 دی ماه 1358)

آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از «خط» خودش دفاع کرده است

مصاحبه ای که آقای بازرگان با روزنامه « بامداد» (شماره سوم دی ماه) بعمل آورده ودر آن از امیرانتظام دفاع نموده ، در نظر اول میتواند شگفتی برانگیزد، شگفتی از اینکه چگونه در شرایط کنونی میتوان بدفاع از کسی برخاست که طبق اسناد مکشوفه از لانه جاسوسی امریکا در مقام معاونت نخست وزیر باماموران « سیا» تماس های محرمانه داشته ، برای تسهیل این تماس ها بعنوان سفیر ایران در سوئد منتقل شده وقرار بوده است که اودر راس سفارت ایران درواشنگتن بگمارند تا بوسیله او راه « بهبود مناسبات امریکا را با ایران » مجددا بسود امپریالیسم تجاوزکار و غارتگریانکی هموار سازند .

ولی دقت بیشتری به سخنانی که آقای بازرگان در این مصاحبه ایراد داشته ، این شگفتی را برطرف میکند، زیرا این سخنان نشان میدهد که آقای بازرگان بادفاع از امیرانتظام از «خط» خودش دفاع کرده است، « خطی » که امپریالیسم امریکا را دشمن نمیداند، « خطی » که معتقد است « چون وابسته بوده ایم ناچار باید وابسته بمانیم . » . « خطی » که از تعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد . « خطی » که احکام دادگاههای انقلابی را « آبروریزی » و تعقیب ساواکیها را « انتقام جونی » میخواند.«خطی » که بمدت نزدیک به 8 ماه باسماجت انقلاب ضد امپریالیستی وخلق ایران را ترمز کرد و بخط « گام بگام» معروف شد .

آقای بازرگان نسبت به « خط گام بگام » خودش « خط» همان « خط» بورژوازی لیبرال سازشکاراست (صادق و در پیشبرد آن سرسخت است . این « خط » به ناگهان پیدانشده ، ریشه ومبنای دیرینه دارد وبراین نظراستوار است که میتوان بکمک امریکا در ایران رژیم « مطلوب » برقرار کرد . یک « مشروطیت بدون شاه » روی کار آورد ... قضاوت مردم ایران درست است ، « خط گام بگام » که همان خط بورژوازی لیبرال سازشکار است خارج از خط امام و برضد خط امام است و با منافع و مصالح انقلاب ایران مغایرت دارد

(مردم ، شماره 126 ، سه شنبه 4 دی ماه 1358)

رابطه نهضت آزادی با سفارت امریکا فاش شد

دانشجویان پیرو خط امام دیشب طی یک افشاگری بسیار مهم از فعالیت های نهضت آزادی برای حفظ منافع امریکا در ایران پرده برداشتند :

امیرانتظام به عنوان عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی با سفارت امریکا رابطه داشت (نیندر دشت صفحه اول)

(مردم شماره 127، چهارشنبه 5 دی ماه 1358)

گروهک مانویستی « سازمان انقلابی» مدافع امریکا

سازمان انقلابی افغانها را جلو سفارت امریکا میبرد تا علیه شوروی شعاردهند

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

روزی که بختیار جانشین شاه شد!

یکسال از آغاز خیانت تاریخی بختیار میگذرد و او همچنان با کمک حزیش در ایران علیه انقلاب فعالیت میکند!

16 دیماه سال گذشته، بختیار فرمان خیانت خود را از امریکا و شاه دریافت کرد. یادکردن از این روزنه بخاطر اثبات خیانت تاریخی یکی از سرسپردگان امپریالیسم امریکاست - که بر همگان آشکاراست - بل بخاطر یادآوری از خطی است که با بختیار علیه انقلاب ایران متولد شد و هنوز هم به حیات خائنه خود ادامه میدهد.

... سرانجام شاپور بختیار رهبر حزب ایران و عضو رهبری جبهه ملی مأمور اجرای « طرح ویژه » امپریالیستها برای خفه کردن انقلاب ایران شد . بختیار سالوسانه، زیر نام دکترمصدق پنهان شد و از مجلس فرمایشی شاه رای تمایل گرفت

... بختیار در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود دقیقاً اعلام داشت که هدف او حفظ نظام سلطنت است . او گفت « شاهنشاه به مسافرت میروند و بعد برمیگردند. اعلیحضرت موافقت کردند که سلطنت بکنند . طبق قانون اساسی دولت باید حکومت کند » (کیهان 16 دی)

بختیار خائن که در اوج شعارهای « مرگ پرنسپال » توده ها، شاه خائن را اعلیحضرت می نامید، در پاسخ سئوالی که رژیم سلطنتی باقی می ماند یا نه، گفت « امیدوارم سوتفاهمات را بین شاه و ملت حل کنیم » (همانجا)

برای « مرغ طوفان » ، 25 سال غارت و جنایت و کشتار 70 هزار ایرانی و سجرگاههای بی پایان اعدام و شکنجه گاههای قرون وسطانی، تنها « سوتفاهم » بین شاه و ملت معنی میدهد. از همین رو بود که وقتی از او پرسیده شد « آیا سلطنت در ایران باقی میماند » گفت « بله . امیدوارم » !

درواقع بختیار فقط امیدوار نبود، او مأموریت نجات سلطنت و رژیم وابسته امریکار داشت و درست بخاطر همین مأمور بود که حرف ماه قبلش « من به هیچ وجه موافق حکومت نظامی ، آنهم به مدت طولانی نیستم » را پس گرفت و بعد از تکیه زدن بر اینکه قدرت گفت « حکومت نظامی را به تدریج لغو میکنم »

بختیار که در همان روز اول روی کار آمدنش تصریح میکرد « رژیم سلطنتی در ایران به قوت خود باقی خواهد ماند، اما اعلیحضرت به سفر خواهند رفت » هرگز حکومت نظامی را لغو نکرد و به کشتار توده های میلیونی ادامه داد.

بختیار این نوکر سرسپرده امریکا که ستاد ارتشش را ژنرال هوپرز امریکائی اداره میکرد، در همان آغاز مخالفت خود را با حزب توده ایران نشان داد و مانند همه همپالکی هایش درسواک و دربار روسیا، حزب توده ایران را « وابسته به خارج » خواند . او همینکه وعده آزادی احزاب را داد با فعالیت مجدد حزب ما مخالفت کرد و گفت :

« کلیه احزاب که که غیر قانونی نیستند میتوانند شروع به فعالیت نمایند و دستجات ممنوع نیز میتوانند در صورتی که وابستگی به خارج نداشته باشند، پس از رسیدگی در زمره سایرین درآیند » (کیهان 16 دی 1357)

چهره ریائی بختیار هیچکس را فریب نداد . امام همانروز اعلام کرد که دولت بختیار غیر قانونی است

.... توده های خلق فریب بختیار را نخوردند از همان روز آغاز « سلطنت » بختیار تظاهرات میلیونی علیه او آغاز شد و سرانجام توده ها در امواج توفانی خود « مرغ طوفان » را به زباله دانی تاریخ افکندند.

بختیار تا آخرین لحظات دوام رژیم به کشتار مردم ادامه داد و وقتی ارتش مسلح مردم طومار رژیم را درهم درنوردید ، از ایران گریخت.

فرار این دشمن کینه توز انقلاب ایران پایان کار او نبود... در ایران هم دوستان و همفکران بختیار... در حزب او که سالها رهبرش بود یعنی حزب ایران متشکل شده اند و از طریق تبلیغ و ترویج افکار بختیار و پخش نوارهای سخنرانی او در پاریس یاریش میسرانند .

... ارگانهای انقلاب و بویژه شورای انقلاب باید برای زدن ضربه کاری به ضد انقلاب ، فعالیت هواداران بختیار را که عمدتاً در حزب ایران و انقاپ « ملی » فعالیت دارند ، خنثی و افشا نماید

(مردم شماره 136، یک شنبه 16 دیماه 1358)

افشاکاری های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دیشب ادامه یافت

امیران نظام بدستور امریکا وسایل سری نظامی امریکا را از ایران خارج میکرد.

(مردم ، شماره 146 ، یک شنبه 30 دی ماه 1358)

طبق سندی که دیشب توسط دانشجویان پیرو خط امام افشا شد :

بامداد ، تهران مصور، امید ایران و تهران تایمز زیر نظر امریکا کار میکردند، دانشجویان همچنین در پی افشای اسنادی روشن ساختند که « رهبانی » سردبیر بامداد، علیرضا نوری زاده، سردبیر امید ایران ، پرویز عرفان و مرتضی جعفری ، گردانندگان « تهران تایمز » و علیرضا فرهنگند از کارکنان سابق کیهان با جاسوسان امریکایی ارتباط نزدیک و همکاری داشته اند.

(مردم ، شماره 149 ، چهارشنبه 3 بهمن ماه 1358)

طبق اسناد جدیدی که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام فاش شد:

احمد مدنی از طریق ثابت پور، شهردار آبادان ، با جاسوسان امریکا رابطه داشت .

مدنی خیلی ضد روحانیت و ضد فلسطینی است

مدنی به سختی ضد کمونیست بود.

(مردم ، شماره 150 ، پنج شنبه 4 بهمن ماه 1358)

ضد انقلاب هنوز در رسانه های گروهی پایگاه دارد

سرنخ سینه چاکان « آزادی » مدافعان « دموکراسی»، مخالفان « فاشیسم آخوندی » ، دشمنان «استبداد عبا و نعلین» و دشمنان « حزب توده ایران » در حیط گل و گشاد عمو سام پیدا شد!

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با افشای اسناد رابطه « بامداد»، « امید ایران»، « تهران مصور» و « تهران تایمز» با جاسوس خانۀ امریکا در تهران ، این واقیعت را با اسناد غیر قابل انکار ثابت کردند . . . نگاهی به نشریاتی که دم خروس « آزادیخواهی » آنها از حیط عمو سام بیرون آمده ، باردیگر دو واقیعت را ثابت میکند (1) لیبرالیسم، نقاب امپریالیسم . (2) حمله به حزب توده ایران:

« صفی پور » و « والا » عمال سابقه دار رژیم شاه مخلوع وقتی انقلاب دژهای رژیم را فروریخت، لباس « آزادی » خواهی به تن کردند . « صفی پور » که یکی از « امید های ایران » برای امپریالیسم بود به سراغ « دکتر علیرضا نوری زاده » رفت . نوری زاده در زمان اعتصاب مطبوعات ، همه زور خود را زد که اعتصاب را بشکند و بعد هم در جلسه دیدار نویسندگان مطبوعات با بختیار، نوری زاده که مشاور مطبوعاتی « مرغ طوفان » بود، کوشید آنها را با آراستی دهد اما باز هم موفق نشد، نوری زاده به یکی از روزنامه های عصر خننه کرد و بعد از پیروزی انقلاب بعنوان خبرنگار همین روزنامه بخانه امام و دادگاههای انقلاب که آن موقع در مدرسه علوی تشکیل میشد راه یافت. (اکنون که ارتباط او با امریکا روشن شده ، باید این مساله هم تحقیق شود که در آن موقع نوری زاده چه و طیفه ای را در ارتباط با امریکائیا داشته است). . . امید ایران درست پایگاه بختیار بود ، عکس او روی جلد چاپ میشد و در « دادگاه مجله » از خیانت تریته میگردید. . . عبدالله والا هم سراغ مسعود بهنود اجرا کننده تیتراول یعنی تعریف نامه از شاه خائن و فحش نامه علیه کشورهای سوسیالیستی و حزب توده ایران و بارز نزدیک هویدا و امپراطوری رفت . . . یکی دیگر از سنگرهای امپریالیسم روزنامه « بامداد» بود که به شیوه ای دیگر به مبارزه با انقلاب ادامه میداد

(مردم ، شماره 151 ، شنبه 6 بهمن ماه 1358)

سنوال از آقایان لیبرال

آقایانی که امام را به « اعتدال » فرامیخوانند، به ملاقات برژینسکی می رفتند، از انقلاب « بشیمان » بودند، کارداگاههای انقلاب را « ننگ» می دانستند و نمایندههای مقابل لانه جاسوسی را « ننگ » دیگری می دانند، بهتر است به جای سفسطه و جنجال ، صاف و ساده بگویند که از پیشروی انقلاب خلقی خوششان نمی آید . . . مردم می پرسند : مگر شاهپوریختیار از میان شما برنخاست؟ مگر آقای سنجانی از میان شما نبود که کارش تاسف بره پاریس رسید، که امام را به « اعتدال » دعوت کرد و سپس صلاح خود را مدتی در ادامه همکاری ظاهری دید؟ مگر کسانی مانند مقدم مراغه ای که « کیابیا» در دستگاه شما بودند، آنچنان ماجراجوی سیاسی از آب درنیامدند؟ مگر خود مهندس مهدی بازرگان ، بلافاصله پس از انقلاب بارها نکوشید، ولو در لافافه ، رهبرانقلاب ایران رادر نظر مردم کوچک کند و رسماً نگفت که سه سه باره بار از انقلابی که شده است ، بشیمان است ؟ مگر او بملاقات برژینسکی بی اطلاع امام نرفت ؟ مگر او محاکمات انقلابی را مایه « ننگ و رسوائی » نخواند؟ مگر امیرانتظام از میان آقایان برنخاست؟

(زیر این مقاله تصویری است از یک چوبه دار و در کنارش : مزدور امریکائی اعدام باید گردد)

(مردم شماره 172، چهارشنبه 1 اسفند ماه 1358)

سئوال از مقامات مسئول جمهوری ایران : بختیار چگونه از ایران گریخت؟

شاهپوریختیار خائن طی مصاحبه ای با مجله هفتگی اوانمان، چاپ بلژیک، در مقابل این پرسش که، طی 5 ماه اول انقلاب ایران در کجا پنهان شده بود، گفته است : « در ایران و هنگامی تصمیم گرفتم ایران را ترک کنم. . . بایک پرواز عادی توسط یک خط هوائی بزرگ از فرودگاه مهرآباد به پاریس آمدم»

پرسش ما و تمام مردم ایران از مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران آنستکه : این مزدور جنایتکارو خائن ، در 5 ماه پس از انقلاب ایران ، توسط چه کسانی و چگونه پنهان شده بود و بالاخره توسط چه کسانی و چگونه از مرز فرودگاه مهرآباد ایران گریخت ؟

در انتظار پاسخ فوری و مقنع هستیم

(مردم شماره 203، یک شنبه 17 فروردین ماه 1359)

درستون « شوخی نیست . . . !»

نشئه یا خمار؟

رفیقی پرسید : جواب احمد خان شاملو « شاعر جاودانه » را نمیدهد که بازم در کتاب جمعه به حزب توده ایران دشنام داده است ؟

ظرفیقی جواب داد : اول باید دید جناب ایشان وقتی این فحش را میداده اند ، نشئه بوده اند یا خمار؟

(مردم ، شماره 228 ، چهارشنبه 17 اردیبهشت ماه 1359)

درستون « شوخی نیست . . . !»

لقب جدید بختیار

رادیو مسکو به شاهپوریختیار که تاکنون القابی چون « مرغ طوفان » ، « نوکری اختیار » ، « نخست وزیر منقل » و غیره . . . را داشت لقب بجای جدیدی داده است . جسد سیاسی !

علت پروئی ضد انقلاب

فرخ روپارسا وزیر چندین و چند ساله هویدا در دادگاه گفت : « امیدوارم دادگاه عدل اسلامی وزرائی را که جزو مهره های حساس مملکتی و همچنین از مهره های حساس حزب رستاخیز بودند ، بخشیده است ، مرا نیز شامل عفو بنماید»

– متوجه شدید چرا ضد انقلاب پرور شده؟

(مردم شماره 231، یک شنبه 21 اردیبهشت ماه 1359)

درستون « شوخی نیست ... !»

کتاب جمعه ویژه ! (نشریه احمد شاملو)

آیت الله خلخالی سرپرست اداره مبارزه بامواد مخدر شد (جراید)

– منتظر باشید « کتاب جمعه ویژه » علیه آیت الله خلخالی منتشر شود

(مردم ، 235، پنج شنبه 25 اردیبهشت ماه 1359)

« د کتربقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

(مردم ، 236، شنبه 27 اردیبهشت ماه 1359)

برای سرکوب ستون پنجم امپریالیسم و فراهم ساختن زمینه اتحاد نیروها

« دکتربقائی » های انقلاب را بشناسید و سرکوب کنید

(مردم شماره 236، شنبه 27 اردیبهشت 1359)

بختیار خائن توطئه ضد انقلاب ایران را فاش میکند

شاهپوریختیار، معروف به « مرغ طوفان» ، که پس از آوارگی توسط مردم انقلابی ایران، 16 ماه است که همراه با دیگر عمال از مجازات گریخته امپریالیسم امریکا، فعلا نه علیه انقلاب ایران توطئه میکند، پس از بازگشت خود از بغداد (که حضور وی در عراق برای اولین بار توسط حزب توده ایران افشاشد) در مصاحبه ای با نشریه فرانسوی « پاری ماچ» مطالب مهمی را طرح کرده است

(مردم شماره 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359)

در جلسه علنی مجلس شورای ملی

اعتبارنامه خسرو قشقائی بعثت عضویت در « سیا» باطل شد .

... حجت الاسلام خلخالی گفت « اینجا نباید مثل زمان رژیم سابق مقررات خشک بمورد اجرا گذارده شود . اگر بعد از تصویب اعتبارنامه ای مسلم شد که صاحب اعتبارنامه جاسوس امریکا است یا ساواکی است ، باید اعتبارنامه آن شخص باطل شود .»

اعتبارنامه خسرو صولت قشقائی بعثت عضویت اودر سازمان جاسوسی امریکا (سیا) و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران باطل شد .

(مردم ، شماره 253 ، یکشنبه 18 خرداد ماه 1359)

« شوخی نیست ... !»

تریچه پوک و نام دهان پرکن

یکی از گروهکهای ضد انقلابی و مائوئیستی طی اعلامیه ای نام خود را اعلام کرده است . میدانید چیست ؟ « جنبش انقلابی سازماندهی کارگران خلقهای ایران » !

(مردم ، شماره 266 ، سه شنبه 3 تیر ماه 1359)

« قاسملو و همفکران » درسراشیب انفراد و شکست

« قاسملو و همفکران » بهمان میزان از « ضد امپریالیست نبودن» طبقه حاکمه مینالند، که امپریالیسم امریکا و رژیم بعث عراق!

(مردم ، شماره 268 ، پنج شنبه 5 تیر ماه 1359)

« شوخی نیست . . . ! »:

ضدانقلابیون کمیاب !

هادی خرسندی را می شناسید؟

– ایشان در انگلستان سردبیریک نشریه ضدانقلابی هستند .

زهره یحوی را می شناسید ؟

– ایشان در صدای امریکا علیه انقلاب ایران گوینده هستند .

– برای چه یاد این دو افتاده ایم ؟ مگر ضدانقلابی کم است ؟

– البته کم نیست ، ولی ضد انقلابی که در کشور نباشد و نامش هنوز جزو کارمندان وزارت ارشاد ملی باشد ، مثل این دونفر ، کم است

(مردم ، شماره 270 ، دو شنبه 9 تیر ماه 1359)

حمله ضد انقلابیون فاشیست « گروه قاسملو» به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

. . . ما ضمن محکوم کردن این عمل فاشیستی « قاسملو وشرکا» از همه مردم کردستان میخواهیم که چهره واقعی این سالوسان را تشخیص داده وقاطعانه به مقابله با این اوباشان برخیزند

(مردم ، شماره 273 ، پنج شنبه 12 تیر ماه 1359)

گروهک مائوئیست – ضدانقلابی « حزب رنجبران » ، در عرصه تئوری و عمل

مائوئیسم ، متحد امپریالیسم .

« حزب رنجبران » مدافع سرمایه داری وابسته، دوستدار امپریالیسم امریکا و دشمن متحدین انقلاب ایران است

(مردم ، شماره 279 ، پنج شنبه 19 تیر ماه 1359)

« شوخی نیست . . . ! »

تعطیل !

به کلیه اشخاص معناد 6 ماه مهلت داده شد برای معالجه به درمانگاه ها و بیمارستانهای که وزارت بهداشت تعیین میکند، مراجعه کنند (بامداد 14 تیر)

– کتاب جمعه تعطیل شد !!!

(مردم ، شماره 281، یک شنبه 22 تیرماه 1359)

اسناد همکاری خسرو قشقانی با ساواک و سیا ، شاه و علم . . .

این اسناد که توسط مخبر کمیسیون تحقیق به خبرنگاران داده شد از میان اسناد ساواک ولانه جاسوسی امریکا بدست آمده است

(مردم ، شماره 282، دو شنبه 23 تیرماه 1359)

دست بقائی جاسوس و بقائی های امروز را از انقلاب کوتاه کنیم !

. . . دکتر بقائی کرمانی، جاسوس سیا که در کودتای خائنه 28 مرداد شرکت فعال داشته و در کودتای اخیر نیز بارهبران اصلی آن رابطه نزدیک داشته است ، متأسفانه پس از مدت کوتاهی آزاد شد . رهائی او مستقیماً به امپریالیسم امریکا در زمینه سازی توطئه ها باری میسراند . انقلاب ایران اگر این دست هارا قطع نکند و جاسوسان جنایتکاری چون بقائی ها را به مجازات درخور خویش نرساند ، مسلماً با توطئه های بزرگ تری مواجه خواهد شد.

(مردم ، 294 ، دوشنبه 6 مرداد 1359)

رادیو های ضدانقلابی بختیار و اویسی

سگ زرد وشغال در خدمت یک هدف شیطانی : ملاقات قاسملو با بختیار، اوباشان قاسملو به دفتر حزب توده ایران در مهاباد حمله کردند

(مردم ، 305 ، دوشنبه 20 مرداد ماه 1359)

آزادی بقائی ها، اسارت انقلاب است

بقائی جنایتکار باید دستگیر و محاکمه گردد و برای کشف شبکه های توطئه امپریالیسم امریکا مورد بازجویی قرار گیرد

عوامل کودتا در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به چه کاری مشغول بودند؟

(مردم، 321 ، یک شنبه 9 شهریور 1359)

گروه قاسملو ، مدافع دزدان ، اوباشان و مز دوران بعث

(مردم ، 323 ، سه شنبه 11 شهریور 1359)

پلیس انگلستان – محافظ ضد انقلاب شاهنشاهی !

روز 19 مرداد 1359، حدود 1500 نفر از ضدانقلابیون فراری رژیم شاهنشاهی در لندن تظاهرات علنی داشتند. این عده از سراسر انگلستان و بعضی از کشورهای اروپایی آمده بودند. دوهزار پلیس انگلیسی از ضدانقلابیون محافظت میکردند.

آری، پلیس انگلستان؛ که دانشجویان مبارز ایرانی را به «جرم» دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مضروب میسازد و بزندان می افکند، محافظ ضدانقلاب شاهنشاهی است !

این فقط نمونه ای از «دموکراسی»، « آزادی»، و « حقوق بشر» از نوع امپریالیستی است .

این پلیس یکی از کشورهای « جهان دوم» کذاتی است، که برخیا بدنبال اتحاد با آن برضد « ابرقدرتها » هستند!

روزنامه مردم عکسی هم از تظاهرات در کنار خبر چاپ کرده است

(مردم شماره 325 یکشنبه 13 شهریورماه 1359)

« روزنامه میزان» چه میزان در خط انقلاب ایران است ؟ [میزان نشریه نهضت آزادی مهدی بازرگان]

(مردم ، 328 ، سه شنبه 18 شهریور 1359)

ما پیروان خط برژینسکی را بهرباس که درآیند، افشا خواهیم کرد

مقاله ای برعلیه روزنامه میزان و نهضت آزادی

چریک ها، با پای لنگ به دنبال مارکسیسم

چریک های اکثریت با حزب توده ایران مبارزه نمیکنند، دهن کجی میکنند واین عادت دوران کودکی است

(مردم ، 335 ، چهار شنبه 26 شهریور 1359)

قابل توجه امام جمعه تهران وزیرارشاد اسلامی

ورق پاره ای ضد انقلابی بنام « پیام جمعه » مجاناً در بین نمازگزاران توزیع میشود

مائوئیست های امریکائی « رنجبر» زیر نام « اسلام » ورق پاره ای را که امتیازهم ندارد و گرداننده آن یکی از رهبران چماقداران است ، در سطح وسیع منتشر و بطور مجانی توزیع میکنند

ما جدا از مقامات مسئول میخواهیم که انتشار این ورق پاره ضدانقلابی ، که زیر نام « اسلام» به تفرقه افکنی بسود امریکا مشغول است ، جلوگیری کنند.

(مردم شماره 401، اول دیماه 1359)

در حاشیه مجلس

فعالیت ضدانقلابی گروهک پیکار

عطا مهاجرانی ، یکی از نمایندگان مجلس در جلسه دیروز تاکید کرد که عوامل گروهک ضدانقلابی پیکار خود را در صفوف آوارگان جنگ جازده اند و زیر نام آنها تظاهرات راه می اندازند

این گفته نماینده مجلس ، لزوم توجه به نقش مخرب گروهک های مائوئیستی را بیش از پیش مطرح میکند

(مردم شماره 401، اول دیماه 1359)

شوخی نیست . . !

اندر شناخت لیبرال و احوال وی

فریدون تنکابنی

ولیبیرال، بروزن « شیره ساز» تاجری است با ترازوی نامیزان، از انقلاب سرخورده و پشیمان، و از وضع روزگار آزاده و پیریشان

رنگری است که حنایش رنگی ندارد، با زهر لحظه تخم نیرنگی کارد و دام فریبی به میان آرد. گزافهانش مغل سلامت و قطاب یزدش به دور از خلوت

سیاست را، هر روز در قیام و قعود، و عبادت را، هر شب در رکوع و سجود، بهر سود، لوج و عنود، و سرمایه هر دم در عروج و صعود.

برادری را بی برابری خواهد. بر تعارف افزایش و از مبلغ کاهد. از بهر آزادی گریان و نالان و از انقلاب بیمناک و هراسان. برای آزادی اشک تمساح ریزد و با انقلابیون جسور و گستاخ ، نه شاخ به شاخ ، بل مودیانه ستیزد.

از وحدت خلق بیزار است و پراکندگی و دشمنی را خواستار، تا با بزخمر ادا شود و بر سر خلق هوار گردد.

هر دم تفرقه اندازد، و نردیحله و نیرنگ بازد و تخم عداوت و کینه کارد، شاید آب رفته به جوی باز آرد.

بیت :

آن که شیران را کند روبه خصال لیبرال است ، لیبرال است ، لیبرال

« خطر کمونیزم» را همه وقت و همه جا سراغ کند و آن را چماق کند و برفرق خلایق نوازد و طریق « القا ایدئولوژی » هموار سازد.

و بورژوا لیبرال، جانوری است اهریمن خصال که نیندیشد جز به جمع مال و گرد آوردن اموال ، از هر مرم حرام و غیر حلال. با سرمایه دار وابسته در یک جوال وفی الواقع سگ زردی است برادرشغال.

در ظاهر موجودی است قشنگ و شیک، و دوستدار فرنگ و آمریکا، (همراه قافله، اما با دزد شریک)

جز از آزادی سخن نراند، و برای آزادی یقه دراند، و پستان به تنور چسبانند، و اشک حسرت از مزه چکانند.

لیک از کلاه دوزی، یف نم زدن داند، و خود کامگی را آزادی خواند.

سود و سرمایه اش بیش، و از بهر آن همواره در تشویش. مرادش از آزادی، آزادی خویش. دشمن دهقان و کارگرو پیشه ور، و از حکومت مستضعفان آزاده و پیکر. مسلمانی اش به تسبیح و ریش، نه به بهبود حال خلق پریش.

پولم از پارواگر بالارود/ باز خواهم باز افزون ترشود/ بهر من آزادی غارت خوش است/ انقلاب خلق « آزادی» کش است

هر زمان صد مکروافسون میکنم/ باری، ار لازم شود خون میکنم/ گر که از دررفت آن آقا « سیا» / گویمش: از بنجره جانم بیا!

ترسد که انقلاب شمشیر عدالت بتردارد، و آنچه فرو برده، از حلقومش بر آرد، که معاد الله (بل ان شا الله) اگر چنین شود، بیدرنگ جان سپارد.

مصرع : پول است نه جان است که آسان بتوان داد.

گاه از ملی شدن صنایع در رنج و عذاب، و گاه به خاطر بستن مدارس ممتازات در عتاب و خطاب. گاه انحصار تجارت خارج، رنج اوفزاید، و گاه از منع معامله ارز فغانش بر آید.

الغرض، هر چه کند و سنگ حادثه بر سرش بارد، باز عبرت نیارد، و شکست انقلاب را آرزو دارد.

همچون « عموسام»، دشمن خط امام، البته شکست خورده و ناکام. با دانشجوی مسلمان جز ره عناد نبود، و جز دشنامش نگوید. نام کمیته بر زبان نیارد و چشم دیدن پاسدار ندارد.

چون صدام، صد دام نهد، و آن گاه که ناکام شود، چون اسپند بر آتش جهد، و ناله و فریاد سردهد.

ای لیبرال، ناله و فریاد سر کنی/ پنداشتی که مردم بیدار کنی؟/ بس کشته داد ملت ما بهر انقلاب؟ خواهی ز روی نعش شهیدان گذر کنی؟/ مستضعفان به عرصه پیکار بوده اند/ مستکبری و خواهی کسب ثمر کنی؟ / لولوبردان ممه را، خوب گوش کن/ باید که پنبه را تو زگوشت به در کنی! / مردم به لیبرال مجال نمی دهند/ هر چند گریه سردهی و ناله سر کنی / صد بار میکنند ترا خوار و مفتضح / نیرنگ و مکروتوطئه صد بار اگر کنی/ با جیب پر زیول برفتند سوی غرب/ یاران، تونیز به که خیال سفر کنی/ مردان لیبرال « بزرگی » فراری اند/ باید توهم جنینی و فکر در کنی!

(مردم شماره 414، پنجشنبه 18 دیماه 1359)

« باند قاسملو» ساواکیها را برای همکاری علیه انقلاب می پذیرد

(مردم شماره 415، شنبه 20 دیماه 1359)

توطئه ضد انقلاب، مائوئیستها و لیبرال ها علیه انقلاب، به بهانه « بازگشایی دانشگاهها» را خنثی کنیم.

امام خمینی: هر گروهی که بیشتر مورد حمله بود و این اشخاص منحرف، بیشتر با حمله میکردند، برای ملت مفیدتر است.

(مردم شماره 418، سه شنبه 23 دیماه 1359)

مانوئیست های امریکائی « رنجبر» که زیرنام « اسلام» ورق پاره ای بنام « پیام جمعه » را که امتیازهم ندارد، مجاناً در تهران توزیع میکنند، دست به انتشارورق پاره بدون امتیازدیگری بنام « احزاب » زده اند که این یکی هم مجاناً توزیع میشود. . . ماباردیگرازوزارت ارشاد اسلامی ودیگرمقامات کنشورمیخواهیم که مانع انتشاراین ورق پاره صدانقلابی شوند واجازه ندهند ورق پاره ای که برخلاف قانون وعلیه مصالح انقلاب وجمهوری اسلامی ایران منتشرمیشود به انجام وظیفه صدانقلابی خود ادامه دهد.

(مردم، شماره 420، پنجشنبه 25 دیماه 1359)



بخش دوم: اندر باب امپریالیسم جهانخوار امریکا!

[حزب توده هرروز، بدون استثنا، در « نامه مردم » از خطر حمله امریکا و « مزدوران امریکائی» هشدار میداد و ازدولت و نیروی های شبه نظامی رژیم مصر می خواست که آماده مقابله نظامی باشند ، نمونه های زیرهیستری مصنوعی حزب توده را نشان میدهد که درپشت آن ایجاد جوتنفرو نفرت از « امپریالیسم جهانخوار امریکا ودرکل غرب» و سودادن رژیم بدامن شوروی نهفته بود]

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تایید ومذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه گران اصلی برضد انقلاب ایران را محکوم میکند. 13 آبان 1358

(مردم شماره 71، یکشنبه 29 مهرماه 1358)

سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی:

رابطه با امریکارا میخواهیم چه کنیم؟

نااسترداد شاه خائن، اشغال سفارت ادامه دارد

(مردم شماره 84، دوشنبه 14 آبان ماه 1358)

امریکا ! امریکا! سیاوش کسرانی

باشگاه فرومایگانی/ وفروودگاه خشم جهانیان/ بازار بزرگ بردگی قرن/ وارونه کیمیاگری تو/ که زندگی را خاکستر/ وعشق را روسپی میکند/ در جنگل عظیم صنعت/ بردرختان سترک/ تفاله میوه های آدمی آویختست:

سیاه وزرد/ سفید وسرخ.

از کشتزارهای علمت چه میرود؟/ قارچ های اتمی/ تاجرهماره مستی تو/ که باروت به دنیا میدهد/ وبه بهای آن / گلاب میگیرد.

غول هزار دستی/ که بایگانه چشم آزدپیشانی / پی در پی/ پیرامون را میبائی.

بشنو!/ میآیند/ چنداچندو گروه گروه/ نه، غم آوای شبانه نیست/ سرود سرخ سحرگاه است/ که پامیگیرد.

نگاه کن/ ستارگان/ یکایک از پرچم تو می گریزند/ ودر دست تنها/ پارچه ای میماند، / بل، قاب دستمالی/ برای برق افکندن به کفش کهنه سرمایه .

آری، نگاه کن/ که ستارگان میگریزند/ چه، آفتاب برمیآید

تهران، دوشنبه 14 آبان 1358

(مردم شماره 86، چهارشنبه 16 آبان ماه 1358)

سفارت امریکا ، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران ، اشغال شد

دانشجویان مسلمان پیرو امام خمینی : رابطه با امریکا را میخواهیم چه کنیم ؟

مردم ایران فریاد میزنند مرگ بر امریکا و آقای بازرگان با برژینسکی ملاقات میکند

جوان سرخ موی امریکائی تصویر پیام امام را پاره کرد

این شاه امریکائی، در پیش پای ملت اعدام باید گردد.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :

امریکا باید شاه مخلوع را به دولت ایران مسترد دارد

حزب توده ایران اشغال سفارت امریکا، مرکز توطئه علیه انقلاب ایران را تأیید و مذاکرات هیات نمایندگی دولت موقت با برژینسکی، یکی از توطئه گران اصلی برضد انقلاب را محکوم میکند .

(مردم شماره 84، دوشنبه 14 آبان ماه 1358)

آوردگاه جلال سرفراز ، اردیبهشت 59

بالابلند برآمد/دستی به روشنی/ درگیسوان تیره فرورد ماه

بریامها/ (هنگام کزگرانه دوری/ انبوه کرسان/ رویادیارما/ پروازمیکند)/ خلقی خروش برداشت/ خون درسرود و _ رود سرود خون:/ یانکی بمیرا/ مرگ برآمریکا!

درمقدم بگاه/ آماج هرگلوله پرچم خونین سینه ها،/ دیدم چگونه دست پدرايسرگرفت/ وباسرود رفت به آوردگاه

دلواپسان/ خاموش ایستادند/ بی باوران به خواب فرورفتند/ شاعرنگاه کرد/ ازقلب توده ها:/ تاچشم کارمیکرد/ تاریک روشنان شقایق بود/ درمعبرنگاه

(مردم شماره 96، چهارشنبه 217 اردیبهشت ماه 1359)

کالای امریکائی نخریم !

فردفرد مامصرف کالاهای امریکائی را برخورد تحریم کنیم ، تولید داخلی خوداراج دهیم وکالای امریکاراپرسرش بگوییم . باقطع ریشه تسلط امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم امریکا اززمین ما سرانجام دوران محرومیت هم پایان خواهدیافت و باتامین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه وعدالت اجتماعی نیزخواهیم رسید .

(مردم شماره 98، چهار شنبه 130آبان ماه 1358)

گزارشی ازشبهای ضد امپریالیستی درمقابل لانه جاسوسی امریکا :

دورزمگاه شبانه خلق . . .

صدهانفره شب با لای لای ضد امریکائی درکنارجاسوسخانه امریکا به خواب میروند

(مردم شماره 103، سه شنبه 6آذر ماه 1358)

تتردرشت صفحه اول نامه « مردم » :

پراودا : خواست ملت ایران برای استرداد شاه ، منطقی است

(مردم شماره 110، پنج شنبه 15 آذر ماه 1358)

جیاب ؛ وزیردفاع جمهوری سوسیالیستی ویتنام : امام خمینی شخصیتی استثنائی است ؛ برای حمایت ازانقلاب ایران میتوانید به کشور شوروی متکی باشید که درصورت نیاز، به شما کمک خواهد کرد

(مردم شماره 114، سه شنبه 20 آذر ماه 1358)

امپریالیسم های اروپای غربی وژاپن، هم امپریالیست اند وهم متحد امپریالیسم امریکا

(مردم شماره 121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

بمناسبت پنجاهمین روز تسخیر جاسوسخانه امریکا « توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام »

دانشجوی خط امام برتو درود ، برتوسلام

دوره اخیرانقلاب ایران ، بانام وچهره مبارزین راستینی که لانه جاسوسی امریکا را فتح کردند ، پیوند ناگسستنی یافته است

(مردم ، شماره 125 ، دو شنبه 3 دی ماه 1358)

اعلامیه « سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران

همه باهم علیه امپریالیسم امریکا وعمال داخلی آن

امپریالیسم جانینکارامریکا باردیگر بمنظورضریه زدن به انقلاب بزرگ مردم ما به توطئه تازه ای دست زده است وبا ایجاد بلوا وآشوب بوسیله عده ای اوباش و چماق بدست درشهر قم درصدد ایجاد تفرقه ودودستگی درمیان مردم ، تضعیف وهتک حرمت ازرهبری انقلاب برآمده است .

ماباردیگر اعلام میداریم که پیروی ازخط قاطع امام خمینی رهبرآشتی ناپذیرانقلاب شکوه مند ما شرط پیروزی برامپریالیسم خونخوارامریکا ، دشمن اصلی همه خلقهای جهان است . ماباردیگرهموطنان عزیز را به هشیاری انقلابی و اتحاد علیه امپریالیسم امریکا، ضد انقلاب وسازشکاران رنگارنگ حامیان نفوذ امپریالیسم درایران فرا می خوانیم وازهمه اعضا و هواداران وجوانان مترقی ضد امپریالیست می طلبیم که درراهپیمائی فردا صبح شنبه 15 دیماه 1358 که بدعوت دانشجویان مسلمان پیروخط امام و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم علیه دشمنان سوگند خورده انقلاب انجام میگردد شرکت کنند

زنده باد خط ضد امپریالیستی وقاطع امام خمینی

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران 10/1358/ 14

(مردم شماره 136، یک شنبه 16 دیماه 1358)

[کیومرث زرشناس ، دبیراول سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران درتابستان 1367 درزندان اوین به حلق آویزان شد روانش شاد باد]

بختیار، تک خال جدید امپریالیسم امریکا

(مردم ، شماره 164، دو شنبه 22 بهمن ماه 1358)

امپریالیسم امریکا،

امپریالیسم امریکاست

(مردم شماره 174، شنبه 4 اسفندماه 1358)

باردیگر آژیرمیدهم :

امپریالیسم امریکا درکمین انقلاب ایران

ممکن است توطئه های خطرناک تری هنوزدرپیش باشد

(مردم شماره 180، شنبه 11 اسفند ماه 1358)

برای مقابله با تجاوزنظامی امپریالیسم امریکا

(مردم شماره 185 و 186، پنج شنبه 16 و 18 اسفند ماه - شماره 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359 و 1358)

برای مجلس شورای ملی، مردم به چه کسانی رای می دهند؟

نماینده مجلس شورای ملی، اگر ضد امریکائی نباشد، نماینده ملت نیست

(مردم شماره 189، سه شنبه 21 اسفندماه 1358)

خطر امریکا - باقی است - فوری است - جدی است .

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا . تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود.

سیاه پاسداران باید تقویت شود.

(مردم، شماره 230، شنبه 20 اردیبهشت 1359 و شماره های 233، 234، 243)

درسالروز قیام خونین 15 خرداد مردم یکپارچه و مصمم شعار میدادند:

مرگ بر امریکا، دشمن اصلی ما

دروغ بر خمینی، سلام بر شهیدان

(مردم، شماره 252، شنبه 17 خرداد ماه 1359)

کمیونستهای امریکائی در کنار هواداران حزب توده ایران، امپریالیسم امریکا را محکوم کردند.

امپریالیسم امریکا خود را برای اقدامات تجاوزکارانه تازه علیه ایران آماده میکند

ضرورت دفاع از انقلاب حکم میکند که هرچه زودتر عوامل امپریالیسم امریکا در ایران سرکوب شوند

(مردم، شماره 261، چهارشنبه 28 خرداد ماه 1359)

دشمن اصلی - امپریالیسم امریکا - را فراموش نکنیم

چرا مطبوعات، امپریالیسم امریکا را فراموشی سپرده اند؟

(مردم، شماره 266، سه شنبه 3 تیر ماه 1359)

براساس اسناد بدست آمده، میسیونرهای مذهبی از جمله مراکز جاسوسی امپریالیسم امریکا در ایران بودند:

میسیونرها با گروهی از افسران ارتش، نیروی هوایی و ادارات دولتی تماس و همکاری داشتند .

چندی پیش یک مرکز جاسوسی اسرائیل در تهران که تحت پوشش فرهنگی - تربیتی (اندیشه) به فعالیت های جاسوسی علیه انقلاب ایران مشغول بود، کشف شد. براساس اسنادی که از این مرکز جاسوسی بدست آمد؛ میسیونرهای مذهبی در ایران برای سازمانهای جاسوسی « سیا »، « موساد » و « اینتلیجنس سرویس » جاسوسی می کردند

(مردم، 319، پنج شنبه 6 شهریور 1359)

توطئه امریکا - بکمک لیبرال ها - علیه انقلاب، در همان آغاز انقلاب فاش میشود

(مردم، 331، شنبه 22 شهریور 1359)

شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام

هر بار که نیروهای رنگارنگ ضد انقلاب میکوشند دشمن اصلی را از بزرگترین خارج کنند، امام خمینی تأکید میکند: « امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است »

(مردم شماره 335 چهارشنبه 26 شهریورماه 1359)

طرح امریکا برای اشغال سه جزیره ایران در خلیج فارس خطرناک است جدی و فوری

سیاه پاسداران اصفهان فاش کرد: نقشه « سیا » برای ایجاد جنگ داخلی در ایران:

رئیس سازمان سیا: تمام تخم های یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است

سازمان سیا نقشه وعکسهای هوایی فرودگاه ها و پایگاه های هوایی ایران و اسامی خلبانان ایرانی را در اختیار دارد

(مردم شماره 403، چهارشنبه سوم دیماه 1359)

خطر امریکا جدی، فوری و باقی است

باید همگان را در مقابل تلاشهای خائنانه ضد انقلاب و خرابکاری و تحریک لیبرالها و مائونیستها در ایجاد جبهه داخلی، به اتحاد دعوت کرد

(مردم شماره 405، شنبه 6 دیماه 1359)

هشدار! هشدار!

امریکا در آستانه اجرای توطئه هفتم است

مردم قهرمان ایران! زیر پرچم امام خمینی متحد شویم . در این صورت، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند

(مردم شماره 409، پنج شنبه 11 دیماه 1359)

امپریالیسم امریکا پشت دروازه های میهن انقلابی ماست

* رسانه های گروهی امریکا با تبلیغات بیسابقه ای افکار عمومی امریکا را برای مداخله نظامی در ایران آماده میکند

* نیروهای نظامی امریکا، که در شرایط جغرافیائی مشابه خلیج فارس تمرین میکنند، بسرعت آماده انجام عملیات میشوند

* با اتحاد همه نیروهای خلق، زیر رهبری امام خمینی، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند.....

دفترنامه « مردم » هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم، شماره 416، یکشنبه 21 دیماه 1359)

تیتربزرگ صفحه اول:

امپریالیسم امریکا هنوز به روی کار آمدن لیبرال ها در ایران امیدوار است !

تاکتیک دوگانه « مسخ انقلاب و سرکوب انقلاب» امپریالیسم امریکا را مردم انقلابی و آگاه ما شناخته اند و آماده اند که بامقاومت متحد خود هر دو تاکتیک اهریمنی امپریالیسم امریکا را با شکست روبرو سازند

(مردم شماره 419، چهارشنبه 24 دیماه 1359)

دوسال بعد از فرار طاغوت:

هنوز بعد از شاه نوبت امریکا است

(مردم، شماره 420، پنجشنبه 25 دیماه 1359)

برای مقابله با توطئه های امپریالیسم امریکا، تشکیل جبهه ضدامپریالیست با کشورهای عضو جبهه پایداری از خواستهای مبرم روز است .

امریکا به نیروهای واکنش سریع در مصرو اسرائیل آماده باش داد

کیسجنردقارهه باوایسی درباره سرنگونی جمهوری اسلامی ایران گفتگو کرد

(مردم شماره 422، یکشنبه 28 دیماه 1359)

بخش سوم: اندر باب ساواک و اردوگاه های کار اجباری !

افشین شکنجه گرمعروف ساواک در تظاهرات ضد امریکائی ، شعارضد شوروی میداد

(مردم شماره 82، شنبه 12 آبان ماه 1358)

تختی پهلوانی که در قلب توده ها جای جاودان خود را بازیافته است : 12 سال از شهادت تختی می گذرد و هنوز از قتل او فاش نشده است .

. . . ساواک سرانجام راه شهادت تختی را یافت . روز 17 دیماه سال 1336 روزنامه های تهران نوشتند ، « **تختی خودکشی کرد**» خبر ظاهر را درست بود . جسد جهان پهلوان را در یک هتل یافته بودند . روزنامه های گوسفندی رژیم با سروصدا به تبلیغ خودکشی تختی باتریاک و قرص خواب آور پرداختند . اما توده هائی که بعد از بخش خبر خودکشی او خود را به پزشک قانونی رسانده بودند ، دهان به دهان از پزشک قانونی نقل کردند که جای ضربه در پشت گردن او و چند جای بدنش دیده شده است . ساعتی بعد علیرغم جنجال بلندگوهای تبلیغاتی رژیم ، همه به همه میگفتند : « **تختی را ساواک کشت** »

(مردم شماره 137، دو شنبه 17 دی ماه 1358)

لیست ساواکیها را منتشر کنید !

این خواست کلیه علاقمندان به سرنوشت انقلاب ماست

(مردم شماره 96، دو شنبه 28 آبان ماه 1358)

برای ساواکی ها اردوگاه کار اجباری بسازید

(مردم شماره 185 و 186، پنج شنبه 16 و 18 اسفند ماه 1358)

[این شعار و تقاضا تقریبا در اکثر شماره های مردم دیده میشود]

ما هشدار میدهیم !

نقشه های ضد انقلاب

آتش زدن خرمنا و کشتزارها، ایجاد اغتشاش در شهرها، ایجاد اغتشاش در مناطق اقلیت های ملی

در روستاها عمده ترین بخش این اقدامات آتش زدن کشتزارها و خرمناهاست . با این کار ضد انقلاب میخواهد

– دهقانان را خانه خراب کند و از انقلاب روگردان سازد

– دشواریهای دولت جمهوری اسلامی را تشدید کند

– کشور را دچار مصیقه خواری بسازد

(مردم ، شماره 241، پنجشنبه 1 خرداد 1359)

ضد انقلاب را سرکوب کنید ، قبل از آنکه فرصت توطئه یابد

« یکی از اتباع اسرائیل در نامه ای که به شورای انقلاب اسلامی ارسال داشته و این نامه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ اول خرداد منتشر شده ، فاش میکند که :

برحسب دستورات مستقیم کارتر، برای سرنگونی رژیم آیت الله خمینی نقشه ای تهیه شده است »

[روکردن این نوع «اسناد» همیشه از شاهکارهای حزب توده بود! « یکی از اتباع اسرائیل » !!! نقشه کارتر و اسرائیل را رومیکنند! یا «یک ساواکی فعال»؟!] دنباله مقاله را بخوانیم :

« چنانکه گواه آن بودیم ، این نقشه زیر عنوان « نجات جان گروگانها» وارد عمل شد ولی در نتیجه راه ناموفق ماند.

روزنامه « الشعب » چاپ بیروت (چه شماره ، چه تاریخی !)

. . . روزنامه الشعب چاپ بیروت می نویسد : « در آستانه تجاوز امریکا ، ملاقاتی پنهانی میان نماینده ویژه کاخ سفید و شاه سابق صورت گرفت که نمایندگان فرماندهی نظامی مصرو اسرائیل نیز در آن شرکت داشتند ، در این ملاقات اقدامات مربوط به هماهنگی میان نیروهای انتظامی و گروههای مخالف رژیم انقلابی ایران بررسی شد . . .

نامه یک ساواکی فعال که مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا منتشر ساخته ، تأییدی بر این مطلب است . ساواکی فعال می نویسد :

« توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریبا بالای ساواکی و افسران گارد و نوکرشاهی کرده و زیر چتر جیره خواری خود آنها را قرارداده اند ، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که فراری ویابه لطف دولت موقت بخشیده شده اند جمع آوری کند . . . ایجاد آشوب در شهرها و شرکت در توطئه ها بعنوان گروه های طرفدار این سازمان یا آن سازمان و با ظهور در نقش «حرب الهی متحجر» . . . باید قبل از آنکه ضد انقلاب وارد عمل شود، تمام مواضع آنها را درهم کوبید

(مردم ، شماره 244 ، دوشنبه 5 خرداد ماه 1359 ، سرمقاله روزنامه)

سران ساواک کمیته خرابکاری تشکیل داده اند

(مردم ، شماره 261 ، چهار شنبه 28 خرداد ماه 1359)

الاتحاد، ارگان حزب کمونیست اسرائیل :

مزدوران ایرانی تحت رهبری اویسی در اسرائیل تعلیم می بینند.

(مردم ، شماره 263، شنبه 31 خرداد ماه 1359)

برای ساواکی ها اردوهای کارتشکیل دهید ، دستگاه ساواک را بشکنید، ساواکی هارا معرفی کنید: ... امام خمینی آنگاه که خواست روحانیون بد را به شدیدترین لفظ محکوم کند گفت درچشم من روحانی بد ازساواکی هم بدتر است . چرا مردم ازساواکی ها تااین حد متنفرند؟ علت آنرا نه تنها درنقشی که ساواک درکشثارو آزار بهترین فرزندان ایران داشته است بلکه همچنین درشخصیت کسانیکه به عنوان کارمند ساواک سیاست کلی رژیم را دربیرحمانه ترین وکنیف ترین شکل ممکن اجراییکردند باید جستجوکرد . کسانی را بخدمت ساواک می پذیرفتند که باصطلاح معروف بتوانند پستان مادرشان را ببرند، ساواکی سگ درنده رژیم بود

درهمن شماره : تصمیم دادگاه انقلاب ارتش جمهوری اسلامی ایران درقطع حقوق بازنشستگان ارتش، زاندارمری و شهربانی جمهوری اسلامی ایران که ساکن خارج ازکشور هستند، اقدامی مثبت علیه فعالیت این ضد انقلابیون وکاهش صدور ارز به خارج ازکشور است .

(مردم ، شماره 292 ، شنبه 4 مرداد ماه 1359)

درادامه محاکمه عاملان فاجعه سینمارکس :

طرح عملیات ساواک درجنایت سینما رکس فاش شد

(مردم، 322 ، دو شنبه 10 شهریور 1359)

[انتقام ساواکی ها !

لیست ساواکی هارامنتشکنید ، شعاری بود که حزب توده ایران تقریبا هر روز در نامه « مردم » باتیتدرشت خطاب به رژیم اسلامی چاپ میکرد .

وقتی شتر جلوی خانه حزب توده هم خوابید و سران حزب توده بجرم جاسوسی روانه زندان شدند، بردیوارهای تهران این شعاردیده میشد:

لیست توده ای ها را منتشر کنید !!]

بخش چهارم: اندر باب پندوراهنمائی و راه گشائی !

در تاریخ همیشه دو نوع مذهب وجود داشته :

1) مذهب وعاظ السلاطین که ستمکشان را تخدیرمیکرده تا به بردگی خود خو بگیرند

2) مذهب خمینی ها که مردم را برضد بردگی وستم برمیانیخته وبرمیانیزد

مارکسیست ها با مذهبیونی ازمرزه دوم همگام هستند وباید همگام باشند

(مردم شماره 134، پنج شنبه 13 دی ماه 1358)

پاکسازی ارتش ضرورت انقلابی میرم

پاکسازی ارتش – دریک کلام – ضرورت انقلابی است که باید بدون فوت کمتری وقت ، بانهایت جدیت ودقت وبه وسعتی که تمامی ارتش را آماده برای نوسازی کند ، با قاطعیت انجام گیرد

(مردم شماره 180، شنبه 11 اسفند ماه 1358)

اعلامیه کمیته مرکزی: وحدت عمل انقلابی راباید دردانشگاهها احیا وتقویت کرد

درهنگامیکه ملت ما درنبرد بغرنج و دشواری بامپریالیسم خونخوارامریکا وهمه دستیاران امپریالیستش، ازروپای غربی گرفته تا ژاپن، درگیراست ودرزمانی که طبق رهنمود بادرایت امام خمینی، درپیام بمناسبت قطع رابطه بامریکا، اتحادوهمیستگی همه نیروهاو هواداران همه مسلکها، برای مقابله با شیطان بزرگ به یک ضرورت تاریخی میرم بدل شده است، باکمال تاسف تشنج شدید سراسردانشگاهها ومراکزآموزش عالی کشوررا فراگرفته است

. . . نهادهای طاغوتی دردانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور، میتوان گفت هنوزدست نخورده باقیست . این نهادها باید متناسب با نیازهای میرم انقلاب ضدامپریالیستی، دموکراتیک و خلقی میهن ما ازبنیاد دگرگون شوند. دردانشگاهها ومراکز آموزش عالی کشورهنوز عناصر طاغوتی بسیاری مقامهای مسئول و کرسیهای تدریس را دراختیار دارند . این عناصر باید تصفیه شوند... این یک واقعیت است که بخش مهمی ازاداره کنندگان نهادهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی فرادی ایران مستقل دردانشگاهها ومراکزآموزش عالی کشور تربیت میشوند ودراین زمینه نقایص جدی وجود دارد ولی بنظرما، واقعیت دیگرآنست که بخش عمده و تعیین کنند اداره کنندگان کشورما دردانشگاهها و مراکزآموزش عالی کشورهای امپریالیستی یعنی کشورهائی که دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران هستند، تربیت میشوند . هم اکنون اکثریت مطلق مهمترین مقامات مسئول را تحصیل کرده های امریکای جهانخوارو اروپای غربی همدست امریکا تشکیل میدهند. هم اکنون تعداد دانشجویان ایرانی که درامریکا و اروپای غربی به تحصیل مشغولند ، بمیزان زیادی ازمرز صد هزار تجاوزکرده و سالیانه میلیاردها تومان برای مخارج آنان ازمحصول دسترنج ملت ما و ثروت ملی ما برای تحصیل و زندگی آنان ازکشور خارج میشود . ولی همانطورکه میدانیم باکمال تاسف ، تاکنون فقط درصد ناچیزی ازاین فارغ التحصیلان ودانش جوان درخط دفاع ازدستاوردهای انقلاب ایران باقی مانده اند ودرآینده باقی خواهند ماند.

این واقعیت بما هشدار میدهد که توجه بیش ازحد به یکطرف امرو نادیده گرفتن طرف دیگر– که جهت عمده نیزهست – مسائل ومشکلات را حل نمیکند.

(مردم شماره 215، یکشنبه 31 فروردین ماه 1359)

پیشنهاد جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره مذاکره با ایران ، ابتکارمهمی است که باید ازآن استقبال کرد

(مردم شماره 240، چهارشنبه 31 اردیبهشت 1359)

سینما های ایران درتسخیر فیلم های امپریالیستی

از69 فیلمی که درتهران نمایش داده میشود، 59 فیلم متعلق به کشورهای امپریالیستی است، که ازاین تعداد، 31 فیلم امریکائی است .

درمرکز، جنوب، غرب وشرق تهران حتی یک فیلم مترقی هم نمایش داده نمیشود.

ازمیان 69 فیلم روی پرده ، تنها 6 فیلم آن مترقی است .

(مردم ، شماره 253 ، یکشنبه18 خرداد ماه 1359)

درود بر پاسداران صدیق و جانباز انقلاب

پاسداران انقلاب تاکنون وظایف مهمی رادردفاع ازدستاورهای انقلاب ، درمقابل توطئه های ضد انقلاب انجام داده اند

پاکسازی صفوف سپاه پاسداران، وظیفه میرم وعاجل مسئولان امراست

درفردای انقلاب وحتی مدتها پیش ازآن ، ازدل کوچه ها، ازمیان زحمتکشان، نیروی خلقی برای سرنگونی رژیم منغورسلطنتی وسپس پاسداری ازدستاوردهای انقلابی که باخون 70.000 شهید ایاری گردیده بود ، جوشید

چه دست هائی درکار ایجاد تشنج اند ؟

ضد انقلاب میکوشد با عمده کردن مساله « حجاب اسلامی » خود را از زیر ضربه خارج سازد و با ایجاد تشنج و ناراضی انقلاب و رهبری انقلاب را آماج حمله کند .

(مردم ، شماره 274 ، شنبه 14 تیرماه 1359)

اعلام جرم نسبت به آقای صادق قطب زاده

جناب آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور

آقای صادق قطب زاده وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بکرات به بهانه ها و عناوین مختلف در مجموع حزب توده ایران و مسئولین آنرا، بنام ، با فحش و افترا و توهین مورد حمله قرار داده و در این رابطه الفاظ رکبک و خارج از نزاکت بکار برده که در اکثر مطبوعات کشور مانند کیهان ، اطلاعات ، بامداد، جمهوری اسلامی و غیره درج گردیده است .

در شان جمهوری اسلامی که خود را پای بند معنویات میدانند نیست که وزیرش مفتری دروغ پرداز باشد و حتی عفت کلام و نزاکت را رعایت ننماید .

این اعمال آقای قطب زاده همچنین مخالف نیت اوامر امام خمینی است که در هر فرصت مردم را با اتحاد و اتفاق و مبارزه علیه امپریالیسم امریکا دعوت نموده و آنانرا از نفاق و نفاق افکنی بر حذر داشته و تصریح نموده است که همه قلمها و سلاحها باید علیه امریکا نشانه روی شود نه علیه مبارزین.

بنابراین بالا بدینوسیله علیه آقای قطب زاده اعلام جرم میکنیم و مصرا نه خواستاریم طبق قوانین و مقررات مربوط مورد تعقیب جزائی قرار گیرد و به مجازات و پرداخت خسارات معنوی محکوم گردد .

اسناد ارتکاب جرم تقدیم باز پرس مربوط خواهد گردید .

کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیر اول . نورالدین کیانوری .

رونوشت : دادستان تهران

نیت مقاله دیگری در همین رابطه :

آیا سیاست وزارت امور خارجه ایران در راه منافع انقلاب و جمهوری اسلامی است ؟

(مردم ، شماره 275 ، یکشنبه 15 تیر ماه 1359)

قطب زاده مخفیانه درسوئیس با بختیار ملاقات کرد:

رونامه گتی اولوس چاپ ترکیه گزارش میدهد که در تاریخ بیستم و بیست و یکم ژوئن، صادق قطب زاده با بختیار جنایتکار و سازماندهان کودتای ضد انقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران درسوئیس ملاقات کرده است. این روزنامه می نویسد که در این ملاقات مسئله سرنگونی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث قرار گرفته است و شرکت کنندگان توافق کرده اند که برای همکاری ضد انقلابیون داخل و خارج ایران به منظور سرکار آوردن رژیم سرسپرده امریکا تشریک مساعی کنند. این روزنامه همچنین گزارش میدهد که قطب زاده در جریان اقامت خود در نروژ و سوئد در نیمه اول ماه ژوئن ، محرمانه با نمایندگان دولت امریکا دیدار و گفتگو کرده است، این روزنامه می افزاید که قطب زاده معتقد است که مقاومت «نا بخردانه علمای مذهبی ایران به رهبری آیت الله خمینی مانع عمده در راه برقراری مجدد مناسبات ایران و امریکا است .

به نظر میرسد که این آخرین تلاشهای آقای قطب زاده برای پیشبرد سیاست آمریکائی «نه شرقی فقط غربی» او باشد. قطب زاده تاکنون بخوبی درجهتی عمل کرده است که با اهداف امپریالیسم امریکا در ایران تطبیق میکند، وی برای در خواب کردن مردم و منحرف کردن اذهان و جدا کردن انقلاب ایران از متحدان خویش در جهت توصیه برژینسکی است که زمینه را برای پیروزی توطئه های امپریالیسم امریکا ایجاد میکند از هیچ کوششی دریغ نورزیده است و . . . اکنون؟

به نظر میرسد که « پیروزی های » آقای قطب زاده به پایان نزدیک می شود . این طور نیست ؟

(مردم، شماره 293 ، یکشنبه 5 مرداد 1359)

[در رابطه با قطب زاده ، نامه مردم در یکی از شماره های خود _ که متاسفانه در آرشیو من نیست _ خبری باین مضمون منتشر کرده بود :

« ... روزنامه دیلی پست _ یا چیزی شبیه این نام _ چاپ قبرس خبر میدهد که قطب زاده با سیا در ارتباط بوده و مامور سیا است»

سئوال اینجاست که آیا اصولا روزنامه ای بنام « دیلی پست » در قبرس وجود دارد ؟ و اگر وجود دارد درجه شماره وجه تاریخی این مطلب رانوشته است ؟ و مهمترین همه بر پایه چه سند و مدرکی ؟

در دوران دانشجویی یکی از رفقای توده ای در جلسه انجمن دانشجویان در پست تریون از پیشرفت صنایع شوروی ارقام نجومی ارائه داد که واقعا نجومی بودند!

پس از ختم جلسه در قهوه خانه ای پرسیدم رفیق این ارقام را از کجا گرفته ای ؟ در پاسخ گفت ارقام را خودم رقم زده ام !! . گفتم خوب حال اگر دوستان چیه ملی یا سوسیالیست منبع ارقام را از تو خواستند ، چه جوابی میدهی ؟ گفت : میگویم ماهنامه کومسلوف نشریه دانشجویان شوروی . حالا بروند نشریه و ارقام را پیدا کنند !!]

آموزش نظامی و تامین سلاح سپاه پاسداران از وظایف ارتش است

ارتش موظف به آموزش نظامی کمیته ها و ارتش 20 میلیونی است

(مردم ، 323 ، سه شنبه 11 شهریور 1359)

تقویت سپاه پاسداران ، تحکیم انقلاب است

زمانی که حرکت خروشان توده ها ، بساط خیانت دودمان پهلوی و خدایگان آن ، امپریالیسم امریکا را از سر راه روید ، بر آسمان انقلاب ، ستارگانی پدیدار شدند ، که پاسداران انقلاب اسلامی؛ نام گرفتند

(مردم ، 326 ، شنبه 15 شهریور 1359)

دوستان ایران، آماده همکاری اند

کشورهای سوسیالیستی در هفتمین نمایشگاه بین المللی بازرگانی تهران انواع لوازم و صنایع مورد نیاز ایران را عرضه داشتند و اعلام کردند که آماده اند، بدون هیچ شرط سیاسی، همه صنایع سبک و سنگین را در اختیار ایران بگذارند.

اکنون وقت آنست که با بستن قراردادهای برابر حقوق و با سود متقابل با کشورهای دوست، زمینه برای استقلال کامل اقتصادی ایران فراهم شود.

(مردم شماره 354 شنبه 19 مهرماه 1359)

بخش پنجم: اندر باب واقع نگری، از جمله سینما رکس!

در دومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان:

باتحاد انقلابی خلق، توطئه های امپریالیسم امریکا را افشا وسرکوب کنیم

محاکمه ومجازات سریع عاملین فاجعه سینمارکس خواست مردم ایران است

دیروزدومین سالروزکشتارسیما رکس آبادان وروز تجلی خشم خلق بود. تجلی خشمی که ازسینه های سوزان مردم قهرمان ما بصورت فریادهای « مرگ برامریکا» زبانه کشیده وقلب دشمنان انقلاب رااماج شعله های خویشت کرد. تجلی خشمی که پس ازگذشت 2 سال ازفاجعه کشتارمردم بیگناه درسینما رکس آبادان، هنوزخوشندگی و توفندگی روزهای نخست خودرا حفظ کرده بود.

دیروزمردم اهوازوآبادان؛ به دعوت ارگانهای انقلابی شهر؛ عزای عمومی برپا داشتندوطی یک راه پیمائی باشکوه، به سوی مدفن صدها تن ازمردان ، زنان، پیران، جوانان وکودکانی که درآتش جنایت امپریالیسم سوختند، شتافتند.آنان یکپارچه ومصمم برسرمزار آن عزیزان پیمان بستند که تانابودی کامل تمام وابستگی ها به امپریالیسم امریکا، تاسرکوب تمامی عوامل ومزدوران شیطان بزرگ وتاپیروزی کامل انقلاب ضدامپریالیستی وخلقی ایران ازپا نشینند ومبارزه خودرا علیه تمامی دسایس وتوطئه های شیطانی امریکای جنایتکارادامه دهند.

مردم قهرمان خوزستان خواهان محاکمه سریع وانقلابی عاملان این جنایت هولناک شدند و خاطره قربانیان بیگناه فاجعه سینما رکس رادرفیادهای رزم ودلاوری خود گرامی داشتند.

دیروزدومین سالگرد سینما رکس بود. فاجعه ای که درآن 1000 تن ازمردم ایران، درآتش نفرت امپریالیسم نسبت به مبارزات قهرمانانه مردم ایران سوختندوداغ ننگ دیگری برپیشانی رژیم وابسته وجنایتکارشاه مخلوع باقی گذاردند.

دوسال پیش درچنین روزهایی عمال جنایتکارشاه مخلوع، این دست پروردگان مکتب جنایت و شقاوت امپریالیسم امریکا، به کردار اربابان هیتلر منش خود، درسینما رکس آبادان کوره آدم سوزی برپا کردند، راههای فرارمردم بیگناه را که به تماشای فیلم مشغول بودند، بستند وبازگازهای مخصوصی که ا زاسرائیل واردکرده بودند، بیش از1000تن ازتماشاجیان سینمارا به آتش کشیدند. آنها میخواستند که باین جنایت هولناک ضدبشری به خیال خود ازسوتی عزم مردم ایران درسرنگونی بساط ظلم وغارتگری رژیم شاه سابق را سست کنند، و ازسوی دیگربانداختن مسئولیت این فاجعه جنایتکارانه بدوش مبارزین ضد امپریالیست و ترقیخواه ایران ، بین صفوف متحد خلق درنبرد با امپریالیسم امریکا ورژیم وابسته اش تفرقه بیندازند. تبلیغات بلند گوهای مزدوررژیم گذشته دراین جهت بخوبی نمایانگرمقصود پلید این سیه دلان بود. اما باوجود تمامی این فعالیتها، نقشه آنان باشکست مواجه شد و« رایشناک» شاه سابق، برخلاف انتظارش، بدل به آوار مهیبی گشت، که برسراو رژیم فاسد ومزدورش ویران شد.

گورستان آبادان، که رژیم میخواست ازآن صدای نوحه وناله بازماندگان فاجعه برخیزد، انعکاس دهنده خشم ونفرت خلق گشت. غرش « مرگ برشاه » و « مرگ برپهلوی خائن « فضای شهررا به لرزه درآورد و رژیم شاه سابق را بیش ازپیش به وحشت انداخت. بورش مکرر دژخیمان شاه سابق به گورستان آبادان، تیراندازی به سوی مردم بیگناهی که درپی این حادثه به خیابان ها ریخته بودند وسرانجام صحنه سازیهای دلکان درباری برای سرپوش گذاردن براین جنایت عظیم، همگی بیانگر ضربت مهلکی بودکه این فاجعه، برعکس انتظارعاملانش به رژیم شاه سابق وارد آورده بود.

کوششهای رژیم شاه سابق برای بهره برداری سیاسی ازاین جنایت، درجهت ایجاد شکاف بین نیروهای خلق برایش سودی نداشت، مردم قهرمان، باتحاد پولادین ونبرد حماسه آفرینشان، عول بزرگ تجاوز، غارت وجنایت را سرنگون کردند ومضربه سترگ و عظیمی برپیکر امپریالیسم امریکا وارد آوردند.

بدنبال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، مردم قهرمان ما وبویژه اهالی خوزستان وبازماندگان شهدای سینمارکس آبادان، انتظارداشتند که دادگاههای انقلاب بطورسریع وقاطع جزئیات این فاجعه را روشن کند وعاملین جنایتکارانرا به مجازات رساند، لیکن مقامات مسئول به این انتظار بحق مردم وقع چندانی نگذاشتند وتظاهرات ودرخواست های مکرر مردم برای تشکیل دادگاه مجرمین، تاچندی پیش با بی توجهی روبرویبود. تنها چند هفته پیش دادگاه انقلاب اسلامی آبادان بانتشار لیست 32 نفر ازمتهمان این جنایت، آنان را احضارکرد. این عمل گرچه با تاخیرسیارانجام گرفت، لیکن اگر بطورجدی وپیگیرانجام گیرد، میتواند به خواست بحق مردم زجریدده خوزستان وتامامی مردم قهرمان ایران جامه عمل بپوشاند.

محاکمه ومجازات جنایتکاران این فاجعه هولناک نه تنها بیانگر عزم وشورمبارزاتی خلق درنابودی تمامی عاملین کشتار وشکنجه دوران 25 ساله حاکمیت رژیم شاه سابق است، بلکه نشاندهنده استواری آنان در تصمیمشان برای نابودی وازهم گسستن تمامی پیوند های اسارت ووابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای خونخواراست.

مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی آبادان باید باتوجه به این خواست برحق وانقلابی مردم، بدون هیچگونه مسامحه وسستی، دژخیمان رابه پای میز محاکمه کشند.

مادردومین سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان، ضمن گرامیداشت خاطره قربانیان آن وایراز همدردی با بازماندگان این جنایت عظیم، همپای مردم قهرمان ایران خواستار مجازات سریع عاملان آن هستیم و پیمان می بندیم که درمبارزه با امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امریکای جنایتکار، که نقشه های توطئه گرانه اش علیه انقلاب هرروز فزونی می یابد، مانند همیشه منادی اتحاد و تفاهم انقلابی باشیم. اتحاد وتفاهمی که تنها ضامن غلبه توطئه ها وپرابی تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران است

(مردم شماره 312، چهارشنبه 29 مردادماه 1359)

آغازمحاکمه متهمان فاجعه سینما رکس

سرانجام پس ازمدتها، که انتقاضای گروههای مختلف مردم مبنی برمحاكمة عاملان جنایت هولناک سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست وحاکمیت شرع **حجت الاسلام موسوی تبریزی**، درمحل سینما نفت آغاز شد.

حجت الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم شرع دادگاه انقلاب تبریز نیزهست، دراولین جلسه داگاه ازجمله، درمورد توطئه هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس **نقیبی** دادستان انقلاب، کیفرخواست تنظیمی علیه متهمین را قرائت کرد .

لازم به تذکراست که از32 متهم احضارشده به داگاه، تنها 26 نفردردادگاه حاضربودند ومحاكمة 6 نفردیگربصورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ماضمن ایرازخرسندی ازتشکیل دادگاه انقلاب، برای بررسی این جنایت هولناک، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی باقاطعیت وجدید درکشف جزئیات این حادثه شوم ومجازات مسبین آن اقدام کنند وبدین ترتیب باردیگر نشان دهند که دادگاههای انقلاب تلورخشم توده ها علیه جنایتکاران ومزدوران امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای جهانخورهستند. محاکمه ومجازات سریع این جانیان پاسخ مثبتی به خواست مردم انقلابی ایران ومخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهدبود.

(مردم شماره 317،سه شنبه4شهریورماه 1359)

اعترافات نکان دهنده درمحاکمه عاملین فاجعه سینما رکس آبادان

یکی ازمامورین آتش نشانی گفت : « وقتی دود ازسینما خارج شد، متوجه شدم که بیشتراجساد درمقابل راهروی خروجی ودرخروجی رویهم انباشته وسوخته اند. واین امر میرساند که تماشاجیان چه جنب وجوشی برای خروج ازسینما داشتند»

نخستین جلسه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس صبح روزدوشنبه 3/6/59 باشرکت صدهاتن ازبازماندگان این فاجعه، درسالن سینمای نفت آبادان؛ به ریاست حجت الاسلام موسوی تبریزی تشکیل شد. دراین دادگاه به جرائم 34 نفرازمتهمین، که 7 نفرازآنها فراری وغایب هستند رسیدگی خواهدشد ... درقسمتی ازکیفرخواست حسین تکبعلی زاده، متهم ردیف اول این فاجعه آمده است :

« برابردله، شواهد، مدارک واسناد بدست آمده ؛ آتش سوزی سینما رکس تصادفی وغیرعمدی نبوده، بلکه رژیم گذشته وعوامل سرسپرده آن رژیم ومقامات محلی وقت باتمهیدات قبلی وتوطئه حساب شده قصد لوٹ ساختن حرکت انقلابی مردم مسلمان ونیز باتآش زدن سینما رکس قصد بهره برداری تبلیغاتی علیه مردم مسلمان وروحانیت مبارزرا داشت »

درقسمتی دیگرازاین کیفرخواست، براساس اعترافات صریح متهم آمده است :

« وی باتفاق سه تن ازدوستانش به وسیله « تینر» آغشته بمواد روغنی، سینما را بطورکمربندی به آتش کشیده ونهایتا منجر به آتش سوزی صدهاتن ازمردم بیگناه شده، که سه نفرآخرینزدآتش سوزی جان می سپارندوحسین تکبعلی زاده موفق به خروج ازسینما میشود وخودراازانظارپنهان میکند. وی پس ازدستگیری ابتدا مطالبی خلاف واقع ومتناقض اظهارمیدارد و درتاریخ 4/10/57 باصدورقرار زندانی ودرتاریخ 23/11/57 اززندان خارج ولی متعاقبا دستگیرمیشود، وی درمراحل بازجوئی به آتش زدن سینما رکس اعتراف میکند»

دراین جلسه حسین تکبعلی زاده، کارگرنقاش، ضمن اعتراض نسبت به مطرح کردن مسائل خصوصی وخانوادگی ، دردفاع ازخود گفت « ازشما می خواهم آنهایی را که درستن درهای سینما دست داشتند، بگیرید. مقصران واقعی آنها هستند، چرا که درغیرابصورت عده زیادی میتوانستند ازمرگ نجات یابند» ... متهمین ردیف 2تا5 این واقعه براساس کیفرخواست دادستان عبارتند از: متهم ردیف 2 سرتیب علی اصغرودیعی رئیس وقت ساواک منحل خوزستان، متهم به شرکت وطرح آتش سوزی وت تهیه مقدمات ایجاد حریق سینما وشکنجه ودستگیری مبارزین ونلاش برای تحکیم رژیم منحل پهلوی

متهم غایب ردیف 3، سرتیپ اخراجی شهرپای رضای رزمی؛ رئیس شهرپای های قم و آبادان، متهم به شرکت فعال در آتش سوزی سینما رکس ، کشتار مردم بی دفاع قم و آبادان ، قیام علیه استقلال مملکت

متهم غایب ردیف 4، سرهنگ محمد علی امینی، معاون وقت شهرپای آبادان، متهم به معاونت در آتش سوزی و قتل و آزار مردم

متهم ردیف 5، ستوان یکم بهمنی، افسرکلانتری مرکزدر زمان وقوع آتش سوزی، متهم به عدم گزارش به موقع جریان آتش سوزی سینما رکس به آتش نشانی

به غیر از این عده ، 29 نفر دیگر به اتهام شرکت در آتش سوزی سینما در این دادگاه محاکمه میشوند

(مردم شماره 319 پنج شنبه 6 شهریورماه 1359)

در محاکمه متهمین:

جزئیات و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبادان فاش شد

سومین جلسه رسیدگی به پرونده متهمین آتش سوزی سینما رکس آبادان، روز سه شنبه 4 شهریورماه تشکیل شد .

در این جلسه، حسین تکبلی زاده، متهم ردیف اول، در جریان دفاع از خود، پرده از جزئیات فاجعه سینما رکس آبادان برداشت . وی پس از توضیح در مورد چگونگی آشنائی خود با چند نفر از عاملین آتش سوزی، جزئیات برنامه آتش زدن سینما سهیلا، که موفق به آتش زدن آن نشدند و چگونگی به آتش کشیدن سینما رکس آبادان را شرح داد.

وی در قسمتی از دفاعیات خود گفت :

« ما اول قصد داشتیم سینما سهیلا آبادان را آتش بزنیم، که بعد از ریختن تینر روی راهروی سینما، که دستشویی و توالت سینما در آن قرار دارد(منظور سینما سهیلا) هنگام زدن کبریت ، که دوبار این کار را انجام دادیم ، راهرو آتش نگرفت و این به خاطر خشک شدن تینر بود. سپس با چند نفر از دیگر رفقایم، که جهت انجام دادن این کار آمده بودیم ، به علت انجام نشدن نقشه، به بیرون از سینما آمدیم و تصمیمی گرفتیم که تیرا باروغن مخلوط کنیم و روز بعد یعنی 29 مرداد به همین سینما، یعنی سهیلا برویم و نقشه را عملی کنیم»

تکبلی زاده سپس جریان وقایع شب 28 مرداد 57 را شرح داد و گفت:

« همان شب حدود ساعت 8 بود که من ویدالله و فلاح سرکوجه مان ایستاده بودیم، که فرج آمد، یک شیشه با خود آورده بود و اصرار داشت که همان شب برویم سینما سهیلا را آتش بزنیم، من گفتم فردا اینکار را بکنیم و اصرار کرد و تصویب شد که همان شب برویم»

رئیس دادگاه: « فکرنمکنید فرج می خواسته حتما همانروز سینما آتش بگیرد؟»

متهم: « نمیدانم ممکن است» و سپس ادامه داد:

« بالاخره قرار شد برویم و فرج رفت و من ویدالله رفتیم جگری محل شام بخوریم. فرج و فلاح آمدند آنجا و دوباره به خانه رفته و همان شیشه ها را بردیم . هر کدام یک شیشه برداشتیم و بطرف سینما سهیلا رفتیم ، که بلیط بگیریم. گیشه سینما تعطیل بود و قرار شد برگردیم خانه، ولی فرج گفت بریم داخل شهرگشتی بزنیم، ببینیم چه خیراست. از طرف سینما رکس رفتیم حسین اصفهانیها بنیم سخنرانی هست یانه، چشممان افتاد به سینما رکس، فرج گفت « برویم برای این سینما» و بدون اینکه منتظرشود ما حرف بزنیم ، چهار بلیط گرفت و رفتیم داخل سالن نشستیم ، یک ربع بعد که تقریباً اوایل فیلم بود، فرج گفت « بلند شویم برویم وقت آن است »

رئیس دادگاه : « چقدر طول کشید فرج رفت و برگشت؟»

متهم: « حدود 10 دقیقه »

رئیس دادگاه: « فقط رفت دستشویی و برگشت و نمی دانید جای دیگری رفته و باکسانی حضورا و با تلفنی حرف زده باشد؟»

متهم : « نمیدانم و نمی توانم نظری بدهم»

رئیس دادگاه: « فکرنمکنید که آن موقع ، موقع رفتن دستشویی نبوده و برنامه ای داشته؟»

متهم : « من نظری ندارم و نمیدانم»

رئیس دادگاه: « نکته همین جاست که طرف بانهایت شدت اصرار داشته همان روز نقشه عملی شود و وقتی سینما سهیلا نشد، به سراغ سینما رکس آمدند و در این ده دقیقه که از داخل سالن بعنوان دستشویی بیرون رفته، چه کرده و با چه کسی صحبت کرده و چه کار کرده؟»

سپس متهم ادامه داد: « نصفه های فیلم بود که گفت بیرون برویم »

رئیس دادگاه : « پس از برگشتن از توالت چقدر نشست و بعد گفت برویم بیرون؟»

متهم : « حدود 15 تا 20 دقیقه »

سپس حسین تکبلی زاده چگونگی پخش تیتر و غوغای در سالن انتظار و آتش زدن سینما را شرح داد و گفت:

« فرج ویدالله رفتند داخل سالن نمایش و من زودتر از فلاح مواد را ریختم. سومین نفری که مواد را زد و تمام کرد، من بودم و آمدم سر آن پیچ دوسالن، آنجا ایستادم و نگاهی به اطراف کردم ، اما هیچکس نبود. بعد فلاح هم موادش را تمام کرد و من کبریت زدم. وقتی کبریت را انداختم، تقریباً دور تا دور سالن آتش گرفت، گر گرفت»

تکبلی زاده در مورد وحشت و هیاهوی تماشاچیان داخل سینما گفت :

« بعد که صحنه آتش را دیدم وحشتزده داخل سالن نمایش دویدم. فلاح را در آنجا ندیدم و بالاخره جسدش هم پیدا نشد. نشستیم پهلوی فرج ویدالله . خواستم به آنها بگویم و داد بزنم ، اما نمیتوانستم . دوسه دقیقه بعدی کنفرانز پشت در دادزد که سینما آتش گرفته است . تماشاچیان همه جیغ کشیدند و به طرف پرده سینما ، که به در خروجی ختم میشد، رفتند و به حساب خود میخواستند از آنجا بیرون بروند»

در این موقع مادران چند تن از شهدهای این فاجعه بشدت متقلب شده بودند و یکی از آنها فریاد زد:

« کثافت، هنوز صدای آنها را می شنوی!»

هنگام دفاعیاتش، چندبار تشنج به حسین تکبلی زاده دست داد، بطوری که نتوانست به دفاعیات خود ادامه دهد. به همین سبب چند دقیقه به نامبرده استراحت داده شد تا بتواند بر اعصاب خود مسلط شود.

متهم در ادامه دفاعیاتش، چگونگی فرار خود را از سینما شرح داد . او گفت:

« وقتی مردم بادر بسته سینما مواجه شدند، به طرف دیوار سینما، که پشت آن به خیابان امیری آبادان متصل است رفته، تا آن را خراب کنند و نجات یابند و در این لحظه فیلم قطع شده بود و چراغها روشن شد ویدالله پهلوی من بود شاید فلاح در آتش سوخته بود و من دیگر اورا ندیدم. بعد یدالله گفت یک کپسول آتش نشانی نزدیک دری است که به بالکن میخورد ویدالله کپسول را برداشت که شاید از آتش جلوگیری کند و در این لحظه چندتن از تماشاچیان بالگد زدند و در « 30 ریالی » را شکستند و عده ای هجوم بردند بطرف در، که من هم در اثر فشار آنها بیرون آمدم »

رئیس دادگاه: « وقتی شما سینما را آتش زدید، چرا با وحشتی که داشتید، دوباره داخل سالن نمایش شدید؟»

متهم: « نمی دانم، همینطوری رفتم داخل و فرج گفته بود که کبریت بزنی و بیا داخل»

رئیس دادگاه: « کسانی که طراح این نقشه بوده اند و وسیله افرادی مانند حسین متهم ردیف اول، که این طرح را پیاده کرده اند، حتی نمیخواستند یکی از این افراد هم زنده بماند، که مبارز و گوشتی ای از این طرح تنگین برای ملت شکافته شود و فرج هم که اصرار داشت در همان روز قضیه اتفاق افتد، چرا به ایشان گفته بعد از آتش زدن داخل بیا؟ جزاین است که این آقایان برنامه ای تنظیم کرده و پیاده کرده اند، چیز دیگری نمیتوان گفت »

رئیس دادگاه سپس در مورد مواد آتش زای شیشه از متهم سنوال کرد: « فکرنمکنید که مواد داخل شیشه های کوچک می توانسته سینما را آنطور آتش بزند؟ همان موقع توسط کارشناسان وقت گفته شد که موادی میتواند اینقدر سریع و قابل اشتعال باشد، مانند بنزین واکتان، که پوست بدن و همه چیز را می سوزاند، آیا با دوستان خود مانند فرج یادت نمی آید که حرفهای در این مورد زده باشید و اطلاع دارید که یکی از بستگان فرج ساواکی بوده باشد؟»

متهم: « اوساواکی نبوده، بلکه بوسیله ساواک دستگیرشده و مسئله به اینصورت نبوده»

رئیس دادگاه: « او (فرج) نگفته بود که « تینر» را از کجا خریده و در کجا مخلوط کرده بود؟ »

متهم : « نمیدانم کجا، ولی وقتی آورد، مخلوط کرده بود»

رئیس دادگاه : « از کجا فهمیدید مواد « تینر» بوده و چیز دیگری نبوده ؟ »

متهم: « فرج گفته بود « تینر» است »

رئیس دادگاه : « کارشناسان گفته اند بنزین هواپیما بوده»

متهم: « نمیدانم. من به گفته فرج اکتفا کردم»

رئیس دادگاه: « تو مواد را بونکردی»

متهم : « بوی موادی که داخل سینما سهیلا ریختم، مشخص بود که مال « تینر» است »

رئیس دادگاه: « بوی مواد سینما رکس رانفهمیدید؟»

متهم : « نه »

دنباله جلسات دفاعیات متهم ردیف اول و دیگر متهمان به جلسه بعدی دادگاه موکول شد.

(مردم شماره 320 شنبه 8 شهریورماه 1359)

یکی از شهود دادگاه ویژه فاجعه سینما رکس گفت :

بعضی از کسانی هم که از سینما خارج شده اند، توسط ساواک کشته شده اند

در ادامه دادگاه ویژه رسیدگی به فاجعه سینما رکس آبادان؛ که در روز جمعه 7 شهریورماه تشکیل گردید، نکات تازه ای از این فاجعه فاش شد.

در این جلسه دادگاه، یکی از شهود، که خود شب حادثه شاهد آتش سوزی بود گفت:

« هنگامی که به تنهایی برای خاموش کردن آتش سالن انتظار سینما، که در آتش میسخت، از یلکان بالارفته وقسمتهائی از سالن انتظار را خاموش کردم، که ناگهان شبنی محکم به سر من اصابت کرد و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی چشم باز کردم، خودم را در بیمارستان یافتم، هنگامی که در بیمارستان بودم، پس از مدتی چند مامور شهرستانی به بیمارستان آمده و مرا با خود به شهرستانی برده و مورد بازجویی قرار دادند»

اوسپس ادامه داد: « ممکن است بعضی از کسانی که از سینما خارج شده اند نیز توسط ساواک و ماموران دیگر کشته و دفن شده باشند، خود من شب بعد از حادثه در گورستان بودم و گروهی را که لباس شخصی و لباس ماموران ژاندارمری به تن داشتند، دیدم که سه جسد را به گورستان آورده و در حالی که درون پارچه ای پیچیده بودند، دفن کردند»

در ادامه شهادت شهود، محمد بذرکار، برادر فرج بذرکار، یکی از عاملان فاجعه، که در سینما سوخته است در جایگاه حضور یافت او گفت :

« من یکی ودوهفته قبل از وقوع حادثه متوجه شدم که فرج برادرم با حسین ارتباط دارد و اعلامیه های امام را می خوانند و به سخنرانیها و نوارها گوش میدهند، ولی مادرم از این موضوع خبر نداشت، تا اینکه شب فاجعه من خواب بودم که مادرم ناگهان مرا بیدار کرد و گفت « محمد بلند شو فرج نیست». گفتم « مگر چطور شده؟ »

گفت « سینما رکس آتش گرفته ». صبح آنروز مادرم به گورستان شهر رفت و من در منزل ماندم. چند ساعت بعد رحیم میرصفیانی پسر دانی من آمد خانه و به من فوری گفت : هرچه کتاب واعلامیه هست جمع کن و ببر بیرون، چون ممکن است که ماموران حمله کنند به اینجا. فردای روز حادثه شنیدم که حسین فرار کرده و فرج وفلاح و یدالله که با او بودند، سوخته اند»

اوسپس ادامه داد: « مساله مهم این است که حسین در دفاعیاتش گفته غیر از ما چهار نفر کسی خبر نداشت . پس رحیم میرصفیانی چرا روز بعد از حادثه بجای اینکه به مردم شهرواد غدیبه ها کمک کند واحساد راز سینما بیرون آورد و به گورستان برود، به منزل ما آمد و به من گفت : « اعلامیه ها را جمع کن و ببر؟ این میرساند که ایشان، که ساواکی هم بوده است، در این ماجرا دست داشته است »

در پی اطلاعات تازه برادر فرج، رحیم میرصفیانی طبق دستور دادستان دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفته است

(مردم شماره 321 یکشنبه 9 شهریورماه 1359)

در ادامه محاکمه عاملان فاجعه سینما رکس

طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

یازدهمین و دوازدهمین جلسه محاکمه عاملان جنایت هولناک سینما رکس آبادان، دیروز و پریروز، در آبادان پشت سر گذاشته شد. در جلسه یازدهم محاکمه، ابتدا یکی از شهود بنام حسین نجارزاده احضار شد. وی طی سخنانی گفت:

« آنتشب شاهد بودم که همه ماموران فحش میدادند، آنها به امام هم فحش میدادند که چرا خودش همراه با مردم در آتش نمیسوزند»

سپس متهم ردیف هفتم، بنام سرگرد مسعود خنیفر، به جایگاه احضار شد. وی از جمله گفت:

« ... نمیدانم این آتش نشانی پالایشگاه که در خاور میانه بی نظیر است، چطور شد که سینما را خاموش نکردند! عملیات پلیس را سرهنگ امینی رهبری میکرد و تیمسار زرزی به اطاق خودش رفته بود»

شاهد بعدی دادگاه، علی محمدی گفت :

« نزدیک کافه لادن ایستاده بودم، دیدم یکباره برق سینما قطع شد و صدای جرقه آمد و برق خیابانها قطع شد ... سرهنگ امینی آمد و بعد 10 تا 15 مامور آمدند و جلوی در سینما را گرفتند و گفتند که چهار خرابکار رفتند بالا و میخواهند خرابکاری کنند. پس از آن گفتم : بگذارید با ماشین خودم بزنم در سینما را بشکنم، اما نگذاشتند، بعد چهار طرف سینما را ماموران بستند»

متهم ردیف هشتم، بنام سرهنگ سیاوش امینی آل آقا نیز در جایگاه متهمین حاضر شد و از جمله گفت : « دوازده سال قبل به مدت 6 ماه به همراه گروهی دیگر از افسران در اسرائیل دوره دیده ام »

دادستان دادگاه در توضیح پرونده این متهم گفت: «وی در زمان ستوان دومی در ساواک دوره دیده و در سال 50 با کسب اجازه از شاه به منظور طی دوره به کشور « مروارید» اعزام شده و بعدا کشف رمز کردیم و فهمیدیم از «مروارید» کشور اسرائیل است . در سال 46 و 47 از شاه ترفیع گرفته و بخاطر جشن های 2500 ساله تشویق شده و به ساواک گزارش داده است که در آتش سوزی سینما رکس بمب منفجر کرده بودند ...»

شرکت گسترده ساواک در طراحی عملیات

دادستان دادگاه سینما رکس آبادان در چهارمین روز محاکمه عاملان این جنایت به نور او اسناد مدارکی که از ساواک و شهرستانی آبادان بدست آمده است اشاره کرد و گفت :

« این نوار در حدود 3 ساعت است و در آن مقالات سرهنگ امینی و سرگرد پیکرستان بوده و دقیقا گویاست که با کمک از یک خانم و عملیاتی که ساواک ترتیب میدهد، بوسیله همین خانم فعالیت میکنند. فعالیت ساواک و شهرستانی در شناسائی این افراد حاکی از این بوده است که ساواک در جریان جزئیات این فاجعه بوده است و در آبادان عملیات گسترده و خاصی را بنام (عملیات سهیلا) داشته اند.

دادستان در این جلسه به ماهیت ساواک و رژیم ضد خلقی شاه و کارهای ضد مردمی عاملان این جنایت وحشیانه و ضد بشری اشاره کرد و در این باره مطالب مشروحی را بیان داشت.

دادگاه ، تریبونی برای افشای جنایات رژیم شاه سابق

آقای نقیعی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در یک مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز 9 شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است . وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است :

« آنها که در مظان اتهام هستند از رئیس شهربانی وقت تامعاونین او گرفته و مامورین شهربانی را تشکیل میدهند، که البته یک سری متهمان رده بالا متاسفانه مثلا سرتیپ رزمی قبل از پیروزی انقلاب فرار کرده، و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کمیته بوده اند، فراری داده شده اند و الان هم متواری و غایب هستند. البته دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غیابی صادر خواهد شد. دولت باید به هروسيله ای که میتواند واحدی که امکان دارد، سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی نیستند که در خارج از ایران ساکت بنشینند. افرادی نظیر مهندس حائری شهردار وقت و مهندس عزیزی رئیس سازمان آب فراری هستند. و اینها افرادی بودند که با گرفتن تضمین قرار وثیقه آزاد شدند و با وجودی که ما اسامی آنها را در روزنامه اعلام کردیم، خود را معرفی نکرده اند.»

در ارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق در این جنایات، دادستان گفته است:

« آنقدر دلایل و قرائن در دست هست که این کارتوسط رژیم انجام گرفته که گمان میکنم با برگزاری دادگاه خود بخود این مسئله برای همه روشن خواهد شد. این یک کار سازماندهی شده از پیش بوده است و جز رژیم هیچکس اینکار را انجام نداده است . هر چند عامل اجرایی و یک عده از عوامل اجرائیش آدمهایی ساده و احبانا غیر وابسته بودند. این دادگاه میتواند یک تریبونی باشد برای افشای یک صدهزارم از جنایاتی که آن رژیم کرد. ولی خوب متاسفانه مادمست بدامن هرکس شدیم ، سند و مدرکی بما نداد. مثلا سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، با وجود نامه ای که خود آقای قدوسی نوشت و با وجود مراجعات روزانه، مابه هر حاکمه فکرمیکردیم مطلب بدرد بخوری ممکن است باشد مراجعه کردیم، بجز شهربانی کل، هیچکس چیزماندادند.

کلا مقامات مسئول ازدادن اسناد و مدارک ابا دارند و خودداری میکنند. اسناد فراوانی وجود دارد که آدم وقتی که برخورد میکند از غفلتی که ارگان های اجرائی داشتند از افشای جنایاتی که در رژیم سابق صورت گرفته تعجب میکند»

دادستان در پایان مصاحبه در جواب این سوال که : « آیا افرادی که دستگیر شده اند واقعا مقصودند» گفت :

« اینهایی که دستگیر شده اند اکثرشان مقصودا و اگرکسان دیگری مادر این رابطه پیدا کردیم، که مقصود خیل بودند، مردم همه موظفند که اینها را دستگیر کرده و تحویل دهند، بنابراین جهت ندارد که اگر کسی مقصود بوده ، ماز تحویلش خودداری کنیم. البته وظیفه من وقتی اینجا آمدم فقط این بوده است که پرونده را برای تحویل بدادگاه تنظیم کنم . ولی بهرحال تحقیقاتی را کرده ام»

(مردم شماره 322 یکشنبه 10 شهریورماه 1359)

[برای شناخت عاملین فاجعه سینما رکس رجوع کنید به مجله چشم انداز ، شماره 20، بهار 1378. چاپ پاریس ، گزارش مفصل و جالب : « آبادان، 28 مرداد 1357، سینما رکس » از « شیدا نوی»

در این گزارش مصاحبه شیخ علی تهرانی با علیرضا میبیدی پرده از این جنایت و عاملین اصلی آن برمیدارد:]

« شیخ علی تهرانی، شانزده سال بعد، مرداد 1373، همه حرفهائی را که آزمون زده بود عوض میکند. اوشوهر خواهر سیدعلی خامنه ای است و سالها بود به دنبال اختلاف با خمینی به عراق پناهنده شده بود، در آغاز انقلاب حاکم شرع مشهد بود چندماه قبل از اینکه به ایران برگردد، در مصاحبه با رادیو صدای امریکا می گوید:

من به اصرار خمینی به آبادان رفتم تا به پرونده سینما رکس رسیدگی کنم. من کلیه جزئیات پرونده را خواندم و در جریان آن متوجه شدم که در زمان شاه ، مدرسین حوزه علمیه قم تصمیم گرفتند برای آنکه آبادان را هم به هیجان بیاورند(چون آبادان یکی از شهرهایی بود که هیچ امکان رخنه انقلابی در آن متصور نبود) آنجا را هم به آتش بکشاند. در جریان مطالعه پرونده متوجه شدم که سینمایی که قرار بود به آتش کشیده شود، سینما رکس نبود ولی بعد برنامه عوض شد و سینما رکس به عنوان هدف انتخاب گردید . در آن هنگام چهار نفر از مدرسین حوزه علمیه قم طرح مشترکی را برای به آتش کشیدن سینما به امضاء رساندند. دقیقا نمی دانم چه کسانی ، ولی تصور میکنم یکی از آنها شیخ حسینعلی منتظری بود. اجرای این طرح به سه مامور واگذار شد که آنها به آبادان رفتند، سینما را به آتش کشیدند و دونفر از آنها در جریان حریق، زنده زنده در آتش سوختند اما یکی توانست از این فاجعه جان سالم به دربرد و زنده بماند. اوبعد از این اقدام دچار ناراحتی شدید وجدان شد، چون هیچکس فکرمیکرد مقدار تلفات این آتش سوزی تا این حد باشد. من نزد خمینی رفتم و گفتم آقا! من چطور میتوانم حق را ناحق جلوه بدهم؟ وقتی که مشتکی بیگناه را گرفته اند و میخواهند اعدام کنند و عاملان اصلی آتش سوزی همه مصدکارند؟ وقتی در راه مشهد از رادیو اتومبیل شنیدم که تعدادی افراد بیگناه را به جرم این جنایت فجیع به ناحق اعدام کرده اند، خون گریستم ، والله گریه ام گرفت (مصاحبه با علیرضا میبیدی برای رادیو صدای ایران، امریکا، چاپ شده در نیمروز، شماره 277) (سال ششم ، جمعه 21 مرداد 1373)

روزنامه اطلاعات در 29 مرداد 1357 گزارش میدهد:

(... از 700 تماشاگر کوچک و بزرگ که در سالن سینما رکس آبادان سرگرم تماشای فیلم بودند در جریان آتش سوزی تنها 100 نفر توانستند خود را از مهلکه نجات دهند و به بیرون فرار کنند و 600 نفر دیگر در میان جهنمی از آتش سوختند...) [

باب ششم : اندر باب حقیقت و انسانیت !



شاه مخلوع مرد

طبق گزارش خبرگزاری ها و نیز دفتر ریاست جمهوری مصر، شاه خائن دیروز مرد

محمدرضا، فردی که در طول 37 سال حکومت جابرانه و خون آلود خود ده ها هزار نفر از مردم آزادی خواه و حق طلب ایران را به خاک و خون کشاند، هزاره نفر از جوانان این کشور را زیر شکنجه تکه تکه کرد ، ثروت های مردم را غارت کرد و در اختیار اربابان امپریالیست خود قرارداد و اقتصاد این کشور را به نابودی و فرهنگ آن را به انحطاط کشانید،

گروهی را به غارت مردم گماشت و 35 میلیون انسان را به ورطه فقر و گرسنگی ورنج فرورد ، دیروز رهسپار عدم شد.

محافل مطلع مصری اعتقاد دارند که شاه مخلوع بدست امریکا به قتل رسیده است

بی شک این توطئه جدید امپریالیست امریکا نیز با آگاهی و هشیاری مردم انقلابی ایران عقیم خواهد ماند. هدف مبارزات انقلابی مردم کشورما نه مرگ شاه مخلوع که قطع تمام وابستگی های سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، نظامی و فرهنگی کشورما به امپریالیسم امریکا است .
[دقت کردید ، محافل مطلع مصری (!!!)]

(مردم، 294 ، دوشنبه 6 مرداد 1359)

شوخی نیست . . .!

تیرتوپ !

«... جسد شاه مخلوع را شش ملوان ازارابه توپ دار بداخل مسجد حمل کردند درحالیکه جسد را داخل مقبره می گذاشتند بعنوان احترام (!) بیست و یک تیرتوپ درقاهره شلیک شد. . . .»
اطلاعات 8 مرداد

ظریفی میگفت : چقدردلم میخواست تیرهای توپ را من بسوئی که خودم میخوامم شلیک میکردم!!

(مردم شماره 299 دوشنبه13 مردادماه 1359)

یکسال ازکشتارمشهد، که درآن 500 نفرشهید و 2000 نفرمجروح شدند ، گذشت

روزی که ازخیابانهای مشهد خون جوشید

دهم دیماه ، سالگرد یکی ازخونین ترین جنایات شاه خائن است. سال پیش درچنین روزی گرازهای شاه مخلوع شهرقهرمان مشهد رادرهم کوبیدند وبه کشتاری دست زدند که حاصل آن تنها 500 شهید بود.چنین کشتاری بعدازجنایت 17 شهریور بیسابقه بود.

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

محاکمه شاه مخلوع به عنوان بزرگترین خائن، بزرگترین جانی، و بزرگترین دزدتاریخ باید تدارک شود.

... سیاستی راکه این خائن درعرصه صایع ، کشاورزی، مالی وبازرگانی پیاده کرد، موجب گردید که مشتی سرمایه داروزمین داربزرگ وابسته، صاحب ثروتهای افسانه ای شوندومیلیونها مردم زحمتکش بخاک سیاه بنشینند. بی مسکن، بی بهداشت، بی غذای کافی، بازحمت شاق شبانه روزی، میلیونها انسان شریف بامرگ ناشی ازفقردرجنگی نابرابرقرارگیرند وهمچون برگ خزان، بویژه کودکان معصوم، درگورستان بزرگ ایران بریزند ...
اوبزرگترین جانی تاریخ است . اودرسال 1325بیش از20 هزارنفرمردم بیگناه اذربایجان را قتل عام کرده، او درهمانحال درکردستان به کشتار بی امان پرداخته، اودرخرداد 1342 بیش از15 هزارنفرازمردم مبارز مارا به شهادت رسانده، اودنیال کودتای 28 مردادوبرای ایجاد رعب به خاطرایجاد زمینه امضا قرارداد باکنسرسیوم نفت ، ده ها افسرمیهن پرست را تیرباران کرده، او درمدت سلطنت استبدادی خود هزاران نفر ازبهترین جوانان مارا درمیدانهای اعدام ، درکوچه وخیابان وبیابان ودرسیاه چالها کشته ، او هزاران نفررا زیرشکنجه بهیمی پاکشسته وبامثله و معلول کرده ، اودرجریان انقلاب پیروزمندما ده هاهزارنفرمرد وزن وکودک وسالخورده را درخون غلطانده است، اوازکشتار لذت میرده است، به زنش « تریا» که ازدیدن سیل خون حالت تهوع باودست داده ، گفته است که بگذارادامه دهند تااز» ابهت ماکم نشود»، اوازشکنجه لذت میرده است ، بازنش « فرح » سه بعدازنصف شب ازخواب برخاسته تا « منصورى » را که زیر شکنجه « ابرازندامت کرده بود» تماشاکند. اوبدست خود آدم کشته است .تمام جنایات این جانی جرقه ای مبتلا به سادیسم، باید مستند درفصل جنایتکاری او دقیق ومنظم گردآوری شود تادنیا بداند او چه حیوان خونخواری بوده وامپریالیسم امریکا چه گرگ خون آشامی را برملت ایران مسلط کرده بوده است

(مردم شماره93، پنج شنبه 24 آبان ماه 1358)

2 سال ازقیام قهرمانانه مردم تبریزگذشت بمناسبت قیام مردم تبریز در 29 بهمن ماه 1356

ضدانقلاب هنوزدرآذربایجان سرگرم توطئه است باید با ازمیان بردن زمینه های موجودکه میراث رژیم شاه خائن است، فعالیت ضدانقلاب را خنثی کرد.

دوسال ازقیام خونبارتبریز میگذرد. درروز 29 بهمن ماه سال 1356، مردم دلیرتبریز به دادخواهی خون شهیدان قم برخاستند.

دراین روزازجنب چندتن ازآزادیخواهان وعلمای تبریزبه خاطر چهلم کشتارقم،عزای عمومی اعلام شد؛ دهها هزارنفرازمردم ستم کشیده، که ازجوروجنایتهای رژیم منحوس پهلوی به جان آمده بودند، به خیابانها ریختند وبه تظاهراتی که آمیزه ای ازسوگواری برای شهدای قم واعتراض به شرایط اختناق واستبداد حاکم برایران بوددست زدند ... رژیم شاه مخلوع که تاب دیدن هیچگونه تظاهراتی رانداشت ، پلیس را به میدان فرستاد و تظاهرات آرام آنها را بخون کشید ... دراین هنگام رژیم دست به دامان ارتش شد، سربازهای خودرا به خیابانها فرستاد، تانکهارا به حرکت انداخت، هلیکوپترهارا بیروزا درآورد، غرش فانطوم های خودرا برخ کشید وازراه زمین وهوا بمردم بی سلاح ددمشانه حمله شد ...

جسد دهها شهید عزیزبردستهای خلق بود وعزمی که درسینه برای ادامه نبرد می جوشید.دراین روزحماسه آفرین 400 نفرشهید ونزدیک به 10 هزار نفرمجروح میشوند ...

(مردم، شماره 170، دوشنبه 29 بهمن ماه 1358)

بخش هفتم : اندرباب هنرکرنش !

استعفای آیت الله خلخالی ونگرانی مردم

خبرمربوط به استعفای آیت الله خلخالی حاکم شرع بانکه خوشبختانه مورد قبول قرار نگرفت وهرگونه نگرانی را ازبابت این استعفا واحتمال انعکاس آن روی ادامه کاردادگاههای انقلابی برطرف کرد، باتعجب وتاسف همه میهن پرستان روبروشد.

اطهارات آقای یزدی وزیرامورخارجه درباره سمت آقای خلخالی دردادگاههای انقلابی وپاسخ واستعفای آقای خلخالی بدنبال آن، انگیزه این تاسف وتعجب بود. ما صرف نظر ازهرسلیقه شخصی که درباره نحوه کاردادگاههای انقلابی وجود داشته باشد، اعلام میداریم که کاردادگاههای میبایست ادامه باید وازانقلابیون مقتدری نظیر آیت الله خلخالی برای ادامه کاراین دادگاهها میبایست استفاده شود. سخنان وی درباره خاندان پهلوی وهمدستان شاه مخلوع وحکم اعدام این تهاکاران مورد تائید خلق پیاخاسته ایران است ونباید موجب نگرانی برخی ازمسئولان اجرائی سیاستهای دولت شود

(مردم شماره19، دو شنبه 7 خرداد 1358)

آری، **پشتیبانی می کنیم . . .**

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پس ازاینکه مدتی از»چپ » وراست نسبت « فرصت طلبی » به حزب ما داده شدودرعمل این اتهام، دربرابراستواری حزب درموضعگیری اصولی ضد امپریالیسی، رنگ باخت، و پس ازاینکه بدنبال اتهام « فرصت طلبی »، طعنه « دنباله روی» به حزب ما زده شد ودرعمل معلوم گردید که این طعنه نیز آلوده به غرض ضدیت باحزب است ودرنتیجه دربین مردم بی اثرشد، اینک دراین اواخر « دلسوزی » بحال حزب ما آغازشده است !

افرادی که غالباً باحزب ما اساسا مخالفند، ناگهان برای حزب ما « دلسوز» شده اند . باچهره ای « متناثر» سرمیچینانند و میگویند : شما، نمیگویم، دنباله روی میکنید، ولی درپشتیبانی ازامام « زیاده روی » میکنید ! برای رعایت انصاف باید افزود که این « دلسوزی » به برخی دوستان حزب نیرسرایت کرده است وبهمین دلیل لازم دانستیم سخنی چند دراین باره بیان داریم یعنی روی سخن ماپیشتر بااین دوستان است تابان مخالفان، زیرا دوستاناران بی غرضند ودراشتباه ومخالفان ازموضع مخالفت هرروز شیوه ای بکار می بندند.

آری ، ما ازامام پشتیبانی میکنیم، ازمشی قاطع وآشتی ناپذیرامام درمبارزه برضد امپریالیسم عموما وبرضد امپریالیسم امریکا خصوصا پشتیبانی میکنیم، ازنظریات امام

درزمینه لزوم مبارزه قاطع با بازمانده نفوذ امپریالیسم درایران پشتیبانی میکنیم، ازنظریات امام درزمینه ضرورت ریشه کن کردن ضد انقلاب پشتیبانی میکنیم، ازنظریات امام درزمینه مخالفت باهرنوع اختناق، درزمینه ضرورت رعایت اصول انسانیت وعدالت و آزادیها پشتیبانی میکنیم .

مشئی اصولی وسیاست بنیادی حزب دراین زمینه های مهم، بویژه درزمینه مبارزه ضد امپریالیستی، بانظریات قاطع وپیگیر امام انطباق دارد و بنابراین ما ازامام که پشتیبانی میکنیم ازسیاست خودمان دفاع کرده ایم، ووقتی راه خودرا پیگیری کنیم، ازامام پشتیبانی کرده ایم .

اگرمنظوراز« زیاده روی » اینست که مادرمطبوعات خود پیوسته برلزوم آتش توپخانه سنگین انقلاب برضد امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکا، که دشمن اصلی وآشتی ناپذیرخلق ماست، تکیه میکنیم؛ مابین « زیاده روی » را ادامه خواهیم داد، زیرا ماوظیفه خود میدانیم که بقدرتوان خود، قدرت رزمنده توده ها را برای ریشه کن ساختن نفوذ این دشمن اصلی درتمام عرصه های زندگی درایران بسیج کنیم . اگر منظوراز« زیاده روی »، اینستکه مابرگفته های امام درزمینه مبارزه ضد امپریالیستی، درزمینه دفاع ازانقلاب ایران، درزمینه حمایت اززحمتکشان تکیه میکنیم، مابین « زیاده روی » نیزادامه خواهیم داد، زیرا امام رهبرانقلاب ایران است، سخنان ایشان درمیان توده ها نافذ است وبنابراین تکرار وتکیه براین سخنان، بازهم کمکی است بهمان بسیج توده ها برای مبارزه قاطع وپیگیربرضدامپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، برای مبارزه درراه تثبیت وتحکیم دستاورهای انقلاب.

بعلاوه باید افزودکه ما، بین مذهبی وغیرمذهبی مرز نمیکشیم وبنابراین طبعاً ما درهمان جبهه ای قرار میگیریم که مذهبی ها وغیرمذهبی های انقلابی، ضدامپریالیست، استقلال طلب، آزادیخواه ومترقی قرار دارند وطبعاً دربرابر آن غیرمذهبی ها ونیرمذهبی های ضدانقلابی ومرتجعی قرار میگیریم، که بگفته امام « بدترازساواکی اند»

پس ما همانطورکه فرصت طلب نبوده ایم ودنباله روهم نبوده ایم، زیاده روی هم نمیکشیم. تنها کاری که میکنیم پافشاری درجهت اتحاد عمل برضد امپریالیسم، برای رهائی ایران ازاسارت وظلم، برای تامین آزادیها وحقوق دموکراتیک مردم است.

این را دوستان حزب ماباید بدانند. مخالفان خود دانند؛ آنها هرچه دل تنگشان میخواهد بگویند. ما به مشئی اصولی خود، بی وقفه وبدون انحراف ادامه خواهیم داد

(مردم شماره40، دو شنبه 25 تیرماه 1358)

نامزد های حزب توده ایران برای مجلس خیرگان

رفیق نورالدین کیانوری، دبیراول کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق احسان طبری، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق انوشیروان ابراهیمی، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازآذربایجان

رفیق حسین جودت؛ عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازآذربایجان

رفیق علی خاوری خراسانی، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازخراسان

رفیق محمد علی عموتی، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق عباس حجری بجنستانی، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق رضا شلتوکی، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، از کرمانشاه

رفیق ابوتراب باقرزاده، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازمازندران

رفیق آصف رزم دیده، عضوکمیته مرکزی حزب توده ایران ، ازتهران

رفیق صابرمحمدزاده؛ عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق مریم فرمان فرمانیان فیروز، عضوهایت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، ازتهران

رفیق علی لامعی، مسئول سازمان حزب توده ایران درشهرستان بهشهر ازمازندران

رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران دراصفهان، ازاصفهان

رفیق حسین آذر، ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران دراصفهان، ازاصفهان

رفیق علی اکبرمایل زاده، ازمسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران درخوزستان، ازخوزستان

(مردم شماره47، چهار شنبه 10 مردادماه 1358)

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پيرواطلاعیه قبلی کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره پشتیبانی حزب ما ازنامزدهای غیرحزبی برای مجلس خیرگان، اینک به اطلاع میرساند که درکرمانشاه ، اعضا وهواداران ودوستان حزب، علاوه بررفیق رضا شلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، به حجت الاسلام سید یونس موسوی رای خواهند داد.

حزب توده ایران، ضمناً اعلام میدارد که درهرنقطه ای که آیت الله صادق خلخالی نامرد باشند، به ایشان رای خواهد داد

کمیته مرکزی حزب توده ایران؛ 9/5/1358

(مردم شماره47، چهار شنبه 10 مرداد ماه 1358)

توضیح

بنابه اطلاع رسیده، متأسفانه برخی مطالب مندرجه درمقاله ای که به مناسبت روزشهادت علی ابن ابی طالب درروزنامه مردم نگاشته شده بود، دربرخی نقاط مورد تعبیراتی قرارگرفته که گویا قصد برخوردخاصی نسبت به شخصیت مذهبی خلیفه سوم درمیان بوده است .

چنانچه بارهاگفته ایم، روش حزب ما احترام به مذهب ومعتقدات مذهبی است وقصد اهانت به هیچیک ازادیان ومذاهب راندارد وازاین کار کمترین سودی نمیبرد.

ماینوبه خودازاین جریان سخت متأسفیم واحترام صادقانه خودرابه همه ادیان ومذاهب، بویژه به دین اسلام که دین مردم کشورماست وازآن جمله به مذهب جعفری اثنا عشری و مذاهب اربعه اهل تسنن یکباردیگر تصریح میکنیم

(مردم شماره54، شنبه 27 مرداد 1358)

تلگرام گروهی ازاعضای کانون نویسندگان ایران به امام خمینی

قم _ دفترامام

حضورعالی آیت الله العظمی امام خمینی ، رهبرآزموده ورهشناس انقلاب اسلامی ایران

درتائید سیاست استوارضد امپریالیستی آن بزرگوار

درهم پیوستگی باموج بزرگ ونازه جنبش رهائی بخش ملی ایران، که باشغال لانه فتنه انگیزی وجاسوسی سفارت امریکا ازسوی جوانان عزیز وارجمند دانشجوی ما میروود تابه اوج قله پیروزی برسد.

درهمگامی باقشرهای انبوه زحمتکش ومحرورم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرارعدل وبرابری، ونیل به حد آبرومندی ازرفاه درسایه کارشریف وبروررا دنباله طبیعی و ضروری انقلاب سیاسی میدانند.

و به امید آن که خلق قهرمان ایران بامجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تااستقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی وفرهنگی کشوررابه نحو اکمل تحقق بخشد، ودرسایه این چنین استقلال واقعی، حقوق وآزادیهای مدنی واجتماعی رابرای همه افراد مردم وشرکت عملی شان را دراداره امورملی و محلی ، بدورازهرگونه تبعیض تامین کند.

ما امضاکنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران، که به فعالیت اخیرین کانون معترض بوده وهستیم، اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است وازاین پس نیز، همچنان که درگذشته، نیروی اندیشه وقلم وبیان هریک ازما وقف خدمت به خلق وانقلاب خلقی واسلامی ایران خواهد بود

باسلام ودرد گرم انقلابی

محموداعتمادزاده(به آذین) – سیاوش کسرانی – امیرهوشنگ ابتهاج(سایه) – فریدون تنکابنی – محمدتقی برومند

15 آبان 1358

طبق آخرین اطلاعی که « مردم » بدست آورد، نامه فوق طی یک روز(16 آبان) به امضای 14 نفردیگراعضای کانون نویسندگان ایران نیزرسیده است ، بشرح زیرین:

مهدی اسفندیارفرد- هانیبال الخاص – علی امینی نجفی – محمود برآبادی – جاهد جهانشاهی – محمد خلیلی – جلال سرفراز – اسدالله عمادی – محمد قاضی – کامبوزیا گویا – غلامحسین متین – ناصر موذن – جمال میرصادقی ، هوشنگ ناظمی (نیک آئین) – رحیم نامور

(مردم شماره87، پنج شنبه 17 آبان ماه 1358)

پشتیبانی اعضای کانون نویسندگان ایران ازتلگرام 5 عضو سرشناس کانون

محموداعتمادزاده(به آذین) – سیاوش کسرانی – امیرهوشنگ ابتهاج(سایه) – فریدون تنکابنی – محمدتقی برومند، به امام خمینی – افزوده میشود.

طبق اطلاع رسیده آقایان زیر نیز پشتیبانی خودراازتلگرام 5 عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران به امام خمینی اعلام داشته اند.

امیرحسین آریان پور، ناصرایرانی، اصغرالهی ، محمدرضا اصلانی، محمدپورهرمزبان، ناصرورقمی، جعفرجهانبخش، بهرام حبیبی ، بهالالدین خرمشاهی ، بهرام داوری، رکن الدین خسروی، محمد زهری، منوچهرشیبانی، احسان طبری، نازی عظیمی، محمد رضا فشاهی، کامران فانی ، بهزاد فراهانی ، جعفرکوش آبادی، پرویز مسمجدی، محمدعلی مهمید، کیومرث منشی زاده، نصرت الله نوحیان (نوح) ، اسماعیل نوری علا

(مردم شماره91، سه شنبه 22 آبان ماه 1358)

پشتیبانی نویسندگان متعهد ازمشی ضد امپریالیستی وخلقی امام خمینی

تاکنون 41 نویسنده، شاعر، مترجم، محقق روزنامه نگارعضو کانون نویسندگان ایران، درتلگرامی به امام خمینی، رهبرانقلاب، پشتیبانی خودرا ازمشی ضد امپریالیستی وخلقی امام اعلام داشته وازاشغال سفارت امریکا حمایت کرده اند.

متن تلگرام باین شرح است

قم – دفترامام – 15 آبان 1358

حضورعالی آیت الله العظمی، امام خمینی، رهبرآزموده ورهشناس انقلاب اسلامی ایران

درتائید سیاست استوارضدامپریالیستی آن بزرگوار، درهم پیوستگی باموج بزرگ وتازه جنبش رهائی بخش ملی ایران که باشغال لانه فتنه انگیزی وجاسوسی سفارت امریکا ازسوی جوانان عزیز وارجمند دانشجوی ما، میروود تا به اوج قله پیروزی برسد.

درهمگامی باقشرهای انبوه زحمتکش ومحروم ایران که انقلاب اجتماعی، استقرارعدل وبرابری، ونیل به حد آبرومندی ازرفاه درسایه کارشریف وباروررا دنباله طبیعی وضرووری انقلاب سیاسی می دانند.

وبه امید آن که خلق قهرمان ایران با مجاهدات جانبازانه خود موفق گردد تا استقلال سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی وفرهنگی کشوررا به نحو اکمل تحقق بخشد، ودرسایه این چنین استقلال واقعی، حقوق وآزادیهای مدنی واجتماعی را برای همه افراد مردم وشرکت عملی شان رادرداره امورملی ومحلی، بدوازهرگونه تبعیض، تأمین کند.

ما امضا کنندگان زیر، اعضای کانون نویسندگان ایران اعلام میداریم که صف مبارزه ما همان صف واحد انقلاب به رهبری امام است وازاین پس نیز، همچنان که درگذشته، نیروی اندیشه وقلم وبیان هریک ازما، وقف خدمت به خلق وانقلاب خلقی واسلامی ایران خواهد بود.

باسلام ودرد گرم انقلابی

محموداعتمادزاده(به آذین) – سیاوش کسرانی – امیرهوشنگ ابتهاج(سایه) – فریدون تنکابنی – محمدتقی برومند

نویسندگان زیرین هم پس ازارسال تلگرام به قم، متن آنرا امضا کرده اند

امیرحسین آریان پور– مهدی اسفندیارفرد- ناصرایرانی – هانیبال الخاص – علی امینی نجفی – اصغرالهی – محمود برآبادی – ناصرورقمی – جاهد جهانشاهی – جعفرجهانبخش – بهرام حبیبی – محمد خلیلی – رکن الدین خسروی – بها الدین خرمشاهی – بهرام داوری – شیخ مصطفی رهنما – جلال سرفراز– احسان طبری – نازی عظیما – اسدالله عمادی – بهزاد فراهانی – کامران فانی – محمد قاضی – جعفرکوش آبادی – کامبوزیا گویا – جمال میرصادقی – ناصر موذن – غلامحسین متین – محمد علی مهمید – پرویز مسمجدی – کیومرث منشی زاده – هوشنگ ناظمی (نیک آئین) – نصرت الله نوحیان (نوح) – رحیم نامور– کاظم هژیرآزادی

(مردم شماره93، پنج شنبه 24 آبان ماه 1358)

پشتیبانی نویسندگان متعهد ازمشی ضد امپریالیستی وخلقی امام گسترش می یابد

تاکنون 53 نویسنده، شاعر، مترجم، محقق روزنامه نگارعضو کانون نویسندگان ایران، درتلگرامی به امام خمینی، رهبرانقلاب پشتیبانی خودراازمشی ضدامپریالیستی وخلقی امام اعلام داشته وازاشغال سفارت امریکا حمایت کرده اند.

اسامی 40 نفرازاین نویسندگان متعهد همراه بامتن تلگرام، روزپنج شنبه در« مردم» به چاپ رسید. اینک نام 13 نفردیگری که متن را تائید کرده اند، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

محمد پورهرمزبان؛ منوچهرشیبانی، محمدزهری، محمدرضا اصلانی، محمدرضا فشاهی، حسن اصغری، جلال علوی نیا، حسن غلامعلی پور، کامبیزصدیقی، عبدالله عسگری، فرهاد عابدینی، مجید دانش آراسته، اسمعیل نوری علا

(مردم شماره94، شنبه 26 آبان ماه 1358)

اگرمتحاج اسلحه شدیم

« اگرمتحاج اسلحه باشیم، ازهرکجا که بدون قید وشرط بتوانیم بگیریم، خواهیم گرفت»

این گفته آقای بنی صدر، سرپرست وزارت خارجه است. گفته درستی است حاکی ازوضعگیری درست درزمینه تسلیح ارتش، که درپاسخ به سنوال خبرنگار« اطلاعات » بیان شده است .

... آیا ما میتوانیم بدون قید وشرط اسلحه ازخارج دریافت کنیم؟ آری میتوانیم، باین دلیل میتوانیم که هستند کشورهایی که هم درجهجه جهانی مبارزه برضد امپریالیسم قراردارند وهم طرفداراستقلال کشورهای زیرنفوذ امپریالیسم ودرنتیجه طرفدار انقلابهای رهایی بخش، ازجمله انقلاب ایرانند

(مردم شماره96، دوشنبه 28 آبان ماه 1358)

سخنرانی رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، درزمین چمن دانشگاه پلی تکنیک

. . . ازخوشبختیهای این انقلاب آنست که رهبری آن دردست مردی است مانند امام خمینی، که جاذبه سیاسی را باتقوای روحانی همراه دارد ودراتخاذ تصمیم، قاطع وباکفایت است وباتوجه به مشخصات عصرما (یعنی عصرافول قدرت امپریالیسم) ضربات خوبش را جانانه و صائب وارد میسازد. هم اکنون نام خمینی به نوازشی مهرانگیزبرای خلقها، بغرشی خشمگین برای قشرهای انگل وغارتگر نه تنها درمقیاس میهن ما، بلکه درمقیاس جهانی بدل شده است و میشود وروش بیخردانه وپرفیس واقاده امریکا؛ که چشمش برای دیدن واقعبیت عصرما نابیناست، برحیثیت این نام می افزاید. بیهوده نیست که روزنامه دیلی اکسپرس که ازشنیدن نام خمینی کوشش ازرده میشود، برای ژنرالهای باصطلاح لایق ایرانی، که بتوانند چرخ حوادث را به عقب بازگردانند، آه میکشد.

توده های عظیمی که بدنبال این رهبربحرکت درآمده اند، نه تنها ازسختن انقلابی غنی ایران بهره میگیرند، بلکه ازچهره های روشن مذهب اسلام وتشیع نیزالهام می پذیرند.

درمیان این چهره ها، اینروزها بجاست از **حسین بن علی** نام ببریم که برراس قیام کربلا، تاآخرین نفروتا آخرین قطره خون خود علیه دشمنی قسی وکین توزانه سلسله پلید اموی ایستاد.

بدین مناسبت اجازه میخواهم چندکلمه درباره **حسین**، این شهید جاوید تاریخ تشییح، که باد کرد سوگ او وقهرمانی اودرمبارزات حق طلبانه ما ایرانیان نقش مهمی داشت، سخن گویم، بویژه آنکه سنت یادکرد ازروز عاشورای حسینی وبزرگداشت **ابوعبدالله حسین بن علی امام سوم شیعیان**، ازطرف حزب ما ودر روزنامه « مردم» سنت دیرینه ایست . حزب ما و روزنامه ارگان ما درآن هنگام که عزای حسینی تنها برای گریه واقعی یا گریه نمائی بود، می نوشت که باید نمونه جانبازی **حسین** علیه یزید بن معاویه سرمشق هرمسلمان قرارگیرد. سرمشق نبرد بی امان علیه ظلم و سبطره غارتگران.

خوشبختانه درانقلاب اخیرایران، سنت **حسین** وعاشورای او نقش مثبت وسازنده انقلابی ایفا کرد و هم اکنون نیزاین سنت، این یادکرد، ازحالت یک سوگواری عبث بیرون آمده ، وبگفته **امام خمینی**، دلها را درراه وروشی شهادت جویانه هماهنگ میکند.

مبارزه **حسین** یازبید، به تضاد عمیق دوجناح مردمی واشرفای قریبش یعنی خاندان بنی هاشم و آل سفیان بازمیگردد. ابوسفیان خودپس ازآنکه ازلشگر مهاجران وانصاربه رهبری پیغمبر **اسلام** شکست خورد وسالوسانه به اسلام تن درداد، ولی کینه این جناح اشرافی قریبش علیه جناح مردمی آن (که بنی هاشم باشند) کماکان باقی بود . این کینه تا پیغمبر اسلام میزیست ودرنتیجه حیثیت عظیم وچیرگی ناپذیرش، آتشی بوددرزیرخاکستر. وقتی پیغمبر درگذشت این تضاد شعله ورشد . پس ازقتل **علی**، معاویه بن ابی سفیان میدان را برای تصرف مجدد قدرت؛ خالی ازرقب یافت .

درآن هنگام مسلمین به دوگروه یا نحله تقسیم شده بودند . نحله غربی بدنیال حاکم دمشق، یعنی معاویه افتادند. نحله شرقی که کوفه را مرکز خودفرا می نمودند وغالبا ازایرانیان واعراب شیفته خاندان رسالت بودند، باسیطره امویان ازدرمخالفت درآمدند . آنها دائما به **حسین بی علی** نامه میفرستادند که حاضرند بخاطر امامت وپیشوائی او جانبازی کنند.

معاویه درزندگی خود ازدشواری کارخبرداشت . پسرش یزید، مردی هرزه گرد وشرابخوار وزن باره و بی تدبیر بود . دستور معاویه او می بایست به محض رسیدن به خلافت **حسین بن علی** و عبدالله بن زبیر را به بیعت وادارد واگر این دو ازبیعت تن زدند . آنها را بی درنگ گردن بزند تابعدها دچارمخمصه نشود.

ولی **حسین** توانست ازخطر بگریزد وبه مکه برود وسپس به اجابت دعوت مکرر کوفیان به عراق عرب روی آورد ولی سپاه اعزامی عبیدالله بن زیاد، فرماندار عراق (بدستوریزید) را ه را بر **حسین** دردشت کربلا سد کرد واو و هفتاد ودو تن ازیاران وفادارش را به شهادت رساند وخاندانش را به اسارت به دمشق فرستاد . این شهادت سرشار ازحماسه ازسوتی وقساوتها وزدلتهای مخالفان **حسین** ازسوتی دیگر، واقعه ای کم نظیر درتاریخ پدید آورده است .

شگفت نیست که مردی چون **حسین**، که به پارسائی ودلبری شهره وازراه **فاطمه بنت محمد**، نوه پیغمبر اسلام بود، درسال 63 هجرت نیوی چنین تنها و بی یاور بماند . پس ازدرگذشت پیغمبر اسلام، مثنی جاه طلبان دون صفت، که قدرت امویان را بامطامع خود سازگار می یافتند، گرد معاویه را گرفتند . سخن ابوهزیره ، که زمانی ازصحابه رسول بود، درحق این طایفه صادق است . او میگفت : « الصلوه خلف علی اتم وطعام معاویه ادمسم التل یوم الحرب اسلم » یعنی نمازتمام وکمال همان نمازی است که شما پشت سرعلی می خوانید و بلوی چرب وچیل را تنها پرسرسفره معاویه میتوان خورد و اگر سالمترین جارا درروز جنگ خواهانید، به پشت تپه ها پناه ببرید ! الحق که شعار کامل همه فرصت طلبان واعضا « حزب باد» است، که درهمه اعصار وجود داشته اند و متاسفانه تاامروز هم وجود دارند. درمقابل این ارادل، **حسین** برآن بود که « ان الحیوه عقیده و جهاد» . یعنی معنای زندگی درایمان داشتن و درراه این ایمان خود پیکارکردن است . وک درخطابه خود، روزعاشورا، دربرابر لشکر یزیدبن معاویه گفت : « میدان جنگ برای من بمنابها محراب نماز ودعا است و من باهمان هیجان وشوق بدان روی می آورم » .

یزید بن معاویه، شکست فاحش نیاکان خودرا دربرابر «عزوه بدر» ازیاد نبرده بود و بهمین جهت وقتی دربرگاهش برده ازسر بریده **حسین** برگرفتند؛ باشادمانی بانگ برآورد : « لیت اشیایخی به بدرشهدوا» یعنی «ایکاش نیاکان من درغزوه بدرشاهد این منظره می بودند» همین جمله نشان میدهد که چه کینه عمیقی دردل این طاغوت متفرعن اموی نسبت به شخصیت انقلابی **حسین** وجود داشت

(مردم شماره 104، چهارشنبه7 آذر ماه 1358)

مادرهمه پرسی قانون اساسی میگوئیم : آری !

حزب توده ایران ازهمه اعضا وهواداران خود وهمه مردم ایران دعوت میکند که بخاطرتحکیم اتحاد همه نیروهای خلقی درنبرد علیه امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکا وبخاطر پشتیبانی ازرهبری ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی هرچه وسیعتردرفرا ندوم قانون اساسی شرکت کنند و به این سند، رای مثبت دهند. . . **کمیته مرکزی حزب توده ایران**

(مردم شماره105، شنبه 10 آذر ماه1358)

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ازهمه زنان دعوت میکندکه متحدا به قانون اساسی نوین رای مثبت دهند

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ... بخوبی به نواقص قانون اساسی وبخصوص مواد مربوط به زن واقف است اما برآنیم که امروز مردم ایران، اعم اززن ومرد، بزرگ وکوچک ، باید دریک جبهه واحد همگام شوند

. . . امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران همیشه مقام زن را ولاداشته ونقش زن ایرانی را درانقلاب بسیارارجمند شمرده و بارهاخطاب به زنان گفته اند: « درمسائل سیاسی خودتان، درمسائل اجتماعی خودتان، دخالت کنید ازهرچیزکه برخلاف مسیرملت باشد، انتقاد کنید»

(مردم شماره 106، یکشنبه 11 آذر 1358)

امام خمینی :

ما بنا براین داریم که امورهرجاراخوداهالی آنجا، خودآنهانی که درآنجا هستند ، انجام دهند

حاکم وولی امر نمیتواند به یک ناحیه بیشترازناحیه دیگر توجه کند. یک طرف کشوررازیادترازطرف دیگرکشورآبادکند

(مردم شماره121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

سلامت امام را آرزو مندیم

سلام به امام ، سلام به وحدت خلق است

اعتمادبه امام ، تکیه دادن به نیروی توده هاست

طپش قلب امام ، استمرار انقلاب است

دوام عمرامام ، دوام انقلاب است

راه امام ، ادامه انقلاب است

صدای امام ، فریاد خلق است : شیطان بزرگ امریکاست

سلامت امام ، آرزوی توده های میلیونی خلق است

ما، ازخلقیم

ما، با خلقیم

ما، با خلق :

سلامت امام را آرزومندیم

(مردم ، شماره 150، پنج شنبه 4 بهمن ماه 1358)

امام ازبیمارستان قلب، درلحظه ای حساس باقلب همه مردم سخن میگوید

پیام وحدت درراه خلق . پیام انسانی وانقلابی

امام خمینی ، مردیکه باروشن بینی ژرف، باسیاست صائب و باقاطعیت بولادین خود انقلاب مارا رهبری کرد، دریکی ازلحظات دشوار برای سلامت خودش ، درفکر مردم وفکرانقلاب است

کسی نیست که پیام تکان دهنده وعمیقا انسانی وانقلابی اورازبیمارستان قلب تهران شنیده باشد و باردیگربه عظمت روح و صلابت اندیشه رهبر انقلاب آفرین نگفته باشد.

رهبر، دربستربیماری است ، رهبری که توده های میلیونی به او وسلامت او می اندیشند ، ولی اویا درک عمیق حساسیت لحظه ، درفکر مردم ودراندیشه انقلاب است و لازم می بیند که علیرغم منع پزشکی و به بهای سلامت خویش، آنچه را که درقلب دارد بهمه بگوید، بمردم بگوید، لحظه حساسی است، متصل ومتحد باشید، چه حالا وچه فردا، نزاع و نفاق نکنید، بهم اعانت کنید، نشان دهید که رشید هستید

(مردم ، شمار151 ، شنبه 6 بهمن ماه 1358)

دعای من . سیاوش کسراتی ، 6 بهمن 1358

صبح ازسپیده دم / وقتی که خانواده ام را ازخواب/ بیدارمیکم/ درکسب نان وآب حلالی به وسع خویش / من کارمیکم

بادشمن بزرگ / درهرکجا که هستم وهرجبهه ای که هست / پیکارمیکم

همراه باخلاق/ هم راه میروم/ هم رای میدهم/ جان را زعشق آینه کردار میکم.

باکوچک وبزرگ / دارم نشست و آمد رفت ویگومگو/ آری کلام حق را / درکوچه ها وبرزن و میدان شهر وده / تکرارمیکم / وان روز اگر رسد / جان را براه حق اینارمیکم

اینگونه ، ای خجسته، ترا میدهم تن

(مردم ، شمار152 ، یک شنبه 7 بهمن ماه 1358)

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی

رهبرعالیقدرانقلاب، امام خمینی

خبربیماری وانتقال شما به بیمارستان برای همه اعضای حزب توده ایران وهواداران آن خبری سخت تکان دهنده وبسیار دردناک بود . نقش قاطع شما دررهبری انقلاب بزرگ مردم ایران وتداوم آن درجهت ضد امپریالیستی و خلقی، آن چنان سرنوشت ساز و عظیم است که هیچ انقلابی راستینی نمیتوانست جز بانهایت نگرانی چنان خبری را دریافت کند.

نخستین سخن شما درپیام تاریخی روز 4 بهمن ماه ازبیمارستان قلب که گفتید:

« حال خودم الحمدلله بدنیست » وسپس اطمینان هائی که حضرت حجت الاسلام حاج سیداحمد خمینی و پزشکان معالج داده اند، برای همه ما مایه بسی خرسندی است . همه ما ازصمیم قلب آرزومندیم که سلامت کامل خودرا هرچه زودتربازیابید و نقش برجسته خویش را دررهبری امورکشوروپیش برد انقلاب ما کماکان ایفا کنید وباهمان روشن بینی ژرف وسیاست صائب قاطعیت پولادینی که وجه مشخصه رهبری شماست، انقلاب ایران رادرجهت غلبه برانواع خطرات و مهلکه هائی که آنرا احاطه کرده، غلبه بردسیاس رنگارنگ ضد انقلاب – امپریالیسم امریکا وعمالش – هدایت نمایند.

انقلاب ایران وکلیه مردم زحمتکش ایران به وجود شما، به رهبری قاطع ویی تزلزل شما، به خط امام خود، نیازحیاتی دارند . صادقانه امیدواریم که سالهای سال موهبت سلامت وفعالیت پرثمرشما ارزانی انقلاب ومردم ایران باشد

باتقدیم درود های صادقانه وآرزوی صمیمانه تندرستی . **کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیراول : نورالدین کیانوری**

(مردم شماره 153 ، دوشنبه 8 بهمن ماه 1358)

سالروز بازگشت امام به ایران گرامی باد

امام، با پیام وحدت برای مبارزه با آمریکا، آمد

امام آمد. این جمله کوتاه خبری ، ثمردادن 2500 سال نبرد خلق های ایران، سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم وتدارک نبرد آینده با امپریالیسم خونخواررایک جا درخوددارد.

امام آمد. دراین دو واژه ساده ، تاریخ معاصرایران، آوای غریو خلق، فریادهای شهدا، متجلی است .

امام آمد. وان روز، امسال یک ساله است. آنروز امام، بعداز17 سال تبعید، به ایران بازمیگشت. ماجرای 17 سال نبرد امام باشاه خائن ، خود بخش مهمی ازتاریخ معاصرایران است

(مردم ، شمار156 ، پنج شنبه 11 بهمن ماه 1358)

باوقاربرنده دورپروازی . . . جلال سرفراز، 12 بهمن ماه 1357

می آیی/ سنگین می آیی / باوقاربرنده ای دورپروازدرگرداب آسمان / که باران سربیش ازپای درنیندازد.

می آیی / نادروازه های بسته تاریخ را بگشائیم/ بامردمی که پیش ازاینبت به گرمی ستوده اند/ درفوران خون شهید / که آزادی را ارج می نهاد.

شکوه پروازت را / برتوده نگران خاک وطنم می بینم/ وبرجمجمه پوک خنیانگران مرگ / که بااشاره چشمی ازپایشان درانداخته ایم.

درنگاهت

آینه ای میبینم، به وسعت آزادی

(مردم ، شمار156 ، پنج شنبه 11 بهمن ماه 1358)

شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران

به محضرمحترم حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

رهبرعالیقدرانقلاب ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران نخستین سالگذشت انقلاب بزرگ و شکوهمند مردم ایران و آغاز قرن پانزدهم هجرت نبوی را به شخص آن حضرت که بحق رهبر گرانمایه این انقلاب شناخته شده اید، ازصمیم قلب شادباش میگوید.

این انقلاب عظیم وتاریخ ساز، نظام فرتوت سلطنت مستبده را، که طی هزاران سال دراین سرزمین منشا آنهمه بیدادهاو فسادها بود، برانداخت وبرای نخستین بار، نظام مردمی جمهوری را درمیهن ما برپا ساخت .

این انقلاب نه تنها انقلابی علیه استبداد شوم سلطنتی بود، بلکه ازآن بالاتررایت طغیان مقدس علیه امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوارامریکا، را برافراشت وناچیزی وناتوانی این قدرت سلطه گررا برجهانیان آشکارکرد.

این انقلاب نه تنها به چنین قیام حماسه آمیزی دست زد، بلکه رهائی مستضعفین ایران وجهان رااز اسارت وستم مستکبرین وظیفه خودشمرد ویدینسان ازانقلاب مهم سیاسی ، به یک انقلاب بزرگ اجتماعی نیز بدل شد.

همه این برکات ونعمات انقلابی مدیون قاطعیت وجانبازی کم نظیر توده های میلیونی زحمتکشان وهمه میهن دوستان ایران و درایت وروشن بینی وسرسختی انقلابی شماست که تحسین واعجاب جهانیان را برانگیخت ونام شمارادرردیف بزرگترین نامهای تاریخ جای داد.

انقلاب درتداوم خود بوجودشما نیازدارد.بیماری شما همه مردم ایران وازآنجمله مارا سخت رنج ونگران ساخت . ازصمیم قلب آرزومندیم که انقلاب بتواند درزیر رهبری شخص

شما، راه خویش را ادامه دهد و کشتی آن ، علی رغم توطئه دشمنان رنگارنگ ، به ساحل مراد بیوندد.

در این آرزو، برای شما تندرستی و عمر طولانی و کامیابی بردشمنان مستضعفان ایران و جهان را خواستاریم و مانند همیشه از تلاش مقدس شما بسود مردم ایران و استقلال و آزادی و سعادتش، باصمیمیتی بی خلل، پشتیبانی خواهیم کرد و در این راه برای اجرای همه وظایف ملی و میهنی خویش آماده ایم **کمیته مرکزی حزب توده ایران . دبیر اول : نورالدین کیانوری**

(مردم ، شماره 164 ، دو شنبه 22 بهمن ماه 1358)

تبریک جمعیت ایرانی هواداران صلح

به حضور عالی امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران

نخستین سالگرد انقلاب کبیر ایران را که به رهبری قاطع آن حضرت و جانانازی و نثار خون جوانان وطن به پیروزی رسید، به حضور امام بزرگوار و مردم انقلابی ایران تبریک میگوئیم.

به پیروی از همنمود امام که فرمودید، سلامت و صلح جهان جزاینا بودی مستکبران حاصل نخواهد شد، و نیز با اعتقاد به این حقیقت که امروز مهمترین وظیفه هواداران صلح، دفاع از انقلاب و مبارزه قاطع با امپریالیسم جنگ افروز امریکاست، باردیگر پیمان می بندیم که بادل و جان در خط امام کوشنده باشیم و بارامانتی که بدوش گرفته ایم، به سر منزل امن و سعادت جهانی برسانیم.

دوام عمر و عزت امام را آرزو مندیم **دبیر خانه جمعیت ایرانی هواداران صلح**

(مردم شماره 166 ، چهارشنبه 23 بهمن ماه 1358)

سلامت امام خمینی مایه خرسندی است

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران ، سلامت خود را بر اساس گزارش پزشکان ، کاملا بازیافته و تا آخر هفته جاری بیمارستان را ترک میکند.

پزشکان اعلام کرده اند: « حال امام فوق العاده خوب است و تمام آزمایشات و نوارها حاکی از سلامت کامل امام است »

بازیابی سلامت امام خمینی ، برای حزب توده ایران مایه نهایت خرسندی است. در این لحظات حساس که وجود امام مانند همیشه نقش بسیار مهمی در روند انقلاب ایران دارد، رفع بیماری ایشان برای توده ها و حزب توده ایران مژده بزرگی است .

ماباردیگر دوام سلامتی امام خمینی را آرزو میکنیم و اطمینان داریم که توده های میلیونی زیر رهبری ایشان تاریخ را بر سر خود میهند.

حزب توده ایران در این نبرد دسترگ همراه خلق و رهبر انقلاب می رزمند و خواهد رزمید.

(مردم ، شماره 171 ، سه شنبه 30 بهمن ماه 1358)

آیت الله خلخالی:

ماباکمال قدرت زمینها و اموال منقول و غیر منقول را از فئودالها گرفته و مصادره میکنم

(مردم شماره 174 ، شنبه 4 اسفندماه 1358)

شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

حضور حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

در آستانه دومین بهار آزادی و بمناسبت عید نوروز، عید همه خلق ستمکش و امیدوار ما، کمیته مرکزی حزب توده ایران شادباش های گرم خود را به حضور شما تقدیم میدارد و تندرستی و شادکامی شما را آرزو میکند.

خیرو برکتی که رهبری شما برای انقلاب ما و کشور ما و همه مردم زحمتکش ما به همراه دارد، آنچنان قاطع و اثربخش است که تردید نداریم همه زجر کشیدگان و محرومان جامعه، همه نیروهای اصیل انقلابی و مترقی، و در میان آنها کلیه اعضا و هواداران حزب توده ایران، که چشم امید به ثمرات انقلاب بزرگ مادوخته اند، در این آرزوی قلبی و صمیمانه همصدای ما هستند

مراه درازی برای پیشبرد انقلاب و رسیدن به هدفهای ضدامپریالیستی و خلقی آن در پیش داریم و برای پیمودن این راه، بوحث کلمه و عمل همه نیروهای که این انقلاب عظیم را به پیروزی رسانند، نیاز حیاتی است . بشهادت تاریخ و انقلاب ما، رهبری شما نقش قاطع در نین به این اهداف و در پیمودن این راه دارد.

آرزو داریم در سالی که میآید، انقلاب ایران در نبرد علیه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، و بقایای رژیم مخلوع و در جهاد سازندگی برای بنای ایرانی مستقل، آزاد و آباد، برای سعادت توده مردم، زیر رهبری پیگیر و مدبرانه شما و به نیروی متحد همه مردم انقلابی ایران، به پیروزیهای با زهم بیشتر و بزرگتری نائل آید . **کمیته مرکزی حزب توده ایران، دبیر اول: نورالدین کیانوری**

(مردم شماره 195 ، سه شنبه 28 اسفند ماه 1358)

درود و افتخار بردانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بدنیال موضع قاطع و سازش ناپذیر امام در مبارزه با امپریالیسم جهانخوار و جنایتکار امریکا، استقامت و پابمردی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در باقی ماندن گروگانها در دستهای محنت کشیده مردمی که از امپریالیسم عدار تازیانه ها خورده اند، سهم اساسی داشته است .

(مردم شماره 207 ، پنج شنبه 21 فروردین ماه 1359)

تسلیت به امام خمینی و همه شیعیان جهان

طبق پیام امام خمینی شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر و همشیره ایشان بوسیله رژیم جنایتکار بعثی عراق مسلم شده است

ما این ضایعه را به امام خمینی و همه شیعیان جهان صمیمانه تسلیت می گوئیم .

(مردم ، شماره 218 ، چهارشنبه 3 اردیبهشت ماه 1359)

پیام تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

ما نهضت خودمان را مدیون زنان میدانیم « امام خمینی»

بیستم جمادی الثانی، روز تولد فاطمه(ع) ، بانوی بزرگ اسلام از طرف مقامات جمهوری اسلامی ایران بعنوان روز زن در ایران برگزیده شده است.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران این روز را به همه بانوان و مادران ایرانی تهنیت میگوید. زنان ایران با شرکت فعالانه خود در همه مراحل انقلاب نشان دادند که در جامعه مادیرگ هیچ نیروئی نمیتواند مانع شرکت زنان در تعیین سرنوشت کشور شود.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، وظیفه سنگین و پر مسئولیت زنان و مادران را در حفظ و دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و شکوهمند کشور، در لحظه حساس کنونی یادآور میشود.

دشمن در کمین است، اورا براندازیم

جامعه نودر جلوی ما است، آنرا با هم بسازیم



بخش هشتم : اندر باب خبرچینی !

آیا راست است :

که رئیس شعبه بازار بانک ملی از حامیان رژیم شاه مخلوع بوده و هنوز هم بنفع رژیم سرنگون شده سلطنت تبلیغ میکند؟
(مردم شماره 177، سه شنبه 7 اسفندماه 1358)

آیا راست است

که آقای اسحق فرهمندیپور، معلم خصوصی بهمن، پسرغلامرضا پهلوی، خود را از طرف جامعه یهودیان نامزد نمایندگی مجلس شورایی کرده و صلاحیت او، علیرغم تذکرات مکرر یهودیان ایران، از طرف وزارت کشور تأیید شده است ؟
(مردم شماره 189، سه شنبه 21 اسفندماه 1358)

توطئه کودتا در هم شکسته شد .

رفیق نورالدین کیانوری در جلسه پرسش و پاسخ درباره کودتای نوزه :

. . . کودتا شکست خورد اما وظیفه ما چیست ؟

. . . چشمها و گوش هایمان هفت برابر باشد و بدانیم فعالین ضد انقلاب را در هر گوشه ای تشخیص دهیم و با سرعت آنرا منتقل کنیم، اگر نمونه هائی پیدا بشود که این نمونه ها قابل توجه هست، آنرا منتقل بکنیم به مرکز و از این جا ما بتوانیم با جمع کردن نمونه های مختلف اطلاعات مختلف، از جاهای مختلف، بتوانیم فعالیت ضد انقلاب را خلاصه چشم بینائی نسبت به آن داشته باشیم و کمک بکنیم از این راه برای مبارزه علیه ضد انقلاب. این مسئله فوق العاده مهم است و وظیفه هر انقلابی در شرایط کنونی است. در هر جایی که هست چه در داخل حزب هست، چه جای دیگر.

ما حتی از هواداران حزب، حتی نیروهای دیگری که هوادار حزب هم نیستند، از ضد امپریالیستها و انقلابی های دیگری هم که در جامعه ما همستند، فعالیت میکنند و با حزب ما هم روی خوشی ندارند یا انتقاد دارند، از آنها هم خواهش میکنیم که بوسیله سازمانهای خودشان یا بوسیله سازمان ما، بوسیله نامه، هر چه که هست، هر گونه پدیده فعالی ضد انقلابی را می بینند، این پدیده را حتماً ما اطلاع بدهند. حتی کافی است مثلاً، چون یک وقت می بینند یک نفر یا گروه نقاب یا گروه آریا، یا گروه بختیار را در یک اداره بخش میکند. ممکن است از این آدم ماهه یک سازمان مهم ضد انقلابی، پی ببریم. این را کوچک نگیریم رفا. هر گونه دمی که از ضد انقلاب پیدا میکنند، این دم میتواند جنبش را به نتایج مثبت برساند. بایستی چشم و گوش انقلاب را هر چه که ممکن هست شنواتر کرد، بناتر کرد و این وظیفه یکایک افراد انقلابی در تمام طیف نیروهای انقلابی ایران هست، نه فقط و وظیفه حزبی افراد حزب توده ایران و هواداران آن

(مردم، شماره 280، شنبه 21 تیر ماه 1359)

شبکه ضد انقلاب را در میان تاکسیرانان کشف کنید و درهم کوبید!

شبکه عوامل ضد انقلاب در میان تاکسیرانان بسیار فعال است. اینان بواسطه تماس گسترده ای که با مردم دارند علیه انقلاب تبلیغ میکنند، نارسائیهای انقلاب و خرابکاریهای ضد انقلاب را برجسته میکنند، آنرا به پای رهبری انقلاب می گذارند، برای رژیم پیشین و توطنه گران جنایتکاری چون بختیارها، آه می کشند و رژیم منفور پهلوی را می ستایند

این مزدوران که بطور عمده عوامل ساواک جنایتکار هستند و سازمان یافته به درون این عرصه مهم رسوخ کرده اند، آخرین شایعات و تبلیغات ضد انقلاب را که بوسیله شبکه سیاسی ضد انقلاب ساخته و پرداخته میشود در میان مردم منتشر میسازند. اینان همچنین نقش مهمی در خرابکاری، برقراری ارتباط میان عناصر مختلف ضد انقلاب ایفا میکنند و

برای حصول به این مقصود (شبکه ضد انقلاب را که خود را زیر پوشش تاکسیران پنهان ساخته است مورد پیگرد و شناسائی قرار دهند) ما (یعنی حزب توده) پیشنهاد میکنیم که مسئولین باتعین مرکزی برای بررسی این امر، مردم را فرا بخوانند که اطلاعات خویش را در مورد تاکسیرانان ضد انقلابی در اختیار این مرکز قرار دهند، در این زمینه مراجعه به تاکسیرانان زحمتکش و مومن به انقلاب، که شناخت بیشتری نسبت به عناصر مشکوک در میان تاکسیرانان دارند، بازه این امر را فزوتتر خواهد کرد و کشف این شبکه مخرب را تسهیل خواهد نمود

(مردم، 332، یک شنبه 23 شهریور 1359)



بخش نهم : اندر باب ادبیات توده ای !

رفیق کیانوری که آمد؛ انبوه جمعیت از جاکنده شد. هزاران دست، مشت شده، هزاران صدا هلهله، یک صدا، صداها شد. صداها شور و سرود بود. صداها درود به رهبری حزب بود

(مردم شماره 71، یکشنبه 29 مهر ماه 1358)

از سپیده دمان تا آفتاب زاله

به شهیدان راه انقلاب

مراهه سپیده دمان خواندی/ به سرزمین آفتاب

اماخود، درصحنی سربی فام/ درمرززمین وآسمان/ محوشدی

ای شهیدا! این پایانی بودبرای طلوع دگرباره ات/ آنکه که خون توبرطاق سربینه آسمان پاشیده شد/ واینک تو خود آسمان شده ای / ودمی دیگر آفتاب خواهی شد/ ومرا به سپیده دمان فراخواهی خواند

(مردم شماره 131، دوشنبه 10 دیماه 1358)

وطن فروشی که می گریخت شبنم

همه اورادیدند که می گریخت/ وبالاپوشش درباد تاب میخورد/ بستوه آمده، بی لگام/ باچمدانهای انباشه/ ولی بامغربتهی/ باباری ازخیانت بردوش/ همه اورا دیدندکه میگریخت/ همه اورادیدند.....

(مردم شماره 132، سه شنبه 11 دیماه 1358)

حزب احسان طبری . دی ماه 1358

بسی ازتوروتافتند، بگذار! ولی تو، چاووش، تو، کاروان سالار/ ازسیردرسنگلاخ نفرسودی/ وز رزمیدن نیاسودی

سربازت بی توقع پوینده/ درتیربار زحر واقتر/ بشوق ستیغ آینده;/ وچون کاستی را تیرگی/ وراستی را چیرگی روزی است/ شکیب بسیار/ تاصبح پیروزی است .

توآموختی ازمغاک خود برون خزیدن/ نام انسان را سزیدن/ تاطارم نوربالا فراختن / چون زردیوته رنج گداختن / ازدل بستگی گسستن / به وارستگی پیوستن .

توآموختی به کوی امید درآمدن/ چون خورشید درخویش سرزدن / زیستن را نه موئیدن ، بل سرودن / وزخاره ستبرنگ روزن گشودن.

توآموختی پیکارآرمانی را/ شگرد شگرف ارانی را / چه پرتورهادرنهانت/ چه جاده ها: عطراُمیز/ وگلگشت شهیدانت/ آتش افشان / شورانگیز، / وریشه جاویدانت / مژده گو ازرستاخیز،

ای مادر، ای آموزگار/ دربندهای جادو هشیارم کن !/ وزبهرسلوکی رنجبار/ سزاوارم کن !

(مردم شماره 146، یکشنبه 30 دیماه 1358)

رهنمون فردا ها . به حزب

گل قاصد/ جهان روشنایی را پیام آور/ ازافق آمد/ ازشقایق زار ایثار/ ازکوچه های بخون تپیده / ازمعراج آرزو/ بادستی بررهاورد، / برای دوست / با سینه ای پرازکین ، / برای خصم

باپرچم سرفرازراهی / ابری باران زل/ درخشکسال آرزوها/ لب تشنگان را چشمه / نامردمان را دشنه/ شعرطفروشوق سفر/ پیامی ازسرزمین به زردی / نشسته چهره ها/ کلامی ازعصیان شعله ها/ با عشق زلال وخشم پایدار/ امروز هم چون دیروز/ ای حزب من!/ / رهنمون باش!/ / رهنمون فرداها. **ژاله**

(مردم شماره 155، چهار شنبه 10 بهمن ماه 1358)

توضیح

تاکنون در« مردم » اشعاری بنام « ژاله » ویا « ژاله ن » چاپ شده است. شایان ذکراست که این اشعارازژاله بدیع (اصفهانی) نیست .

(مردم شماره 181، یک شنبه 12اسفندماه 1358)

پیغام سیاوش کسرائی

آمد/ توفنده گردبادی ازراه/ ستاربود/ جوانتر/ تازه نفس تر/ آگاه

ایوان وبام خانه میلرزید/ آرام ایستاد بدرگاه/ سیمای مهربانش درجام شیشه ها/ تصویرهرچه چهره دلخواه/ دستی بروی سینه برآورد/ بی کلام/ با سینه اش شقایق خون بود/ درسایه روشنان اطاقم،/ گویا

پیچیداین صدا/ بازآمدم، بگو!/ تبریز منتظریشما میدهد پیام!

شب بود ودرگرفتگی ابردل سیاه/ رخ مینمود ماه اسفند 56

(مردم شماره 170، دوشنبه 29 بهمن ماه 1358)

ازانتشارات حزب توده ایران

بزودی منتشرمیشود

* زندگی دوباره

* زمین بکر

ازآثار رفیق لئونید برژنف

کتاب **زمین کوچک** که به تازگی انتشاریافته است، نخستین اثرازاین آثار سه گانه رفیق لئونید برژنف است .

(مردم شماره 171، سه شنبه 30بهمن ماه 1358)

درگردهم آئی انتخاباتی بزرگ حزب توده ایران

... درقسمت بعدی برنامه ، رفیق **مریم فیروز** عضوکمیته مرکزی وکاندیدای حزب توده ایران برای نمایندگی مجلس شورای ملی ازتهران سخن میگوید، هزاران دهان آواز معطرمهربانی و صداقت راندا میدهند:

درود برشیرزن حزب ما!

رفیق **مریم** از زنان، ازانقلاب، ازمشگلات وازمبارزه سخن میگوید، رفیق **مریم** درگوشه ای ازسخنان خودوصیت نامه هوشی مین را میخواند

« **کوه ها برای همیشه ماندگار هستند**

رودها برای همیشه روان هستند

خلق ما برای همیشه زنده وجاویدان است

آنگاه که ما بر مهاجمین امریکائی پیروز شویم

کشوری ده برابر زیباتر برپا میسازیم »

ورفیق مریم گفت « مردم ایران بر امریکای جهانخوار پیروز شده اند، ولی این پیروزی را باید حفظ کرد. اودرکمین است . ما باانتخاب نمایندگان شایسته می توانیم این وظیفه بزرگ را به انجام رسانیم . تنها با انتخاب نمایندگان دلسوز وفداکار میتوان کشوری صدهابار زیباتر ساخت »

سخنان **رفیق مریم همچنان** « بادرود برشیرزن حزب ما » بدرقه میشود

پیام به امریکا

چه می خواهی توای دزخیم دوران
ازایران سرزمین قهروعصیان؟
زیشتیابی ضحاک خونخوار
نداری شرم؟ شرم بادازاین کار
تو خوددانی که این جلاد تاریخ
گسسته حلقه ی زنجیرشاهی است
که باوبسته شد شهنامه ی ما.
ونامش مرده درتاریخ ما باد
دگرآن روزگاران برنگردد
که بنشیند کسی برتخت بیداد
کنون ایران پیروزسرافراز
زرنج قرن ها آزاد گشته است
دهان بچه های کوچی حتی
بجای خنده پرفریاد گشته است
که روزانفجارخشم وکین است
که ایرانی حماسی آفرین است
شرارسینه ها - آتشفشانهاست
نفس ها شعله ورازسوزجان هاست
که هشیاراست ویداراست ایران
ونبض قرن تیداراست ایران.
تجاوزگربود محکوم تاریخ
جزایش نفرت است و انتقام است
شکستت را چه زودازباد بردی
که جاویدان بیاد ویتنام است
شود بی شبهه جنگ افروز معیون
مکن بازی دگر باآتش و خون

زاله (اصفهانی) آذر 1358

(مردم شماره 209، یکشنبه 24 فروردین ماه 1359)

جشن خلق

جشن خلق . جشن درکارخانه . جشن درمزرعه . جشن در خیابان . جشن برمزارشهیدان .
دستی ازکارگر، بر بازوی دهقان، بازوی دهقان برشانه ماهیگیر.
جشن خلق. جشن در جنوب تهران. جشن در کپرهای بوشهر . جشن در روستای سیستان.
دستی ازفتگر، برشانه بزرگ، بازوی بزرگ برشانه سوزن بان.
جشن خلق. جشن درواحه سوزان یزد، جشن درشالیزار. جشن درباغ های نیشابور.
دست تهران، بر بازوی کرمان. بازوی کرمان برشانه انزلی. دست هادردست ، مشت بزرگ:
- ایران:

جشن خلق. جشن ایران . زیرباران شکوفه های گیلاس.

مادری: پسر تیرباران شد . . . / زنی : شویم در شکنجه گاه / کودکی: پدرم در خیابان و شلیک دزخیمان. . .

صدای خلق :

- مرگ بر امریکا. . .

سرود خلق :

گسست رابطه با شیطان. عشق می ورزیم . پای میکوبیم . شادمانیم .

غریو مردمان:

- برکنیم ریشه امریکا

کارگری : تاکارسرود رهائی بخواند درکارخانه، درمزرعه

زنی: درشالیزار

مادری : تاکپرهای بوشهر بمیرد

سوزن بان: تاقطارها شقایق بیاورند وعشق در ایستگاههای تنهائی گل کند

ومردمان :

– تا آزاد شود ایران

از بیوغ سرمایه

و توده ای . . .

از خلق در میان خلق ، با خلق

پای می کوید، سرود میخواند :

– وطنم ! ایران :

تیرباران شدم تازنده بمانی

خلقم ! کارگر! بزرگرا!

از معبر خونین شکنجه گذشتم

تافتح کنیم باغ های فردا

دستم را بگیر ایران من

همه باهم بخوانیم یکصدا

ایران ، یک دهان:

– مرگ بر امریکا . . . [نام شاعر ذکر نشده است]

(مردم شماره 209، یکشنبه 24 فروردین ماه 1359)

ای بی خیران ، مارا آئینی است !

ای بی خیران مارا آئینی است / آئینی در خدمت انسان و بهروریش / تابناک مانند خورشید، گرما بخش مانند آتش/ با استغنا درویشان و ایتار عاشقان/ باشور پیامبران و قهرمانان.

حقیقت را رها از شائیه سالوس می پرستیم/ عدالت راد دستهای پینه بسته می پرستیم/ زیبایی را در راستای زندگی می پرستیم/ عشق را در پیوند جانها می پرستیم / رزم را بادیوان آدمیخوار/ وفاراد رزم دشوار می پرستیم.

همه جانبازان راه حق در نزد ما مقدسند/ وهمه یاران ستم و دروغ در نزد ما ملعون!

و این ایمان را چشمداشتی نیست/ نه به سکه زر و نه به غرفه رضوان/ نه به کرسی ریاست و نه به تاج پیروزی/ و این ایمانی است چون بنفشه های محبوب / که بخاطر خرسندی خلق / در پای تندیس تکامل نهاده میشود. ا. ط

(مردم شماره 213، پنجشنبه 28 فروردین ماه 1359)

روزبه

خون به کاکل/ می خرامد/ در چمنزاران آتش/ مرد میدان/ مرد افسانه/ سیاوش

برگ و بارش/ مهربانی / روزگارش / داستانی / از تبارش می گریزد/ مرد آتش / بی غل و غش

روزبه / روزش به ازبه / روبه میدانی پراز خوکان فریه/ میروید بامردمانش / « توده » های همزیانش / تافر و آرد/ چو آرش/ سردو سنگین / نیزه بر مرزمانش

بادهایش می رباید/ خاروخس/ خاشاک و خاکستر/ درسرش سودای انسان/ آتشش را شبگزارتر – وین چنین مغرور/ می شود رویین سرودش/ رایتی/ جان بخش و مرگ آور

روزبه/ روزش به ازبه/ بسترش رود مذاب خلق:

بردیوان دیوان/ تاییفروزیش خشم اخگر/ فرود آریش / صیقل خورده جان خنجر **جلال سرفراز**

(مردم شماره 231، یکشنبه 21 اردیبهشت 1359)

بفرمان رهبر، به پیمان حزب سیاوش کسرانی، شهریور 59

سرود آماجگی

ندا میدهد انقلابت که باز/ چراغ نکه دار و آماده باش / به فرمان رهبر، به پیمان حزب/ به پیوند با خلق آزاده باش

سیاه ددان از کران تا کران/ زهرسو گرفته ترادرمیان/ بر این حلقه ننگ و نامردمی/ نگینی ز خون شجاعت نشان

برآور ز داد و زدانش علم/ فراهم کن از خلقها توده ای / که همراه وهمگام و همداستان/ بسازیم فردای آسوده ای

به پیوند این دست و بازوی کار/ بشوریم برفوج سرمایه دار/ نمائیم و پیکاریایان دهیم / دگرگونه سازیمشان روزگار

ممانیم تک قطره های جدا/ در این شط تاریخ ، یکجا شویم/ برآریم از موجهها ؛ موجهها/ گران سنگ و جاوید دریا شویم

وقت است سیاوش کسرانی . 16 مرداد 59

ای توده ، نگارنده تاریخ شیمانید/ وقت است که بازش بنویسیم بیانید/ در پای زحاکنده افرشته بالید/ بس موج بلند که شیمانید، شیمانید/ چون ماه بسی در تک بشیها بنشستید/ امروز چو خورشید بر این بام برآید/ بیدار بمانید و فروزنده جاوید / آخرنه شما چشم و چراغ همه مانید!/ از راه کشایان ، کمروقله گرفتید/ دشمن به کمین است در این تنگ ، بیانید

(مردم ، 303 ، شنبه 18 مردادماه 1359)

راه را باز کنید! سیاوش کسرانی 27 آذر 1359

باشما هستیم من/ سود و سرمایه وسودا به طمع باختگان!/ باشما شعله به بازار در انداختگان/ مردم ومردمی از کالا نشناختگان!

به عبث راه مگیرید به خلق/ در گذرگاه چنین سیلی جاخوش مکنید!/ خوش گرفتید ازین پیش مراد دل خویش/ پس ازین بیهده اندیشه ناخوش مکنید!

کی بود عقل پذیر/ پیرهن برتن توفان کردن؟/ به کمندی کت امواج خروشان بستن؟/ گردبادی به قفس افکندن؟/ باحرقی را درمشت به دام آوردن؟!/ از شمایان، همه، می پرسم من. بروید!/ بانگ و فریاد به جای دگر آغاز کنید!/ خلق ازین راه گذردارد، ای!/ باشما هستیم من/ راه را باز کنید!

(مردم شماره 400، یکشنبه 30 آذر ماه 1359)

کاروان امید سایه

کج بودی ای کاروان امید؟ که عمری دلم انتظارت کشید

از مغان به حزب توده ایران

ای رهسپران بارگاه مهر/ ای پرده دران سحراهریمن/ درمقدمتان فشانده تریادا! کلخنده پرسپاس مردوزن/ کاندررھتان به شوق افشانند.

این راه درازرا نهایت نیست/ وین کوره همی شود فروزان تر/ این لبلل نکته دان خوش آواز!/ ای مژده سراک روزرخشان تر؟ / این خلق بتو امیدها دارد.

بنای ره نبرد را برمن/ بپذیرمرا به سلک یارانت/ دردل نبود مرا جزاین امید/ کزبرتورهگشای ایمانت: / شایسته نام « توده ای » کردم.

بدخواه ترا مجال افسون نیست/ امید ستمگران رودبرباد/ توشادشوی وخصم نافرجام/ باشوق زدل برآوردم فریاد/ چون می شنوم پیامت از« مردم » .

درهممه تلاش هستی ساز/ درخامشی بزرگ کوهستان/ درسینه هرجوان ایرانی/ پیچید به شکوه وشوری پایان/ آوازه حزب توده ایران .

رئوف _ رشت _ آبان 59

(مردم شماره 422، یکشنبه 28 دیماه 1359)

قصیده دراز راه رنج تا رستاخیر سیاوش کسرانی ، آذرماه 1357

ازخانه بیرون زدم/ تنها/ که درخود نمی گنجیدم/ چنانکه جمعیت درخیابان و/ خیابان درشهر/ نه / دلکاسه ، حوصله ی دریا نداشت

جانوری بودم/ شاید ازدهائی/ که دهانم / درکاربلعیدن«شهید» بود و/ دمم/ «بل چوبی» را نوازش میکرد/ های های/ افسانه ازواقعیت جان میگرفت

هرگام/ ازهرگوشه ی شهر/ برراهی واحد میدوید/ پاهای، فرشی تازه می بافت : / قالی تاریخ

نوپائی و نوزبائی/ کالی درکردار/ ورزش سبک برآمدن/ باهم آمدن/ امادرمجموع/ سماع جادویی اتحاد/ مزارع سیاهپوش آدمی/ باغچه مشتهای سفید و/ سرود سرخ / شهادت برپرچم و / کینه/ درشعر میگردد/ پیری درپیاذه رو میگریست و / آینده/ دست دردست پدر/ یابرسینه مادر/ همراه میآمد

دیوارها/ دفتروقایع وآرزوبود و/ آتشناه های خلق

بصف میرفتیم که صف شدن را/ بسالیان/ تومان آموخته بودی:/ هرسپیده دمان درصف تیرباران شدگان / به نیم شبان درصف

زندانیان/ به نیمروز درصف طویل ملاقات کنندگان/ بشامگاهان درصف خواریار/ وهرگاه و بیگاه درصف نفت/ واینک صف درصف / برابر تو بودیم ای مردمی شکن!

توده ی تیره ای بودیم/ خال کبودغم/ برگونه شهر/ ودربرابردشمن سربیی/ کوره ای گذاخته ازخشم/ نه تیری برای کشتن/ اما گرمائی بکفایت برای ذوب کردن

گرچه بسوگی عظیم / برخاسته بودیم / ولی حضورهمگان/ شادی آورده بود/ شورآورده بود/ درکربلای حاضر/ حسین / نه مرثیه که حماسه میخواست

به کربلای تو آمدم / حسین ! / نه بدان گذرگاه که امتی اندک/ باتواماندند و/ ماندگارشدند/ باتو آمدم بدان مهلک/ که معبرملتی است/ ونه بدین تو/ که بآئین تو/ ازسرداقت / بشهادت

باتوآمدم / تا عاشورا را باعشاربرم/ بعشرات برم/ تااین گلگونه را / درشت کنم/ درشت ترکتم/ وشنلی ازخون برآرم / شایسته اندام بمردم

درمن بنگر حسین !/ نفتگرم/ خدمتکارم/ آموزگارم/ طواف و باربرم/ قلمزن واندیشه گرم/ نهال نا زک انده نه / درخت خون/ ازربشه ی سهمگین حسرت.

درپیگیری رد خون ، حسین ! / به کسان رسیدم/ به بیاران/ تا شبنم سرخ تو نیز/ برمن نشست و شگفتم/ واینک / راهی دراز بایدمان رفتن/ نه ازبل به میدان / ونه ازمدینه بکوفه وکربلا / راهی ازرنج تا رستاخیر/ ازستمشاهی تابرداری .

تتها رفتم و/خلقی بیخانه بازآمدم/ گندمی/ که درغلف لاغرخویش/ خرمنی باخویش آورد.

بخش دهم : اندرباب شوخی با تاریخ !

یاد هزاران شهید فرقه دمکرات آذربایجان گرامی باد!

21 آذر 1324 روزقیام خلق آذربایجان برای دفاع ازآزادی، استقلال وتمامین ارضی ایران، صفحه ای دررخشان درتاریخ جنبش رهائی بخش ضدامپریالیستی ملت ایران

(مردم شماره 115، چهارشنبه 21 آذر ماه1358)

مردم شوروی خاطره دکترمحمد مصدق را گرامی میدارند

رادیو مسکو، دربخش فارسی خود، بمناسبت سالروزدرگذشت دکترمحمد مصدق گفتاری پخش کرد

(مردم شماره 187، یک شنبه 19اسفند ماه 1358)

پیام تبریک لنوئید برژنف به امام خمینی

به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک میان اتحاد شوروی وایران

(مردم ، 239، سه شنبه 30 اردیبهشت ماه 1359)

رفیق فرانتس موری ، صدرحزب کمونیست اطریش درمصاحبه با نامه مردم :

حزب کمونیست اطریش عمیقاً ازانقلاب ایران دفاع میکند

[بدنیست بدانید که حزب کمونیست اطریش چیزی حدود 1% جمعیت 7 میلیونی اطریش عضو دارد!]

(مردم ، 329 ، چهار شنبه 19 شهریور 1359)

بخش یازدهم : اندرباب پایان خواب وخیال « پدرکیا»

درسی وهشتمین سالروزتاسیس حزب توده ایران و آغازانتشارمجدد « مردم » توسط مردم

دفتر « مردم» گلباران شد

دفتر « مردم» درحضوررفیق نورالدین کیانوری دبیراول کمیته مرکزی حزب توده ایران وعده ای ازاعضای هیئت سیاسی وکمیته مرکزی، توسط نماینده دادستان کل انقلاب گشوده شد

(مردم شماره 58، شنبه 14 مهرماه 1358)

بمناسبت باز شدن دفتر « مردم » برانرغزل مشهورمولوی

بازگشائی

ای توده کجائید؟ بیائید! بیائید!

برخانه خود دربه گل و نقل گشائید!

شد باردگرتوبت شادی من وتو

غم ازبرمارفت وستم دیرنهایتید

یاران خطرکار، دگرباره رسیدند

وقت است کزاین غربت جانسوزدرآئید!

گرچند گهی صحبت «مردم» نشنیدید

امروزبه همخوانی او نغمه سرانید!

ازیارخواهید یکی شمع شب افروز

برراهروان دل شب، راه نمانید! 9 مهر 1358

(مردم شماره 60، دوشنبه 16 مهرماه 1358)

سرود دریا سیاوش کسرانی

چرا نیالم/ چرا نتوفم/ چرا نتامم/ چرا بال موج برنکم !؟/ اینک که ازهرساحلم/ باآزمیخوانند/ اینک که ازهرکرانه / بازوی هزاران جویبار و شط / عاشقانه/ درمن گره میخورد!؟

(مردم شماره 121، چهار شنبه 28 آذرماه 1358)

اینست منطق ضدانقلاب!

بمب گذاری ضدانقلاب دردقترحزب توده ایران دراراک

(مردم شماره 124، یک شنبه 2 دیماه 1358)

اطلاعیه دبیرخانه کمیته حزب توده ایران

علیه تجاوزه دفتر « مردم » به شدت اعتراض میکنیم

ساعت 2 بعد از نیمه شب دوشنبه 10 دیماه، سه وسیله آتش زا بسوی دفتر «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران ومحل دبیرخانه حزب _ خیابان 16 آذرشماره 68 _ پرتاپ شد. یک بطری دارای مواد محترقه بدیواراصابت کرد وزیانی بیانیاورد. یکی دیگر روی بالکن مشتعّل شد وسیمهای تلفن راسوزانید و سومی پنجره اطاقی راشکست وروی میزکارافتاد واسناد وکاغذهاویکدستگاه تلفن را طعمه حریق ساخت و به درودیواروسایروسایل زیانهائی وارد نمود

دراین واقعه ما دست جنایتکار ساواکی ها را می بینیم که امروزه به لباسهای مختلف درآمده اند وبانامهای گوناگونی علیه نیروهای پیگیرضدامپریالیستی عمل میکنند.بنابه سابقه موجود،همدستی وهمزبانی برخی ازگروهکهای مانوئیستی، که آبروی نداشته خودرا بر باد می بینند وازگسترش روزافزون نفوذ حزب توده ایران درمیان زحمتکشان و پیروزی اندیشه های اصل وراستین انقلابی سخت نگران شده ودچارخشم عاجزو دیوانه کننده ای گردیده اند، درچنین حوادث جنایتکارانه غیرمحتمل یا عجیب نیست ...
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران 10 دیماه 1358

(مردم شماره 132، سه شنبه 11 دیماه 1358)

3 رفیق توده ای را به « جرم » فروش نامه « مردم » دراهواز 75 ضربه شلاق زدند

حزب توده ایران ضمن ستایش ازاصولیت، بردباری، مقاومت وهشیاری سه رفیق توده ای بشدت به این حکم غیرقانونی اعتراض میکند.

(مردم ، شماره 253 ، یکشنبه 18 خرداد ماه 1359)

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران :

بمناسبت حمله واشغال دبیرخانه حزب توده ایران

دیروز، روز سی ام تیرماه، سالروز قیام متحد نیروهای خلق وبه ویژه عمل متحد توده ایها ومبارزان مذهبی علیه توطئه امریکائی انگلیسی دربار طاغوت ، دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ومركز سازمان جوانان ودانشجویان دموکرات ایران مورد حمله وچاپاول قرار گرفت

افغانهای وابسته به گروههای امریکا نی _ افغانی وگروهک ضدانقلابی _ مانوئیستی حزب رنجبران دراین توطئه شرکت فعال داشتند.

حمله و تخریب دفتر مرکزی سازمان جوانان ودانشجویان

(مردم، شماره 290، چهار شنبه 1 مردادماه 1359)

محل دفترنامه مردم فعلا دراشغال عناصرغیرمسئول است

(مردم شماره 303 شنبه 18 مرداد 1359)

کاخ بیداد را زبن کنسیم

خانه حزب را کنیم آباد

کمک به خانه حزب:

ارسلان ازتنگ دره 3000 ریال

یعقوب پور 10000ریال

جمع آوری پول برای ساختن خانه حزب توده ایران

محل دفترنامه « مردم » فعلا دراشغال عناصرغیرمسئول است

(مردم شماره 308، شنبه 25 مردادماه 1359)

حمله به دفاتر حزب توده ایران را متوقف کنید

...مقصود ازاین حمله، تخریب وغارت دفاترسازمانهای حزب توده ایران _ حزبی که بااستواری وپیگیری درپشتیبانی صادقانه ازانقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، هرگونه تهمت وافترا، هجوم وتعرضی ازراست و« چپ» را تحمل کرده است، چیست، انهم هنگامیکه دشمن اصلی ما، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا تدارک گسترده توطئه تجاوزجذی نظامی علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران را دیده است ؟ آیا این حملات مداوم خود بخشی ازهمین تدارکات زمینه توطئه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران نیست !؟...

دفترنامه « مردم هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم شماره 323 یکشنبه 11 شهریورماه 1359)

حزب توده ایران « خانه تیمی » ندارد

اخبار و شایعاتی انتشار می یابد که در وضع حساس کنونی، پاسخگوئی به آنها را وظیفه ای ضروری می بینیم.

محافل و منابع معینی، دانسته ویا ندانسته، میکوشند به حزب توده ایران برجسب هرج و مرج طلبی و توطئه گری بچسباندند، برای نمونه دوماطلب زیر را، که متاسفانه هر دو ی آنها در روزنامه « جمهوری اسلامی » منتشر شده ، نقل میکنیم.

مطلب اول : « یک گزارش دیگر از خبرگزاری پارس در بندر ریگ حاکی است که بعد از ظهر پرویز نیردرا بن بدر میان هواداران مجاهدین خلق ، حزب توده و چریکهای فدایی خلق از یکسو و جوانان مسلمان از سوی دیگر زد و خورد شدیدی روی داد، در این درگیری چند تن بوسیله سنگ و چماق و چاقو مجروح شدند ...» جمهوری اسلامی 10 شهریور 59

مطلب دوم، که زیر عنوان « کشف خانه تیمی حزب توده » منتشر شده ، چنین است :

« روابط عمومی دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای اعلام داشت، بحکم دادستانی کل انقلاب اسلامی انتشارات پویا و انتشارات رزم واقع در خیابان انقلاب خیابان فخر رازی - بن بست فرهاد پلاک 33 که از پایگاههای حزب توده بوده و در لوای انتشارات از این محل بعنوان خانه تیمی نیز استفاده میشده، توقیف گردید » جمهوری اسلامی 11 شهریور 59

مطالب دیگری نیز با همین روح در جاهای دیگر انتشار یافته است، که برای رعایت اختصار تنها به ذکر نمونه فوق اکتفا کردیم

اطمینان داریم که مسئولان متعهد امور مملکتی و توده های وسیع مردم آگاه و هشیار و پیدار ایران، که طی مدت 19 ماه پس از انقلاب در عمل و تجربه روزمره خود با موضع روشن و سیاست حزب توده ایران آشنا گشته و حتی الفت و انسیت گرفته اند، شایعات و اخباری اساس از قبیل نمونه هایی که در بالا ذکر شده را بهیچوجه باور نمیکنند و حتی به آن میخندند. ولی بهرحال لازم می آید مطالب زیر را با دیدی باصراحت تمام و قاطع اعلام نماییم که : **حزب توده ایران در هیچ بلوا و عوغا و آشوبی شرکت نکرده، نمیکند و نخواهد کرد، و خبر شرکت در زد و خورد و خبر « کشف خانه تیمی حزب توده» مطلقا حقیقت ندارد و نمیتواند داشته باشد ...** حزب مادر همه جا و حتی در مناطقی چون کردستان، که همه امکانات برای هر خرابکاری بدون مجازاتی آماده است، یگانه حزب و نیروئی است که در زیر شدیدترین مخاطرات و گلوله های ضد انقلاب، مردم را به همبستگی با جمهوری اسلامی ایران، افشا و طرد ضد انقلاب و پایان مقابله و مخاصمه با جمهوری اسلامی ایران فرا میخواند..... حزب توده ایران، همه اعضا و هواداران حزب ما، در همه جا دوش بدوش نیروهای اصیل انقلابی، نهادهای انقلابی و همه مسئولان متعهد جمهوری اسلامی ایران پاسدار قانون و نظم انقلابی، تفاهم و اتحاد و همبستگی انقلابی بوده و هستند . ما وظیفه مقدس تاریخی خودمان را میدانیم و همگان باید اطمینان داشته باشند که حزب پرافتخار ما، در همه شرایط و اوضاع و احوال، از صراط المستقیم دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حتی یک طرفه العین منحرف نخواهد شد

(مردم شماره 324 یکشنبه 12 شهریورماه 1359)

تیتراهای نامه « مردم » شماره 327:

کارزار دروغ و پرهتان علیه حزب توده ایران را متوقف کنید

توسط اشخاص متفرقه ! دفتر نشریه کارگری « اتحاد» اشغال شد .

دستگیری سه توده ای در بندر ديلم بعلت کشف نشریات یک سازمان سیاسی دیگر!

راديو، از زبان کيهان، علیه حزب توده ایران

نامه آقای محمود اعتمادزاده (به آدین» صاحب امتیاز و مدیر روزنامه « اتحاد مردم ») به دادستان کل انقلاب، در اعتراض به اشغال دفتر این روزنامه توسط افراد غیر مسئول

دستگیری ده تن اعضا و هواداران حزب توده ایران در اراک

تشنج و درگیری در کسماء نیز سرایت کرد و دفتر حزب توده ایران در شهرستان کسماء اشغال شد

نامه « مردم » روز دوشنبه 17 شهریور 59، بمناسبت سالگرد جمعه خونین منتشر نمیشود

دفترنامه « مردم» هنوز در اختیار نامه « مردم » نیست

(مردم شماره 327 یکشنبه 16 شهریورماه 1359)

کارزار ضد توده ای: بسود امپریالیسم امریکا، برهبری امپریالیسم امریکا، و مقدمه اجرای توطئه امپریالیسم امریکا است .

هشدار مابه عناصر ناآگاهی که در این کارزار شرکت دارند، اینست که : در دام کارزار ضد توده ای نیفتید و ناخواسته به دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کمک نکنید!

...**امیرانتظام** که معتقد بود « **حزب توده ایران به موجب قوانین موجود (قوانین شاهنشاهی) غیر قانونی است و تا این قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند**»

همان کسی است که جاسوس سیا از کار درآمد و خشم میلیونی مردم ایران را بدلیل تلاش برای کشتادن انقلاب ایران به راه سازش با امپریالیست، علیه خود برانگیخت

نیزه که آرزوئی جز پایمال ساختن استقلال ایران و آزادی مردم ایران بسود اربابان جنایتکار امپریالیست خود ندارد، اعلام میکند که : « **اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خمینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد!**»

بختیار، عنصر خود فروخته و سرسپرده ای که توسط مردم انقلابی ایران، از کشور بیرون رانده شد؛ میگوید: « **بعد از اینکه بقدرت برسم (!) اولین خصم من حزب کمونیست توده است** » و « **اگر بقدرت برسم، تمام احزاب را آزاد خواهم گذاشت، مگر حزب توده که انرا نابود خواهم کرد** » و « **حزب توده نماینده مسکواست** » ایران تا یمن 20 مرداد 59

(مردم شماره 336 پنج شنبه 27 شهریورماه 1359)

نگذارید چماقداران جمهوری اسلامی را بی اعتبار کنند

گروهی اشخاص بی مسئولیت، که عمل آنها برای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است. برخلاف تاکیدات امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول، همچنان به اشغال خانه حزب ما و دفتر نامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز فروش نشریات حزب در شهرستانها ادامه میدهند

امام خمینی میگوید:

س: شما حزب کمونیست را غیر قانونی میدانید؟

امام خمینی: حکومت اسلامی ما متکی به آرای عمومی خواهد بود و همه احزابی که برای مصالح ملت کار کنند، آزاد خواهند بود. از مصاحبه امام خمینی با خبرنگار گاردین 10 آبان 1357

س: در جمهوری اسلامی آیا حزب کمونیست آزاد خواهد بود؟

امام خمینی: اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است . در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند. از مصاحبه امام خمینی با روزنامه هلند « دی ولت کرات » 16 آبان 1357

س: در مورد آزادیهای دموکراتیک، میخواهیم بدانیم آیا کمونیست ها و مارکسیست ها آزادی اظهار عقیده و بیان خودشان را دارند یا نه ؟

امام خمینی: دولت اسلامی یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی هست ... و هر کس میتواند اظهار عقیده خودش را بکند... و دولت اسلامی همه منطبق هارابا منطبق جواب خواهد داد از مصاحبه امام خمینی با گروهی از خبرنگاران غربی، 18 آبان 1357

س : آیا در حکومت اسلامی، مارکسیستها آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده دارند؟

امام خمینی: در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده ای هستند، ولیکن آزادی خرابکاری ندارند. از مصاحبه امام خمینی با نماینده سازمان عفو بین

امام خمینی : هنگامیکه حکومت اسلامی در ایران ایجاد شود، مارکسیستها آزاد خواهند بود خواسته های خود را بیان کنند، اما آزادی توطئه علیه کشور را نخواهند داشت پاسخ **امام خمینی** به خبرنگار روزنامه لبنانی اللوا، کیهان 26 دی 1357

س: آیا احزاب آزاد خواهند بود؟

امام خمینی : احزاب وهمه مردم آزادند، مگر حزبی که مخالف مصلحت مملکت و مردم باشد اولین مصاحبه **امام خمینی** با خبرنگاران ایرانی، کیهان 3 بهمن 1357

آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد می باشد، و لکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمیدهند از پیام **امام خمینی** چهارشنبه 9 اسفند 1357

آزادی بیان هست هرکس هرچه میخواهد بگوید. آزادی بله و توطئه نه . . . سخنرانی **امام** در گورستان بقیع قم 19 اسفند 1357

پس چرا؟

امام خمینی زبان گویای توده های میلیونی، تاکید امام بر آزادی مارکسیستها؛ یاران انقلاب، در مصاحبه های متعدد، بیان خواست مردم انقلابی است

قول **امام خمینی** ، وثیقه انقلاب است، قوی که قانون اساسی هم بر آن صحنه میگذارد و تائید میکند.....

ما با زهم می برسیم : با وجود تاکیدات مکرر امام خمینی، تصریح قانون اساسی و سخنان مقامات مسئول چرا « اشخاص متفرقه » اجازه می یابند به اشغال ها و حمله های خود ادامه دهند ؟

ما با زهم میخواهیم : هرچه زودتر خانه حزب ما و دفتر نامه «مردم» در تهران و دفاتر و مراکز نشریات حزب را در شهرستانها به ما پس بدهید

(مردم شماره 336 پنجشنبه 27 شهریورماه 1359)

دفاتر حزب توده ایران را باز پس دهید

تا امکان دفاع حزب ما از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گسترش یابد

قریب به 3 ماه از اشغال غیرقانونی دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، دفتر مرکزی نامه « مردم» در تهران و نیز دفاتر حزب و نامه « مردم» در شهرستانها میگذرد، ولی متأسفانه علیرغم مخالفت جدی و صریح مسئولین درجه اول جمهوری ایران باین اعمال غیرقانونی، هنوز «حق به حقدار» نرسیده است و هنوز دفاتر حزب توده ایران که هیچگونه ایراد قانونی به فعالیت آن وارد نیست، در اختیار حزب توده ایران قرار نگرفته است ...

حزب توده ایران علیرغم توطئه های ضد انقلاب و با تحمل دشواریهای فراوان توانست توطئه های امریکا و رژیم صدام حسین و دیگر دستیاران امپریالیسم امریکا را مرتباً افشا کند و اخبار آنرا در اختیار مسئولین جمهوری اسلامی ایران قرار دهد... شرط انصاف، صداقت انقلابی و تعهد نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایجاب میکند که هرچه سریعتر اماکن حزب و نامه « مردم» در تهران و شهرستانها به حزب توده ایران باز پس داده شود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق

کارگران مبارز ایران! در یکدست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه از میهن انقلابی دفاع کنید

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

(مردم شماره 357 سه شنبه 22 مهرماه 1359)

سه عضو حزب توده ایران در میان دو آب آزاد شدند

سه رفیق توده ای را در تهران آزاد کنید

سه هوادار حزب توده ایران دریم را آزاد کنید

دفتر نامه « مردم» هنوز در اختیار نامه « مردم» نیست

(مردم شماره 412، سه شنبه 16 دیماه 1359)

3 هوادار حزب توده ایران دریم آزاد شدند

ماضن ابراز خوشحالی از آزادی این رفقا، خواستار اتخاذ تدابیری برای ممانعت از وقوع مجدد این حوادث، که به زبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام می شود، هستیم

دفتر نامه « مردم» هنوز در اختیار نامه « مردم» نیست

(مردم، شماره 416، یکشنبه 21 دیماه 1359)

دفاتر حزب توده ایران را باز پس دهید

نزدیک به 6 ماه از اشغال دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر مرکزی نامه « مردم» توسط عناصر غیرمسئول می گذرد.

(مردم شماره 418، سه شنبه 23 دیماه 1359)

خانه حزب توده ایران را بازگردانید.

عناصر « مغرض » باید به مجازات قانونی برسند و افراد « نادان» باید هدایت شوند

(مردم شماره 332، یکشنبه 23 شهریور 1359)

تسلیت : ضایعه اسف انگیز درگذشت فرزند حجت الاسلام محمد مجتهد شبستری نماینده محترم مجلس شورای اسلامی را به ایشان و خانواده محترم شبستری صمیمانه تسلیت میگویم

(صفحه اول مردم شماره 333، دوشنبه 24 شهریور 1359)

رفقای توده ای ما را در کردستان آزاد کنید

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا ، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چریک ها با پای لنگ به دنبال مارکسیسم

شناخت دشمن اصلی - امریکا - مهمترین ویژگی خط امام

(مردم شماره 335، چهارشنبه 26 شهریور 1359)

دفتر نامه « مردم» هنوز در اختیار نامه « مردم» نیست

(مردم، 337، شنبه 29 شهریور ماه 1359)



بخش دوازدهم : آخر خط !

آبان ماه 1359

پس ازدو هفته « مردم » باردیگرا اجازه انتشار یافت. قطب زاده در 17 آبان بازداشت شد. این بار گفته شد که حزب اسنادی در افشاء او ارائه داده است ... در حوزه حزبی رفیقی گفت: « جانمی جان، زور مابه قطب زاده چربید، دیگر چیزی نمانده ! یک کم دیگر جای پایمان را سفت کنیم ، بعد یک کودتائی، چیزی ... بعدش هم شوروی را می گوئیم بیاید. مثل افغانستان... به به!

قطب زاده پس از سه روز آزاد شد (جزوه « **باگام های فاجعه** » ف. شیوا ، از انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز 1368، آلمان غربی)

یکشنبه 17 بهمن ماه 1361 شمسی

درامداد دردل سیاهی شب که هنوز به صبح نپیوسته بود، بطور همزمان به خانه های اعضای رهبری و کادرهای اصلی حزب پورش آوردند و عده بسیاری را دستگیر کردند. در ساعات صبح همه دفاتر و محل کار شعبه ها و نواحی حزب نیز تسخیر و ضبط شد و کارکنان آنها دستگیر شدند (جزوه « **باگام های فاجعه** » ف. شیوا ، از انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، پائیز 1368، آلمان غربی)

[در تابستان سال 1367 هزاران تن از زندانیان سیاسی در زندان های ایران و منجمله «زندان اوین» بدون محاکمه و تنها به جرم وابستگی به سازمان های سیاسی چون مجاهدین ، فدائیان خلق (اقلیت و اکثریت) ، سازمان های مائوئیستی، و مخالفت با رژیم اسلامی خلق آویز و یادرزیر رگبار مسلسل جان سپردند... **روانشان شاد باد**

در میان این لشکر عظیم زنان و مردان بیگناه تعداد زیادی افراد توده ای نیز دیده میشد. این گروه که تعدادشان هم کم نبود برخلاف بقیه، سردعوا با رژیم اسلامی نداشتند و تالظه دستگیری بی چون و چرا از جمهوری اسلامی و رهبران آیت الله العظمی خمینی (امام خمینی) تبعیت میکردند.

من برای گمانم که اکثر آنان تا آخرین ثانیه حیات ، حتی نمیدانستند که چرا و برای چی فدا میشوند و جان میدهند

روانشان شاد باد.]

اسامی تعدادی از اعضای حزب توده ایران که در زندان های جمهوری اسلامی خلق آویزیا تیرباران شدند:

کیومرث زرشناس

منوچهر بهزادی

سیامک بهزادی

مهرداد فرجاد

عبدالحسین آگاهی

ابوالحسن خطیب

اسماعیل ذوالقدر

حجری بچستانی

مهناز ارشدی

خسرو اسدی

ابوتراب باقرزاده

محمد پورهرمزبان

دکتر جعفر جاوید فر

حسن جودت

جهانگیر جهان بخش

ابراهیم چاووشی

عباس حجری بچستانی

گاگیک (آوانسیان)

هدایت الله حاتمی

دکتر احمد دانش

اصغر محبوب

تیموراوندی

آصف رزم دیده

ناصر شاهسوند

فرج الله میرانی (جوانشیر)

امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین)

رحمان هاتفی

وصدا تن دیگر

درویت سایت یا « وب نوشت های مسعود برجیان www.borjian.net/2006/09/blog-post.html **چنین آمده است:**

« پس ازآنکه یکی ازافسران اطلاعاتی روسیه بنام کوزیچکین به غرب پناهنده شده بود. اطلاعات ارائه شده توسط او درباره عملکرد سازمان جاسوسی شوروی و حزب توده ، توسط سازمان جاسوسی انگلیس به پاکستان داده شدوازاین طریق به دست ایران رسید. باین وجود، پنج ماه (مهرماه تا بهمن 61) طول کشید تا برخورد عملیاتی باحزب توده آغازشود. پس ازاین موج (که به ضربه اول مشهورشد) دومین عملیات گسترده دراردیبهشت 62 انجام گرفت وبسیاری ازفعالان حزب توده را به دام انداخت (ضربه دوم) .حزب دراین فاصله، همچنان زیرنظربود وفعالیت هایش رصد میشد. **درواقع فعالیت های حزب توده اززمان کشف اسناد سازمان مخفی حزب درخانه ی مهدی پرتوی(رئیس سازمان مخفی حزب) درسال 58 زیرنظربود.** حزب توده به جز سازمان مخفی، سازمان نظامی خودرا نیزحفظ کرده بود. این سازمان پس ازانقلاب موفق به جذب ناخدا افضلی، فرمانده نیروی دریائی ارتش جمهوری اسلامی شدکه درآذرماه 1362 محاکمه ومحکوم به اعدام شد. پیش ازمحاکمه ی او چندتن ازسران حزب دراردیبهشت 62 درسیما ظاهرشده وبه خطاهای خویش اعتراف کرده بودند؛ محمد علی عموتی (عضو ارشد سازمان نظامی حزب)، محمود اعتمادزاده معروف به «به آذین» (ازروشنفکران عضو حزب که چندی پیش درگذشت) واحسان طبری (نظریه پردازارشد حزب) ازجمله ی این افراد بودند. سران حزب حتی دردادگاه علیه یکدیگردست به افشاگری میزدند وهمدیگرا وادار به اعتراف میکردند. ناخدا افضلی درپی افشاگری های مهدی پرتوی دردادگاه، ناچارمجبوربه اعتراف شد.

درپی این دوعملیات گسترده؛ سران حزب محاکمه شدند. ناخدا افضلی اعدام شد. کیانوری دبیراول حزب ونواده ی شیخ فضل الله نوری به زندان وپس ازآن به حبس خانگی ناپایان عمربه همراه همسرخود مریم فیروتن داد.

احسان طبری نظریه پرداز ارشد حزب درطی سالیان بعد به اعترافات خویش ادامه داد وچندین کتاب درنقد مارکسیسم و حزب توده ودفاع ازاسلام وانقلاب اسلامی نوشت.

پرونده حزب توده نیزدراردیبهشت 1362 برای همیشه بسته شد «

* * *

[نورالدین کیانوری، محمد علی عموتی، محمد مهدی پرتوی، حسن قائم پناه، مریم فیروزپس ازاعدام های دسته جمعی زندانیان سیاسی اززندان آزاد شدند. کیانوری تاسال 1370 درزندان اوین بازداشت بود، پس ازآن تاسال 1375 درآپارتمانی به همراه همسرش تحت مراقبت ویژه قرارداداشت وبعد ازسال 1375 باآزادی کاملی بمنزلش درخیابان سنائی بازگشت.

« ازمصاحبه محمد علی عموتی با روزنامه عصرآزادگان و آفتاب امروز»

کیانوری درتاریخ 14/8/1378 درتهران فوت کرد وپرونده « آرسن لوپن » حزب توده موقتا(!) بسته شد.

احسان طبری متولد 1295درساری ، درتاریخ 1368 شمسی درس 75 سالگی بمرگ طبیعی فوت کرد

حمید صفری، حبیب فروغیان، ژبلا سیاسی، درخارج ازایران بسر میبرند، شمس الدین بدیع توانست بموقع تهران راترک کند ، بدیع افسرنیروی هوائی بودو دروقایع آذربایجان وشکست فرقه دموکرات (1325) به شوروی پناه برد واوایل انقلاب با کارنامه کلاس چهارم دبستان (بجای گذرنامه) واردتهران شد وبه هنگام یورش به حزب توانست بموقع باکمک قاچاقچیان ازمرزبازرگان ازایران خارج شد، چندسالی درمسکو بسربرد وبعد به همسر – ژاله اصفهانی – ودو پسرش درلندن پیوست و درهفتم ژانویه 2006 درس 85 سالگی درخانه سالمندان درگذشت؛ قابل ذکراست که دکتربدیع و کیانوری هیچ زمان باهم میانه خوبی نداشتند و بدیع جدا ازبندنه کمیته مرکزی ودرزیرچتر(مقامات شوروی) فعالیت میکرد و درتهران هم بهمین نحوفعال بود، سیاوش کسرائی ازراه افغانستان به مسکوفرت، درمسکوطاقت نیاورد وبه وین به همسرش پیوست ودرژانویه 1996 پس ازجراحی قلب دربیمارستان وین فوت کرد

برای اطلاعات بیشتر از هجوم رژیم به حزب توده ودستگیری رهبران حزب به جزوه« **باگام های فاجعه**» ازف .شیوا، ازانتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران رجوع کنید.

بابک امیرخسروی و فرهاد فرجاد دوتن ازاعضای کمیته مرکزی حزب و عضو« باند کیانوری» تاآخرین لحظه بر خط مشی فاجعه آور حزب صحه میگذاشتند.

بابک امیر خسروی قبل از دستگیری ها برای معالجه به خارج ازکشورآمد، فرهاد فرجاد مسئول حزب دراصفهان وازشیفتگان خاص « پدرکیا» توانست برخلاف برادرش مهرداد فرجادکه دستگیرو تیرباران شد، ازایران خارج شود ، این دو بعد ها دراروپا ازتتمه حزب انشعبا کردند و حزب «دموکراتیک مردم ایران» رابریاکردند.

نکاتی ازجزوه « با گام های فاجعه »:

11 مرداد 59

کیانوری درحاشیه جلسه « پرسش و پاسخ » درپاسخ رفیقی که درباره علل حمله به دفترحزب می پرسید، ازجمله گفت:

... به دلیل سالها تبلیغات منفی دشمن، اینها حق دارند که ازما وحشت داشته باشند وبه ما اعتماد نکنند، وقتی که می بیند ما می توانیم شبکه مهمی مثل شبکه نوزه را بشناسیم وخبربدهیم، ازقدرت وامکانات مابه وحشت می افتند وبه تحریک بعضی ازدست اندرکاران به فکر می افتند که ادامه فعالیت های مارامحدود کنند. درجریان افشاء همین کودتای نوزه، ما مجبور شدیم دوتاازمهره های مهم مان را، دونفرآزرفقای ارزنده را قربانی کنیم و لودهیم تا باورکنند که ماراست می گوئیم . مدام فشار می آورند و می گفتند اطلاعات شما کجاست وازکجا می دانید. این دورفقی را هم گرفتند وبکی راهنوز آزاد نکرده اند

بهمن 59

درجلسه حوزه حزبی رفیقی دربحث با رفیق دیگری که ازیک رهنمود ابراز نارضایتی میکرد؛ گفت :

رفیق ! شما اصلا میدانید حزب یعنی چی ؟ کارحزبی چگونه است ؟ مرکزیت دمکراتیک به چه معنی است ؟ این دیگر برما مسلم است که رهنمودی که ازبالا می آید، مقدس است. مثل فرمان نظامی است . لازم الاجراء است . باید باجان ودل په دنبال اجرای آن رفت. دیگر ایراد گرفتن چه معنی دارد؟ آن بالا، رفیق، رهبری حزب طراز نوین طبقه کارگر است . شوخی که نیست ! مغز متفکرهدایت کننده حزب است. انجا رفقا همه چیز را می دانند وهمه چیز را می بینند. خردجمعی که میگویند یعنی همین ! یعنی همه اطلاعات آن بالا جمع میشود، رفقا تصمیم میگیرند وبعد رهنمود لازم را صادر میکنند. اگر زمانی نکته ای بود که برای ما روشن نبود، باید حتم بدانیم که اشکال ازخود ماست وگرنه رفقای رهبری برتمام مسائل آگاهند. خودشان همه چیز را میدانند . باید فکرکنیم که حتما علتی دارد که رفقای رهبری فلان تصمیم را گرفته اند واین علت را ممکن است لازم نباشد که ما بدانیم. اصلا خیلی وقت ها این طور پیش می آید که لازم نیست ما خیلی چیزهارا بدانیم .

اسفند 59

سردبیرمجله« جوانان امروز» را باهمراهی یک عکاس ازموسسه اطلاعات به منزل سیاوش کسرائی بردم تا باکیانوری مصاحبه کند. درمیان بحث سردبیرگفت:

فکر میکنم شما مسلمان شده اید، یا شاید من دارم به عقاید شما نزدیک میشوم .

مهر60

طبری گفت : من فکر میکنم که امپریالیسم دارد آخرین نفس های خودرا می کشد وبرای همین اینقدرهار و عصبی شده است . احساس من این است که درمیانه همین دهه 80 یا حداکثرتاسال نود کم کم طلیعه های جهان بدون امپریالیسم را خواهیم دید .

آبان 60

حزب برای تأمین امکان ادامه فعالیت علنی ، فهرست اسامی اعضا رهبری (منتخب پلنوم 16 وآن عده که درجریان مبارزات انتخاباتی درنشریات حزبی معرفی شده بودند)

آذر 61

یکی از افراد نزدیک به یکی ازعالیترین مقامات دولتی خواستار ملاقات با طبری شد. طبری را به خانه ای بردم تا با او دیدار کند. پس از دیدار، در راه بازگشت طبری گفت :

این یکی از مسلمانان علاقمند به سوسیالیسم و حزب ماست. طفلک نگران شده و میگوید « ترا به خداکاری کنبد که افتتاح بعد از کودتای 28 مرداد پیش نیاید. همه جا نقشه قلع و قمع شمارا میکشند. اقلا بخشی ا

از رهبریتان را از زیر ضربه خارج کنید، شاخه های مهم تشکیلاتتان را کور کنید، منظم و حساب شده عقب نشینی کنید ، اقلا امکاناتی برای فعالیت های بعدی باقی بگذارید. امکان ندهید همه چیز را یک جا نابود کنند. نگذارید همه گیر بیافتندو اعدام شوند، یا در زندان بپوسندو یک نسل تباه شود». اما رفیق کیای ما مرتب اطمینان میدهد که هیچ خبری نیست واینها همه سروصدا است ودر آن بالا کسانی هستند که مانع حمله به ما هستند. اصلا حرف زدن در جلسات با حضور کیا کارسختی است . اومانع ایجاد فضائی میشود که کسی حرفی بزند ونظری بدهد. اوراقی بین حاضران پخش میکند که بخوانند ونیمی از وقت جلسه به این شکل میگردد وبعد مطالبی کلی اضافه میکند، با آنکه حتی این کارراهم نمیکند و میگوید تحلیل مسائل را درنوار» پرسش و پاسخ » شنیده اید ، یا خواهید شنید ! و جلسه تمام میشود. البته او اطلاعات وسیع تری دارد . خیلی چیزها میداند که هیچ وقت نمی گوید وارتباط های فراوانی دارد. آدم هائی دارد که مازان بی خبریم . شاید هم حق با اوست ...اما این دوست مسلمانمان مرد نازنینی است . خواهش والتماس میکرد که « یک کاری بکنید که مثل بعداز28 مرداد نشود»

دی 61

طبری گفت : این مردک، لاجوردی، دیوانه است! رفقایمان عمونئی و شلتوکی را خواسته بود که به دیدنش بروند. رفقا بررسی کردند وقرارشد که عمونئی تنها برود ورفت به زندان اوین به دفتر کار لاجوردی. اما این مردک بعد از قدری چاق سلامتی، وسط خنده وشوخی ناگهان گفته است « هیچ میدانی که الان میتوانم تورا اینجا بگهدارم و اصلا دستوراعدمه را بدهم؟» رفیقمان گفته « خوب، بله! می دانم که این کارها از تو ساخته است!» لاجوردی گفته « ولی نترس ! الان این کاررا نمیکنم! میتوانی بروی ! » رفیقمان پرسیده « پس برای چه کاری احضارمان کردی؟» او جواب داده « هیچ ! آخر ناسلامتی ما سالها هم زنجیر بودیم ! دلم برای توو اقارضا (شلتوکی) تنگ شده بود! خواستم ببینم که اگر احضارتان کنم ، با پای خودتان می آئید یانه ! » ولی این را هم بدان که اگر لازم باشد اعدامت کنم ، می کنم وهمزنجیری وغیره هیچ اهمیتی برایم ندارد!»

عجب دیوانه ای است ! این حرف ها کاملا بوی دیوانگی میدهند!

پایان

پیوست

فحاشی استانداردی حزب توده به ایرج هاشمی زاده

نگاه هادی خرسندی

باتوده ای ستیزی خود را رسوا میکند

به اندازه قفل ها

کلید نزدماست !

ارکستر همیشگی ارتجاع و امپریالیسم، در ماه های اخیر درهماهنگی کامل با یکدیگر، سلسه تبلیغات جدیدی راعلیه حزب توده ایران آغاز کرده اند. بخشی از سازهای این ارکستر درسیمای جمهوری اسلامی به صدا درآمده اند وبخشی درتلویزیون ها وبه اصطلاح « مدیا» های وابسته به سلطنت طلب های وقیح و گاه خجول!

درسیمای جمهوری اسلامی، پس از سخنان رهبر درسفرگرمسارکه درآن ازنفوذ اندیشه های توده ای درمیان دانشجویان نالیده و اشاره به اعتراف گیری هائی درکانال های 2، 3 و 4 به بهانه ها واسامی مختلف ترتیب یافت که هنوز نیز در برنامه های نقد کتاب ویا نقد تاریخ معاصر ادامه دارد.

اوج این برنامه ها؛ به سیما آوردن حسین شریعتمداری از روزنامه کیهان به بهانه سالگرد انقلاب وتاسیس جمهوری اسلامی در برنامه پربیننده فرزاد حسنی بود. درلابلاک این برنامه، زمانی که حسین شریعتمداری بعنوان متخصص گفتگوهای زندان اوین از آشنائیی هایش بازنده یادان طبری؛ گلاویز؛ پورهرمان وچند چهره دیگر رهبری حزب توده ایران در زندان سخن گفته وهمه آنها را مجذوب استدلال های خوددر اتاق اعتراف گیری؛ گرداننده برنامه که ظاهرا دلش نمی خواهد ازاعتبارو شهرت برنامه اش کاسته شود به میان حرف او بریده وگفت « البته می دانید که افراد حزب توده هم باشاه مبارزه کردند وما برایشان احترام قائلیم، ولی راهشان اشتباه بود. اساسا هم مردم ما گرایش به کمونیسم ندارند... »

در همین برنامه حسین شریعتمداری پیرامون مبارزاتش در شهرستان بیلاقی وخوش آب وهوای دماوند باشاه بالای منبررفت واین که دو رئیس ساواک شهرکه می خواستند باایشان مبارزه کنند ورافتادند و مردند!

دماوند درسال هائی که شریعتمداری مدعی است دراین شهرستان کوچک علیه شاه مبارزه می کرده، البته سابقه مبارزاتی دارد، اما این سابقه به نام دیگرانی ثبت است که اگر این برنامه تلویزیونی را دیده باشند به ته ریش شریعتمداری می خندند. دماوند مشهوراست به خلع سلاح شدن ژاندارمری اش درروزهای 25 تا 28 مرداد توسط توده ای ها و سپس دردهه 40 و 50 نیز شماری از زندانیان جنبش چریکی از همین شهرستان برخاستند. دراین شجره نامه، ازحسین شریعتمداری سخنی درمیان نیست، حتی درکنارآیت الله مجد که سال ها پیش نماز شهربود.

امادر خارج ازکشور؛ نیز درست همزمان بااین تبلیغات درسیمای جمهوری اسلامی که هدف ازآن جلوگیری ازسرعت گرفتن گرایش جنبش دانشجویئی؛ جوانان وگارگران برای آگاهی از تاریخ حزب توده ایران وگرایش به مشئی توده ای بود وهست، « مدیا» ها ویا همان سیماها وصداهائی (رادیوها) که سرنخ شان به لس آنجلس وصل است، سلسه حملات تبلیغاتی را علیه حزب توده ایران و تاریخ آن شروع کردند که همچنان ادامه دارد.

دراین بخش خارج کشوری حملات تبلیغاتی؛ که روزنامه کیهان لندن نیز رساله های کتبی آن را منتشرکرد، تمام هدف آن بود وهست که جمهوری اسلامی کنونی را دست پخت حزب توده ایران معرفی کنند وبا انگشت گذاشتن برمشکلات مردم، کل انقلاب 57 را نفی کرده وتاج سلطنت را یکباردیگر برسرخویش بگذارند.

این هدف اصلی تبلیغات ضد توده ای رادیوها؛ تلتویزیون هاو دونشریه کیهان و نیمروز در خارج ازکشوراست . گاه عباس میلانی علنی وبانام ومشخصات خودبه این میدان می آید و گاه آقای چالنگی بانام ها واسامی مستعاربامبیری خوان هم همیشه؛ بعنوان مصاحبه کنند ونهییه کننده حضوردارد. ازحسین مهری تامبیدی

چون آقای چالنگی دراین فصل تازه توده ای ستیزی جای خالی بهروز صوراسرافیل را درکیهان و چند برنامه صدا وسیمای لس آنجلس گرفته و صدا درصدای حسین شریعتمداری درنهران انداخته؛ کمی هم درباره ایشان سخن گفت کم فایده نیست .

سابقه ومشخصات امثال عباس میلانی که ازسینه چاک دادن برای مائودراتبدای دهه 1350 وبه همراه خودبه زندان بردن یک تیم کامل 12 نفره وسپس سردرآوردن ازدانشگاه ملی زمان شاه رسیده است به ستایش عباس هویدا نخست وزیر 14 ساله شاه؛ نیاز به واکاوی ندارد. ازانصاف هم نباید گذشت که ایشان خودنیز با صراحت می گوید که چکاره بوده وچکاره شده؛ لازم نیست ما چیزی ازدانسته های گذشته خودبه آن اضافه کنیم.

اما آقای جمشید چالنگی؛ که ازهول حلیم حمله امریکا به ایران وامید بازگشت آنچه به تاریخ پیوسته افتاده است داخل دیگ قدیم ها؛ یعنی همان دورانی که امریکائی ها روی زمین ایران راه می رفتند و درشمال تهران خانه های ویلانی را اشغال کرده بودند، برخلاف اکنون که سیاسی نویس شده ؛ سینمائی نویس برخی مطبوعات دوران شاه؛ ازجمله مجله فردوسی بود.

بعدها سراروزنامه آیندگان درآورد وکمک دست بهروز صوراسرافیل شدکه بااقوام دست چندم دربارشاه تازه وصلت کرده بود. همای سعادت هر دو روبه اوج بود که انقلاب شد. ازایران خارج شد ودرمصربه دستنوس شاه رفت وشد مشاورومطبوعاتی شاه ازایران گریخته. وقتی دریکی ازرادیو های فارسی آن زمان دستش را بندکردند وعده داد که دوماهه ورق را برخواهد گرداند وشاه بازخواهدگشت! این وعده تحقق نیافت وسرانجام جمشید چالنگی سرازکیهان لندن درآورد. البته بانام های مستعار.

چالنگی و هم فلم دیگرش ایرج هاشمی[زاده]، صفحه خاطرات و تاریخ کیهان لندن را تبدیل کرده اند به نیمه پنهان کیهان تهران

فعلا این تریبونی است که برای توده ای ستیزی در اختیار دارد و روزنامه های « مردم » و « نامه مردم » ارگان مطبوعاتی حزب توده ایران در سال های پس از انقلاب را با هم ورق می زند و با وصله پینه کردن مطالبی که از آنها برگرفته، پس از جدا کردن آنها از زمان و مکان مطالب چهل تکه می نویسد و به تنور کیهان می زند.

این مختصر بر هر دو گروه توده ای ستیز داخل و خارج کشور لازم بود، تا همه آنها که نامشان برده شد، بقول شادروان نصرت رحمانی بدانند: به اندازه « قفل » هائی که به سقاخانه صد توده ای می بندند « کلید » اینجاست !

(برگرفته از سایت «راه توده»؛ شماره 130، 23.04.2007 ارگان حزب توده (گروه چندم!) در خارج از کشور)



www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com



گفتند که حرف تو حساب است افسوس که ضد انقلاب است

سفر آدمی را پخته می کند یا پریشان یا هر سه؟

از سفر پاریس که وصل شدم به وین (راستی سپاسگزارم از محبت های همکار روزنامه نگاران خانم عفت داداشپور) و از آنجا به سانفرانسیسکو و بعد به هلند، رشته ی «کیهان خواندن» از دستم در رفت. در شهر فلسینگن هلند، محسن آقائی که میزبان من و همراهانم بود اشاره به افشاگری حزب توده در باره ی من کرد اما توی کیهان هایش پیداش نکرد. (راستی محسن جان سپاس از شما و همسر گرامی). به لندن که برگشتم دست به دامن کمال آقا شدم که کیهان ۱۱۴۳ - ۱۴ فوریه را پررئوز برایم آورد. (ممنون برادر). ببخشید که دیر شد!

پژوهشنامه «در مسیر انقلاب پا به پای روزنامه «نامه مردم»» را «ایرج هاشمی زاده» با سلیقه و هوشمندی شایسته ای تنظیم کرده است. برای من جای خشنودی است که بی تی سی ساله از مرا بر پیشانی تحقیقات چند شماره ایش نشانده است: «گفتند که حرف تو حساب است - افسوس که ضد انقلاب است».

هاشمی زاده از ستون «شوخی نیست ...!» («نامه مردم» - ۹ تیرماه ۱۳۵۹) چنین آورده:

«ضد انقلابیون کمیاب!

- هادی خرسندی را می شناسید؟

- ایشان در انگلستان سردبیر یک نشریه ضد انقلابی هستند.

.....

- برای چه یاد او افتاده اید؟ مگر ضد انقلابی کم است؟
- البته کم نیست ولی ضد انقلابی که در کشور نباشد و نامش هنوز جزو کارمندان وزارت ارشاد ملی باشد، کم است.»

«نامه مردم» اگر به جای وزارت ارشاد ملی، وجود نام مرا در لیست سازمان امتیث خبر می داد، احتمال بیشتری داشت که کسی حرفشان را باور کند چرا که با شهرتی که توده ای ها در زمینه دست داشتن در ساواک (بعد ساواما و واواک) داشتند و شناسائی می کردند و لو می دادند و استخدام می کردند و اخراج می کردند و برای همدیگر حکم اضافه حقوق صادر می کردند، منطقی تر می نمود که در خانه تکلی های اداری، به نام من هم برخورد باشند.

بدون شک نویسنده ی ستون «شوخی نیست» اگر مینوشت که آخرین چک حقوق خرسندی از ساواک و واواک را خودم امضا کردم (یا نکردم)، این دروغ و قبحخانه شان بیشتر به باور عموم می آمد.
آن روزها پرسشی اگر بود که این اطلاعات دقیق را خودتان به دست آورده اید یا سازمان جاسوسی همسایه شمالی در اختیارتان گذاشته؟ لابد پاسخ از حکایت عبید می آوردند که چنان قاطی پاتی شده که «نه مال ما پیدا است نه مال همسایه»!

یکی گفت: آن روزها فقط حزب توده چنین نبود و دست به دمبک هر جریانی می زد، صدا می داد. یکی جواب داد: اولاً دمبک خاصیتی غیر از این ندارد؛ ثانیاً حزب توده زخمه به سیمش نخورده «چهارمضراب» می زد و از پیشدرآمد شروع کرده بود و راست پنجگانه را گرفته بود رفته بود بالا. بعد هم مثل بعضی بیماران ایدز، سوزن آلوده در رهگذر ساحل می انداخت تا دیگران را هم به آلودگی خود مفتخر کند.

کیهان 6 لندن، شماره 1150، 11 آوریل 2007

بالای صفحه